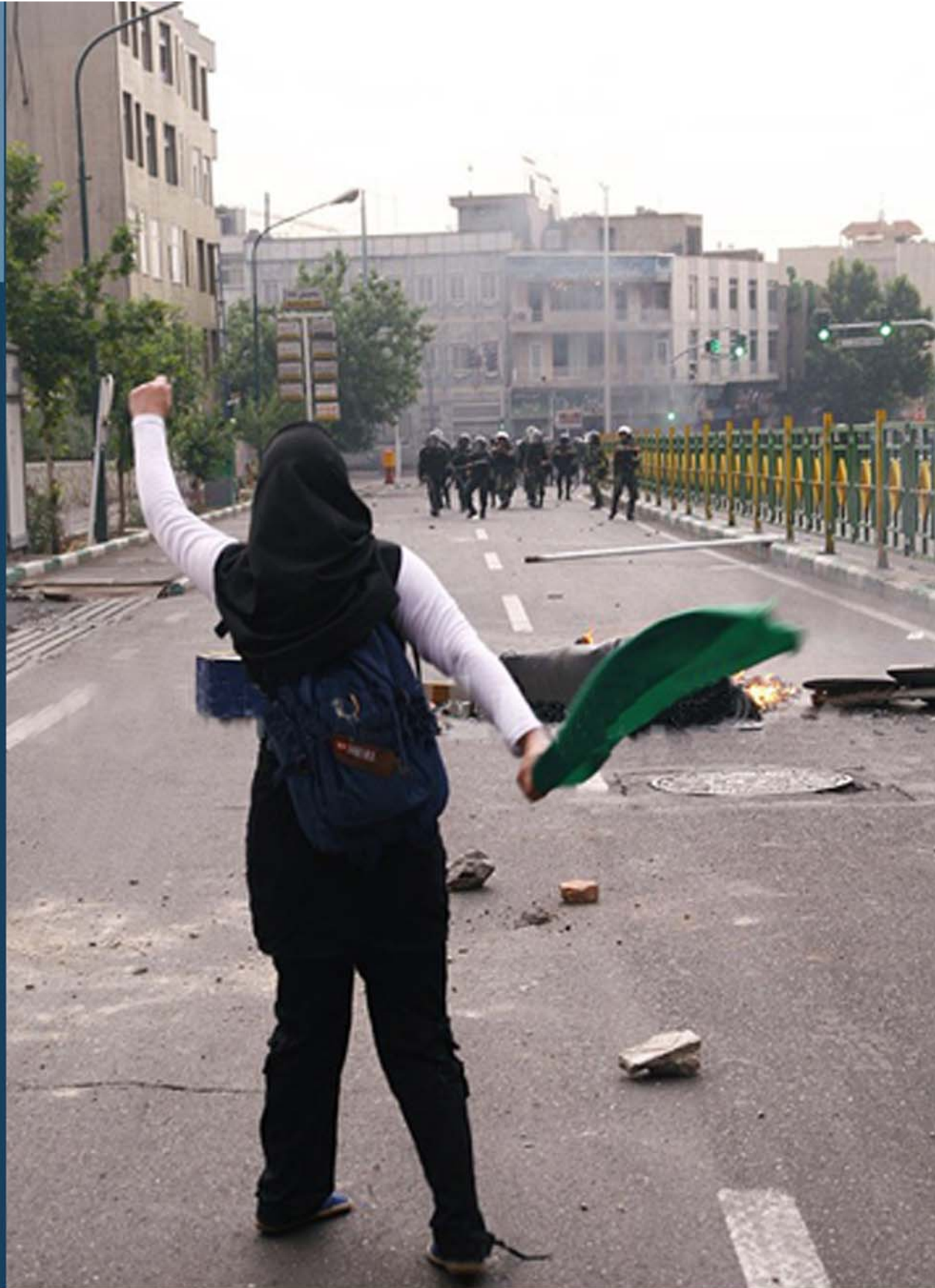


خاموشی



خاموش کردن جنبش زنان
در ایران

خاموش کردن جنبش زنان در ایران

مرکز اسناد حقوق بشر ایران

شهریور ۱۳۸۹

مرکز اسناد حقوق بشر ایران

مرکز اسناد حقوق بشر ایران نهادی بیطرف و مستقل پژوهشی است که هدف آن ایجاد یک تاریخچه جامع و عینی از وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران از زمان انقلاب سال ۱۳۵۷ به بعد می‌باشد. این تاریخچه، شامل جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل طیف گسترده‌ای از اسناد و مدارک است که به صورت آرشیو، جهت مطالعه و تحقیق در دسترس عموم قرار خواهد گرفت. با تکیه بر این اصل که مسئولیت‌پذیری در قبال تخلفات گذشته لازمه پیشرفت اجتماعی و تحولات دموکراتیک در آینده خواهد بود، مرکز اسناد حقوق بشر ایران، گفتگو و تبادل نظر آگاهانه درباره وضعیت حقوق بشر در ایران را تشویق و ترغیب می‌نماید. این مرکز با تعداد زیادی از پژوهشگران و متخصصان در زمینه مستندسازی موارد نقض حقوق بشر و سایر پروژه‌ها همکاری می‌کند.

اهداف مرکز اسناد حقوق بشر ایران

- بررسی و مستندسازی موارد تخلف حقوق بشر در ایران؛
- ارتقای سطح آگاهی مجامع بین‌المللی از تخلفات حقوق بشر در ایران و تحت فشار قرار دادن دولت ایران برای خاتمه دادن به این تخلفات؛
- ارتقای سطح آگاهی مردم ایران از موارد تخلف حقوق بشر در ایران و استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر؛
- ایجاد مجموعه و آرشیوی اینترنتی از اسناد حقوق بشر با این امید که روزی در پیشرفت و حمایت از روند مسئول شناختن متخلفان مورد استفاده قرار گیرد.

آدرس:

Iran Human Rights Documentation Center

۱۲۹ Church Street, Suite ۳۰۴

New Haven, CT ۰۶۵۱۰, USA

تلفن: ۷۷۲-۲۲۱۸ (۲۰۳)

نمابر: ۷۷۲-۱۷۸۲ (۲۰۳)

پست الکترونیکی: info@iranhrdc.org

پایگاه اطلاعاتی: <http://www.iranhrdc.org>

عکسها: عکس روی جلد دختری را در تظاهرات بعد از انتخابات نشان می‌دهد که در مقابل حمله نیروهای امنیتی ایستاده است.

© ۲۰۱۰ همه حقوق محفوظ است

مرکز اسناد حقوق بشر ایران، نیویورک، کانتیکت

خاموش کردن جنبش زنان در ایران

فهرست مطالب

پیشگفتار	۲
۱. جنبش حقوق زنان در ایران	۴
۱،۱. پیش از جمهوری اسلامی ایران.....	۴
۱،۲. جمهوری اسلامی	۷
۱،۲،۱. دور اول ریاست جمهوری احمدی نژاد (۱۳۸۸-۱۳۸۴)	۱۰
۲. هدف قرار دادن فعالان حقوق زن در روزهای پیش از انتخابات خرداد ۱۳۸۸ ...	۵۱
۲،۱. وعده‌های نامزدهای انتخاباتی	۱۵
۲،۲. سرکوب فعالان	۱۶
۳. هدف قرار دادن فعالان و مدافعان حقوق زن در دوران پس از انتخابات	۱۹
۳،۱. بی اعتبار ساختن رهبری	۲۲
۳،۲. دستگیری دیگر فعالان حقوق زنان	۲۶
۳،۳. دستگیری رهبران، اعضاء و جمع کنندگان امضاء کمپین یک میلیون امضاء	۳۵
۳،۴. دستگیری اعضاء مادران عزادار	۳۷
۳،۵. بازجوییها	۳۹
۳،۶. محدودیت آزادی سفر	۴۴
۴. نقض قوانین ایران و حقوق بین الملل	۴۶
۴،۱. نقض آزادیهای بنیادی بیان، تجمع و انجمن	۴۶
۴،۲. محرومیت از حمایت‌های موجود در تشریفات حقوقی	۴۸
۴،۳. بدرفتاری و شکنجه در زمان بازداشت	۵۱
۴،۴. استفاده از وثیقه به عنوان نوعی مجازات	۵۳
۴،۵. آزار و مزاحمت‌های رسمی	۵۴
۴،۵،۱. حق احترام به زندگی خصوصی افراد	۵۴
۴،۵،۲. حق اشتغال	۵۵
۴،۵،۳. آزادی رفت و آمد	۶۵
نتیجه گیری	۵۷
روش شناسی	۵۷

پیشگفتار

صبح روز ۲۶ تیر ماه ۱۳۸۸، هنگامی که شادی صدر، وکیل برجسته و فعال حقوق زنان، با دوستان خود به قصد شرکت در مراسم نماز جمعه به امامت آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی به طرف دانشگاه تهران قدم می‌رفتند، لباس شخصیهایی از اتومبیل خود بیرون پریده و وی را داخل آن انداختند. آنها وی را به دفتر پیگیری در مرکز تهران بردند—جایی که محل اشتغال کارمندان وزارت اطلاعات ایران می‌باشد. کمی بعد هنگام شب، وی به زندان اوین منتقل شد. وی به مدت دوازده روز در آن زندان محبوس بود که بیشتر این مدت را در حبس انفرادی و در شرایطی غیربهداشتی گذراند.

چند تیم در نوبتهای متمادی و متناوب، درباره زندگی شخصی او، دیگر فعالان حقوق زنان، سفرهای وی به خارج، و نظر او درباره انتخابات اخیر، از او بازجویی به عمل آوردند. بازجوها سعی می‌کردند تا با تحت فشار قرار دادن وی، او را مجبور سازند پسورد ایمیل‌های خود را در دسترس آنها قرار دهد. ۲-۳ روز پس از دستگیری، به خانم صدر گفتند که اتهام او به خطر انداختن امنیت ملی از طریق ایجاد اغتشاش است. ۳-۴ روز پیش از رهایی، او را با چشمان بسته به اطاقی بردند که در آنجا می‌توانست صدای فریادها و زجه‌های ۱۵ تا ۲۰ مرد که مورد ضرب و شتم قرار داشتند را بشنود. صدای انواع سلاحها، باتومها و شلاقها اطاق را به لرزه انداخته بود. پس از حدود ۳۰ یا ۴۵ دقیقه، وی را در حالیکه می‌لرزید برای بازجویی به اطاق دیگری بردند.

چند روز پس از آزادی از زندان، در نخستین محاکمه گروهی نمایشی در تهران، کیفرخواست مربوطه قرائت شد. در این کیفرخواست از خانم صدر به عنوان رهبر زیرمجموعه زنان نام برده شده بود که طبق ادعای رژیم در حال برپایی انقلابی مخملی برای سرنگونی جمهوری اسلامی بوده است. صدر مبهوت ماند—این اتهامات و نیز اتهامات دیگری که به وی نسبت داده شده بودند بسیار جدی بودند و می‌توانستند در ایران برای وی مجازات مرگ به همراه داشته باشد. چهل و هشت ساعت بعد، او به ترکیه فرار کرد.

منشاء تاریخی جنبش حقوق زنان در ایران به انقلاب مشروطه در سال ۱۲۸۵ شمسی باز می‌گردد که طی آن زنان خواستار حق مساوی برای آموزش و پرورش شدند. پس از آنکه خاندان پهلوی در سال ۱۳۰۴ قدرت را به دست گرفت، فریادهای حق طلبی برای تساوی قانونی بخشی از انگیزه مدرنیزه کردن ایران تبدیل شد. در سال ۱۳۵۷، هنگامی که آیت‌الله خمینی به قدرت رسید، حجاب دیگر اجباری نبود و زنان می‌توانستند در رأی‌گیری شرکت کرده و به مناصب سیاسی برسند. قانون حمایت خانواده که در ۱۳۴۵ تصویب و در ۱۳۵۴ اصلاح گردید، به زنان در زمینه ازدواج، طلاق و ارث، حقوق بیشتری اعطاء می‌کرد.

بسیاری از این حقوق در سالهای پس از انقلاب ۱۳۵۷ لغو گردیدند. با آنکه در دوران اصلاحات و ریاست جمهوری محمد خاتمی بین سالهای ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۴ زنان به سازماندهی فعالیتهای خود تشویق می‌شدند، عوامل محافظه کار رژیم همچنان به سرکوب این فعالیتها ادامه می‌دادند. این سرکوبها در دوره اول ریاست جمهوری احمدی‌نژاد شدت یافت. فعالان مرتباً آزار و اذیت شده، مورد بازجویی، دستگیری، و حبس قرار گرفتند.

با این حال جنبش حقوق زنان نه تنها از این مهلکه جان سالم به در برد بلکه شکوفا نیز شد. در سال ۱۳۸۵ گروهی از فعالان با سابقه، کمپین یک میلیون امضاء را به راه انداختند. این کمپین تلاشی است برای جمع‌آوری امضاء بر ضدقوانین تبعیض‌آمیز و نیز آموزش عموم ایرانیان درباره نابرابریهایی که زنان ایرانی از آن رنج می‌برند. کمپین که ریاست مشخصی ندارد، گروه‌های مختلف جنبش زنان را در پی یک هدف مشترک با یکدیگر متحد ساخته است. فعالان جنبش زنان موفق شدند کمیته قضایی مجلس را متقاعد سازند تا بخشهای بحث برانگیز قانون حمایت از خانواده که توسط احمدی‌نژاد در تابستان ۱۳۸۷ به مجلس ارائه شده بود را موقتاً به حالت تعویق در آورند. لایحه پیشنهادی مزبور، چند همسری را برای مردان آسان‌تر می‌ساخت، طلاق را برای زنان مشکل‌تر می‌کرد، و ازدواج یک مرد غیرایرانی با یک زن ایرانی بدون داشتن اجازه مخصوص را جرم می‌شناخت.

خاموش کردن جنبش زنان در ایران

تأثیر این جنبش در این واقعیت منعکس شد که اگرچه شورای نگهبان ایران تمام کاندیداهای زن را برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری خرداد ۱۳۸۸ (اصولاً تمامی انتخابات ریاست جمهوری در ایران) رد صلاحیت کرد، سه تن از چهار نامزد انتخاباتی، بسیاری از مطالبات آنها برای برقراری حقوق مساوی برای زنان را مورد تأیید قرار دادند. دولت ایران که جنبش زنان را تهدید فزاینده‌ای می‌دانست، طی ماه‌های پیش از انتخابات، برای خاموش ساختن صدای فعالان حقوق زنان، قدم‌های حساب شده بسیاری برداشت. دفتر کانون مدافعان حقوق بشر که توسط برنده جایزه نوبل، شیرین عبادی تأسیس شده بود را تعطیل نمود، برای اولین بار مجازات حبسی که یکی از فعالان زن به دلیل فعالیت‌های خود گرفته بود را به اجرا درآورد، و نیز دیگر فعالان زن را دستگیر، بازجویی، و بازداشت کرده و خروج آنها از کشور را ممنوع کرد.

همانطور که در گزارش مرکز اسناد حقوق بشر ایران به نام «پیامد خشونت‌بار: انتخابات ۱۳۸۸ و سرکوب دگراندیشان در ایران» آمده است، بلافاصله پس از انتخابات، رژیم به سرکوب هرگونه ابراز مخالفت پرداخت. رژیم به ضرب و شتم، کشتار و دستگیری تظاهرکنندگان دست زد و بسیاری دیگر از شهروندان ایرانی را که تهدیدی برای رژیم محسوب می‌شدند را بازداشت نمود. تجربه، توانایی و قابلیت جنبش زنان در سازماندهی و ارسال تصاویر و اطلاعات به میان مردم و رسانه‌های خارجی سبب شد تا رژیم اعضای این جنبش را در جایگاه نخستین هدف‌های خود قرار دهد.

دستگیری و بازداشت شادی صدر اخطاری برای دیگر فعالان حقوق زن بود. طی یک سال پس از انتخابات، رژیم ایران از اتهام تهدید علیه امنیت ملی به عنوان حربه‌ای برای منفعل کردن جنبش حقوق زن استفاده نموده است. کثرت، شدت و دامنه این سرکوب افزایش یافت. فعالان هنگام تظاهرات دستگیر شدند و هنوز هم در خانه‌های خود و در مکان‌های عمومی، اغلب بدون ارائه هیچگونه حکم جلب، بازداشت می‌شوند. خانه‌های آنها مورد تجسس قرار گرفته و اموال آنها توقیف می‌شود. آنها بدون هیچگونه اعلام جرم و بدون داشتن دسترسی به وکلا و خانواده‌های خود بازداشت می‌شوند. آنها مدت‌های طولانی در حبس انفرادی نگهداشته شده و مورد بازجویی‌های طولانی و اغلب خشونت‌بار قرار می‌گیرند. برخی از آنها تنها پس از گذاشتن وثیقه‌های سنگین و یا تضمین‌های مالی رها می‌شوند. برخی دیگر همچنان در زندان هستند. و برخی هم به دلیل فعالیت‌های آنها از مشاغل خود اخراج شده‌اند.

اعضای این جنبش - از داوطلبان پاره وقت گرفته تا مدافعان حقوق بشری که شهرت جهانی دارند - انتخابی سخت در پیش رو داشته‌اند - برای حفظ خود، خانواده، و معیشت خود دست از فعالیت بردارند، یا به قیمت مواجهه با اتهامات کیفری، دستگیری و بازداشت خودسرانه، بازجویی، شکنجه و حتی مرگ، به فعالیت خود ادامه دهند. پریسا کاکایی، یکی از فعالان با سابقه حقوق زنان، معتقد است که «[سه انتخاب وجود دارد]: یا باید فعالیت نکنی، یا به زندان بروی، یا از کشور خارج بشوی».^۱ بسیاری از فعالان از کشور گریخته‌اند.

رژیم ایران کماکان با ارائه و اجرای قوانین تبعیض‌آمیز علیه زنان و اعمال محدودیت‌های بیشتر بر حقوق آنها که خود تاکنون محدود بوده است، سعی دارد به طور همزمان جنبش حقوق زنان را از هم فرو بپاشد. کمیسیون قضایی مجلس در آذر و دی ماه ۱۳۸۸ لایحه حمایت خانواده را مجدداً مورد بررسی قرار داد و موادی که قبلاً به حالت تعویق در آورده بود را به آن اضافه کرد. مقامات رسمی ایران کماکان از مصونیت بین‌المللی برخوردار هستند. در اوایل اردیبهشت ۱۳۸۹، ایران به عضویت کمیسیون بررسی وضعیت زنان سازمان ملل متحد انتخاب گردید - این کمیسیون تنها نهاد سازمان ملل متحد است که در جهت به دست آوردن تساوی حقوق جنسیتی و پیشبرد موقعیت زنان در سراسر دنیا فعالیت می‌کند.

این گزارش به بررسی هدف قرار دادن فعالان حقوق زنان توسط جمهوری اسلامی ایران در ماه‌های قبل و بعد از انتخابات ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ می‌پردازد. بخش نخست زمینه‌ای مختصر درباره تاریخچه جنبش حقوق زنان در ایران می‌باشد. بخش دوم به شرح سرکوب این جنبش در ماه‌های پیش از انتخابات می‌پردازد، و بخش سوم به بحث هدف قرار دادن فعالان حقوق زن در دوران پس از انتخابات می‌پردازد. بخش آخر، مسئولیت قانونی رژیم در برابر قانون ایران و حقوق بین‌الملل را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. رژیم ایران در تلاش برای از هم پاشی این جنبش و با نقض قوانین ایران و قوانین بین‌المللی به

۱. «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با پریسا کاکایی» (۲۵ فروردین ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران).

۱. جنبش حقوق زنان در ایران

دستگیری، بازداشت، و بازجویی خودسرانه این فعالان پرداخته است.

۱. جنبش حقوق زنان در ایران

جنبش حقوق زنان در ایران تاریخچه‌ای طولانی دارد. این جنبش به دفعات موفق به اصلاح قوانین و مقررات تبعیض آمیز گردیده است و طی دوره‌های طولانی به صورت ظالمانه سرکوب گردیده است. این سابقه طولانی و دشوار زنان ایران را بر آن داشته تا ساختارهای سازمانی قوی اما انعطاف‌پذیری را بنیان نهند که موفق شد تا نخستین دوره چهار ساله ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد را به سلامت پشت سر گذارد و طی ماه‌های قبل و بعد از انتخابات ریاست جمهوری ۲۲ خرداد ۱۳۸۸، به صورت تهدیدی در برابر قدرت رژیم ظاهر شود.

۱.۱.۱. پیش از جمهوری اسلامی ایران

جنبش حقوق زنان همزمان با انقلاب مشروطه ایران در آغاز قرن گذشته متولد شد. هنگام رویارویی با قدرت، از جمله در موقع اعتصابات و تظاهرات، زنان اغلب به یاری و پشتیبانی مردان همکار خود می‌پرداختند.^۲ در حالیکه برخی به انتقاد از حجاب، چندهمسری، و طلاق به صورت نکول، می‌پرداختند، طرفداران حقوق زنان در آن زمان بر حمایت از تحصیل دختران، گسترش فضای علمی در خانه و ازدواج صمیمانه تکیه داشتند.^۳

در سال ۱۲۸۵، فعالان زن گردهمایی برگزار کردند که طی آن، همراه با مسائل دیگر، تصمیم به تأسیس مدارس دخترانه و نیز منسوخ کردن «جهیزیه‌های سنگین» (که مانعی بر سر راه تأمین هزینه تحصیلی دختران بود) گرفتند.^۴ یک تا دو ماه پس از آن، انجمن آزادی زنان شروع به برگزاری نشست‌هایی کرد که در آن مردان و زنان درباره مسائل سیاسی و اجتماعی به گفتگو می‌پرداختند.^۵ پس از برگزاری تنها چند جلسه، وقتی خبر فعالیتهای این انجمن به روحانیون محافظه‌کار در بازار رسید، انجمن آزادی زنان به سختی توانست از حمله اوباش چماق‌دار جان سالم به در برد. دانش‌آموزان و آموزگاران مدارس دخترانه در خیابانها مورد آزار و اذیت و حمله قرار گرفتند، و چندین مدرسه طی چند هفته پس از گشایش، تعطیل شدند.^۶ در اصفهان اراذل و اوباش به یک مدرسه دخترانه که توسط صدیقه دولت‌آبادی - یکی از فعالان برجسته تا هنگام وفات او در سال ۱۳۴۰ - تأسیس شده بود، حمله نمودند. مقامات مدیر مدرسه را برای سه ماه زندانی نموده و به ضرب و شتم دولت‌آبادی پرداختند.^۷

در سال ۱۳۰۱ یک فعال برجسته دیگر به نام محترم اسکندری، اقدام به تأسیس جمعیت نسوان وطنخواه نمود. این جمعیت در راه بالا بردن سواد زنان و کمک به توسعه صنایع ملی از طریق برگزاری سمینارها و تهیه متون برای مدارس زنان و دخترانه تلاش می‌کرد. روحانیون این جمعیت را محکوم نمودند و مقامات اسکندری را دستگیر و خانه وی را سوزاندند.^۸

۲. ژانت آفاری [JANET AFARY]، «انقلاب مشروطه ایران، ۱۹۱۱-۱۹۰۶» [THE IRANIAN CONSTITUTIONAL REVOLUTION]، ص. ۱۷۸ (۱۹۹۶) [از این به بعد «انقلاب مشروطه ایران»].

۳. ژانت آفاری [JANET AFARY]، «سیاست جنسی در ایران معاصر» [SEXUAL POLITICS IN MODERN IRAN]، صص. ۲۷-۱۲۶ (۲۰۰۹) [از این به بعد «سیاست جنسی در ایران معاصر»]. گسترش فضای علمی در خانه بر نقش مادر در آموزش تکیه داشته و مخصوصاً طرفدار پیشرفت و ترقی بود.

۴. «انقلاب مشروطه ایران»، ر.ک. زیر نویس ۲، ص. ۱۸۲.

۵. پروین پایدار [PARVIN PAIDAR]، «زنان و فرایند سیاسی در ایران قرن بیستم» [WOMEN AND THE POLITICAL PROCESS IN TWENTIETH-CENTURY IRAN]، [از این به بعد «زنان و فرایند سیاسی»]، صص. ۶۸-۶۷ (۱۳۷۴).

۶. «انقلاب مشروطه ایران»، ر.ک. زیر نویس ۲، صص. ۱۸۵، ۱۹۰؛ «زنان و فرایند سیاسی»، ر.ک. زیر نویس ۵، صص. ۶۷-۷۰.

۷. «زنان و فرایند سیاسی»، ر.ک. زیر نویس ۵، ص. ۹۳.

۸. «زنان و فرایند سیاسی»، ر.ک. زیر نویس ۵، صص. ۹۵-۹۶. منصوره اتحادیه [MASOUREH ETTEHADIEH]، «آغاز و گسترش جنبش زنان در ایران، ۱۹۰۶-۹۱» [The Origins and Development of the Women's Movement in Iran]، در «زنان در ایران: از ۱۸۰۰ تا جمهوری اسلامی» [WOMEN IN IRAN: FROM 1800 TO THE ISLAMIC REPUBLIC]، ص. ۹۰، انتشارات لوئیس بکت و گیتی نشت، [Lois Beck and Guity]

خاموش کردن جنبش زنان در ایران

به سلطنت رسیدن رضا پهلوی در ایران در سال ۱۳۰۴ و تأسیس سلسله پهلوی، دورانی جدید برای حقوق زنان را به ارمغان آورد. بسیاری از درخواستهای جنبش زنان، بخشی از انگیزه شاه برای مدرنیزه کردن ایران گردید. در سال ۱۳۱۱ وی جمعیت مستقل زنان وطنخواه را به منظور تأسیس مرکز زنان که تحت حمایت دولت بود، تعطیل نمود. این مرکز اسماً تحت ریاست دختر شاه بود اما مدیریت آن به عهده دولت آبادی گذاشته شده بود.^۹ حکومت به تأسیس دبیرستانها و هنرستانهای دخترانه اقدام کرد و در سال ۱۳۱۵ اجازه داد که زنان در دانشگاه تازه تأسیس تهران تحصیل نمایند.^{۱۰}

رضا شاه هرگز چند همسری یا ازدواج موقت را غیرقانونی اعلام نکرد و به زنان اجازه شرکت در رأی‌گیری نداد. وی ابتدا به تقبیح بی‌حجابی پرداخته و سپس فرمان اجرای آن را صادر نمود.^{۱۱} به طور سنتی زنان شهری ایرانی هنگامی که از منزل خارج می‌شوند چادر می‌پوشند، قطعه پارچه بزرگ تیره رنگی که با دست زیر چانه نگاه داشته می‌شود و تمام بدن را می‌پوشاند. این پوشش با گزاردن روبنده تکمیل می‌شود، پارچه بلندی برای پوشاندن صورت که شبیه برقع می‌باشد و زنان مسلمان و یهودی آن را می‌پوشند. در عمل حجاب در سراسر ایران اشکال مختلفی به خود گرفت. برای مثال زنان روستایی و عشایر اغلب جامه‌های گشاد و رنگارنگ به تن می‌کردند که به آنان اجازه می‌داد بتوانند کارهای شاق روزمره را انجام دهند و زنان فقیر شهری اغلب چادر به سر می‌کردند اما روبنده نمی‌انداختند.^{۱۲}

رضا شاه در سال ۱۳۱۵ فرمان کشف حجاب^{۱۳} که زنان را وادار می‌ساخت تا چادر از سر بردارند را صادر نمود. وی در سال ۱۳۰۷ به مردان، شهری به جز روحانیون و طلاب دستور داد به سبک غربی لباس بپوشند. این سیاستها به معنای مجبور ساختن ایرانیان به اتخاذ روشهای نوین غرب تلقی می‌شد.^{۱۴} زنانی که چادر به سر می‌کردند مورد ضرب و شتم قرار می‌گرفتند، فروشندگان اجازه نداشتند به زنان چادری کالا بفروشند و اتوبوسها و حمامها از ارائه خدمات به زنان چادری منع شده بودند.^{۱۵}

محمدرضا شاه نیز پس از رسیدن به قدرت در سال ۱۳۲۰ بسیاری از سیاستهای پدر خود را دنبال نمود. در دهه ۱۳۳۰ سازمانهای حقوق زنان که مطابق با آنچه در بسیاری از نقاط جهان متداول بود اکثراً به احزاب سیاسی وابسته بودند، به طور علنی شروع به طرفداری از تساوی حقوق سیاسی و فردی نمودند.^{۱۶} به تدریج بسیاری از زنان طبقه متوسط به دلایل مختلفی از قبیل تطابق با مفاهیم اخلاقی از دیدگاه روحانیون، رد معیارهای غربی، و محافظت در برابر محیط خصمانه خانه و محله

[Nashat ed. (۲۰۰۴)] [از این به بعد «منصوره اتحادیه»].

۹. «سیاست جنسی در ایران معاصر»، ر.ک. زیر نویس ۳، ص. ۱۵۱.

۱۰. «منصوره اتحادیه»، ر.ک. زیرنویس ۸، ص. ۹۵.

۱۱. «منصوره اتحادیه»، ر.ک. زیرنویس ۸، ص. ۹۶. رضا شاه چهار همسر داشت. صیغه یا نکاح موقت در ایران، یک قرارداد قانونی بین یک مرد (متاهل یا مجرد) و یک زن مجرد می‌باشد. در زمان ازدواج، زن باید باکره یا مطلقه یا بیوه باشد. در این قرارداد طرفین درباره مدت برقراری رابطه با یکدیگر توافق می‌نمایند و باید مهریه به زن پرداخت بشود. مرد می‌تواند هر تعداد زنی که بخواهد را در آن واحد به صیغه خود درآورد. اما زن در آن واحد نمی‌تواند تحت صیغه بیش از یک مرد بوده و نیز نمی‌تواند پیش از اتمام یک دوره معین که توسط قانون تعیین شده (عده) به صیغه مرد دیگری درآید. نگاه کنید به «احکام صیغه» در بخش «احکام نکاح»، «رساله امام خمینی»، قابل دسترسی در <http://www.aviny.com/ahkam/resalehimam/> و «عده طلاق» در بخش «احکام طلاق»، «رساله امام خمینی»، قابل دسترسی در <http://www.aviny.com/ahkam/resalehi-mam/resale20.aspx>

۱۲. «سیاست جنسی در ایران معاصر»، ر.ک. زیرنویس ۳، صص. ۴۴-۴۵.

۱۳. معنای لغوی کشف حجاب، «بازگشایی پوشش» است. «منصوره اتحادیه»، ر.ک. زیرنویس ۸، ص. ۹۶.

۱۴. «سیاست جنسی در ایران معاصر»، ر.ک. زیرنویس ۳، صص. ۵۷-۱۵۶. شاه همچنین زنان را به پوشیدن لباس غربی تشویق می‌نمود، همان. استفانی کرونین [Stephanie Cronin]، «اصلاحات از بالا، مقاومت از پایین: نظم جدید و مخالفان آن در ایران» [Reform from Above, Resistance]، [from Below: The New Order and its Opponents in Iran]، ۲۹-۱۹۲۷، در «حکومت و زیردستان» [The State and the Subaltern]، ص. ۸۱، (انتشارات تورج اتابکی) (۲۰۰۷).

۱۵. «منصوره اتحادیه»، ر.ک. زیرنویس ۸، صص. ۹۷-۱۰۰.

۱۶. مهناز افخمی، «سازمان زنان ایران: سیاست متحول و تغییرات انقلابی» [The Women's Organization of Iran: Evolutionary Politics and Revolutionary Change]، در «زنان در ایران: از ۱۸۰۰ تا انقلاب اسلامی»، ص. ۱۱۲ [از این به بعد «سازمان زنان ایران»]. مهناز افخمی بین سالهای ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۷ دبیرکل سازمان زنان ایران بود.

۱. جنبش حقوق زنان در ایران

خواستار پوشیدن چادر شدند و چادر بار دیگر متداول گردید.^{۱۷} در سال ۱۳۴۲ زنان حق رأی دادن و شرکت در انتخابات مجلس را به دست آوردند.^{۱۸}

در آبان ۱۳۴۵، شاه با بنیان گذاردن سازمان زنان ایران، چندین انجمن و سازمان زنان را زیر یک چتر متحد نمود.^{۱۹} سازمان زنان ایران در سراسر کشور شبکه‌ای از دفاتر خود را تأسیس نمود که کلاسهای در زمینه آموزش ادبیات، آموزشهای حرفه‌ای، مراقبتهای بهداشتی (شامل اطلاعاتی درباره تنظیم خانواده)، و نیز کمکهای حقوقی در ارتباط با حق ازدواج، طلاق، و ارث^{۲۰} فراهم می‌کرد. همچنین بسیاری از این مراکز امکانات لازم برای مراقبت از کودکان زنان شاغل فراهم می‌آوردند. تا سال ۱۳۵۴، ۳۴۹ شعبه و ۱۲۰ مرکز در سراسر کشور تأسیس یافته بود. سازمان زنان ایران همچنین حمایت و تأمین کارهای تحقیقاتی از جانب بسیاری از بخشهای اجتماعی - اقتصادی و جغرافیایی درباره مشکلات زنان را بر عهده داشت و اصلاحات حقوقی و اجتماعی را پیشنهاد می‌کرد.^{۲۱}



صدیقه دولت‌آبادی از فعالان اصلی حقوق زنان در دوران مشروطیت در ایران بود. وی اولین مدرسه دخترانه در اصفهان را تأسیس نمود، نخستین گاهنامه زنان به نام «زنان زنان» را در ایران منتشر ساخت - و اولین گروه زنان را در ایران تأسیس نمود. وی در سال ۱۳۰۱ به عنوان نماینده زنان ایرانی در کنفرانس بین‌المللی زنان در برلین شرکت جست که نخستین باری بود که یک زن ایرانی به نمایندگی از

ایران در یک مراسم بین‌المللی شرکت می‌کرد. وی به دفعات به خاطر فعالیتهای خود دستگیر شد. یکبار مأموری که وی را دستگیر می‌کرد به او گفت که او صد سال زود به دنیا آمده است. دولت‌آبادی در پاسخ گفت «من صد سال دیر متولد شده‌ام، اگر زودتر به دنیا آمده بودم نمی‌گذاشتم زنان چنین خوار و خفیف و در زنجیر شما اسیر باشند».

مجلس ایران قانون حمایت خانواده را در سال ۱۳۴۶ از تصویب گذراند. این قانون که به تأیید آیت‌الله حکیم، برجسته‌ترین روحانی شیعه در آن زمان رسیده بود حقوق گسترده‌ای را در زمینه ازدواج، طلاق، و حضانت اطفال به زنان می‌داد. این قانون سن ازدواج را برای دختران از سیزده به پانزده رساند و دادگاه‌های ویژه خانواده را بنیان گذارد تا بر طبق قوانین مدنی، به حل و فصل اختلافات مربوط به ازدواج، طلاق، و حضانت فرزندان بپردازند. مطابق قوانین پیشین، اینگونه مشکلات به میل شوهر فیصله می‌یافت - مردان مجاز بودند به طور یک جانبه همسران خود را طلاق داده و حضانت فرزندان را بر عهده گیرند.^{۲۲} آنها همچنین مجاز بودند تا بدون رضایت همسر فعلی، مجدداً همسران دیگری اختیار کنند و بدون مطلع نمودن همسران خود، دست به ازدواج موقت (صیغه) بزنند. پس از مرگ شوهر، حق اعضاء مذکر خانواده وی درباره حضانت فرزندان بر حقوق بیوه وی ارجحیت داشت.^{۲۳}

قانون حمایت خانواده چندین دلیل در حمایت از درخواست طلاق توسط زن ارائه می‌داد - از جمله ازدواج شوهر وی با همسر دوم بدون کسب رضایت وی. قانون مزبور همچنین طلاق یک طرفه را غیرممکن ساخته و مستلزم ساخت که هم شوهران و هم زنان از دادگاه حمایت خانواده درخواست ثبت طلاق نمایند - که به گواهی عدم سازش موسوم بود. این دادگاه‌ها راجع به موضوعات حضانت فرزندان تصمیم می‌گرفتند. شوهران همچنین مجبور بودند برای تعدد زوجات، از دادگاه

۱۷. «سیاست جنسی در ایران معاصر»، ر.ک. زیرنویس ۳، صص. ۸۸-۱۸۷.

۱۸. هاله اسفندیاری، [HALEH ESFANDIARI] «زندگیهای بازساخته: زنان و انقلاب اسلامی ایران» [RECONSTRUCTED LIVES: WOMEN AND IRAN'S ISLAMIC REVOLUTION]، صص. ۲۸-۲۹ (۱۹۹۷) [از این به بعد «زندگیهای بازساخته»].

۱۹. حامد شهیدیان [HAMED SHAHIDIAN] «زنان در ایران: سیاست جنسی در جمهوری اسلامی» [WOMEN IN IRAN: GENDER POLITICS IN THE ISLAMIC REPUBLIC]، صص. ۱۰۴-۱۰۲ (۲۰۰۲).

۲۰. «سیاست جنسی در ایران معاصر»، ر.ک. زیرنویس ۳، صص. ۲۱۱؛ «سازمان زنان ایران»، ر.ک. زیرنویس ۱۶، صص. ۱۱۷.

۲۱. «سازمان زنان ایران»، ر.ک. زیرنویس ۱۶، صص. ۱۱۷-۱۲۱.

۲۲. «زندگیهای بازساخته»، ر.ک. زیرنویس ۱۸، صص. ۳۰.

۲۳. «سازمان زنان ایران»، ر.ک. زیرنویس ۱۶، صص. ۱۳۲. «زندگیهای بازساخته»، ر.ک. زیرنویس ۱۸، صص. ۳۱.

خاموش کردن جنبش زنان در ایران



جمعیت نسوان وطنخواه در سال ۱۳۰۱ توسط محترم اسکندری تشکیل شد. اهداف این جمعیت شامل ارتقاء سطح تحصیلات و اخلاقیات در میان دختران، گسترش خواندن و نوشتن در میان زنان بزرگسال، فراهم کردن مراقبت از دختران یتیم و

تأسیس بیمارستانها برای زنان فقیر بود. جمعیت مزبور از طریق برگزاری سخنرانیها، کمپینها، و انتشار مجله‌ای به نام «نسوان وطنخواه»، اهداف خود را پیش می‌برد. در سال ۱۳۱۱ رضا شاه سازمانی دولتی را جایگزین این جمعیت ساخت.

کسب اجازه نمایند. ۲۴

در سال ۱۳۵۴ اصلاحیه‌های قانون حمایت خانواده حداقل سن ازدواج برای زنان را هجده و برای مردان را بیست سال تعیین نمود و در صورت مرگ پدر حضانت فرزندان را به مادر واگذار نمود. قانون اصلاح شده حمایت خانواده همچنین این حق را به زن می‌داد (شوهر قبلاً از این حق برخوردار شده بود) که شوهر خود را از قبول کاری که سبب بی‌آبرویی خانواده بشود، ممنوع نماید. این اصلاحیه‌ها به زنان اجازه می‌داد که قاضی باشند و نیز بتوانند به عنوان وکیل در دادگاه دفاع از موکل خود را بر عهده گیرند. ۲۵

۱.۲. جمهوری اسلامی

تا سال ۱۳۵۷، زنان ایرانی به عنوان قاضی، سیاستمدار، وزیر، شهردار، و استادان خدمت می‌کردند و بیست و دو تن از اعضای مجلس ایران زن بودند. ۲۶ زنان که توسط سازمان زنان و دیگر سازمانها تشویق به اظهار نظرات خود شده بودند، طی سالهای آخر دهه ۱۳۵۰ با اشتیاق به جنبشهای ضد حکومت شاه پیوستند. در سال ۱۳۵۷، میلیونها زن از اغشار مختلف اجتماع در تظاهرات علیه شاه شرکت نمودند. ۲۷

به محض در دست گرفتن قدرت توسط جمهوری اسلامی نوپا در سال ۱۳۵۷، حکومت بدون اندکی اتلاف وقت، سیر قهقرایی را آغاز نمود. آیت‌الله خمینی در روز ۷ اسفند ۱۳۵۷ قانون حمایت خانواده را قانونی غیراسلامی خوانده، آنرا معلق کرده و دادگاههای حمایت خانواده را منحل نمود. ۲۸ سن قانونی ازدواج برای زنان به نه سال کاهش یافت. وی در روز ۱۳ اسفند ۱۳۵۸ زنان را از خدمت به عنوان قاضی دادگاه ممنوع ساخت، و در روز ۱۴ اسفند اعلام نمود زنان بیش از این مجاز به اقامه درخواست طلاق نمی‌باشند. دو روز بعد، زنان از خدمت در ارتش ممنوع گردیدند. ۲۹ در ۱۶ اسفند، شامگاه روز بین‌المللی زن، خمینی فرمان داد که زنان می‌توانند خارج از منزل کار کنند، اما زنان کارمند دولت باید در محل کار حجاب اسلامی ۳۰ داشته باشند. در روز ۱۸ اسفند، زنان از شرکت در فعالیتهای ورزشی ممنوع گردیدند. ۳۱

۲۴. همان، ص. ۳۰.

۲۵. همان، صص. ۳۰-۳۱.

۲۶. همان، ص. ۳۴؛ «سازمان زنان ایران»، رک. زیرنویس ۱۶، ص. ۱۳۱.

۲۷. آذر طبری [AZAR TABARI]، «اسلام و تلاش برای آزاد سازی زنان ایرانی» [Islam and the Struggle for Emancipation of Iranian Women] در «در سایه اسلام جنبش زنان در ایران» [IN THE SHADOW OF ISLAM THE WOMEN'S MOVEMENT IN IRAN]، ص. ۵، (انتشارات آذر طبری و ناهید یگانه، ۱۹۸۲)؛ «زندگیهای بازساخته»، رک. زیرنویس ۱۸، ص. ۳۸.

۲۸. لویی هالپر [LOUISE HALPER]، «قانون و نقش زنان در ایران پس از انقلاب» [LAW AND WOMEN'S AGENCY IN POST-REVOLUTIONARY IRAN]، ژورنال حقوقی و جنسی هاروارد [Harv. J. L. & Gender]، شماره ۲۸، صص. ۸۵-۸۸-۸۷ (زمستان ۲۰۰۵).

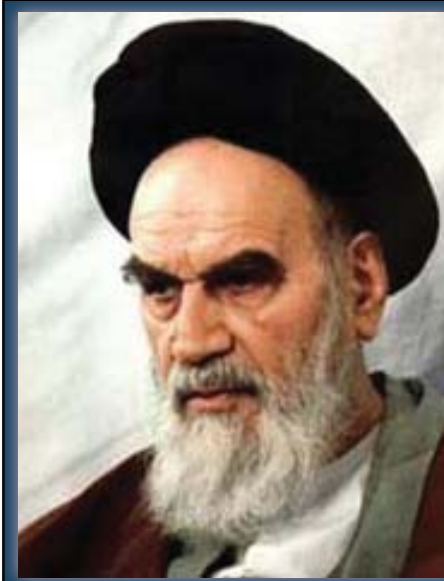
۲۹. «سیاست جنسی در ایران معاصر»، رک. زیرنویس ۳، صص. ۲۷۳-۲۷۱.

۳۰. حجاب پوششی سنتی است که سر، موها و گردن زنان مسلمان را می‌پوشاند. فرهنگ لغات اینترنتی میریام-وبستر [Merriam-Webster Online Dictionary] قابل دسترسی در <http://www.merriam-webster.com/dictionary/hijab>

۳۱. «سیاست جنسی در ایران معاصر»، رک. زیرنویس ۳، ۲۷۳؛ ناهید یگانه [Nahid Yeganeh]، «مبارزه زنان در جمهوری اسلامی ایران» [Women's Struggle in the Islamic Republic of Iran] در «در سایه اسلام جنبش زنان در ایران»، ص. ۳۵.

۱. جنبش حقوق زنان در ایران

ایرانیان فوراً با برگزاری تظاهراتی عظیم و تحصنی گسترده، به ایجاد چنین محدودیتهایی در حقوق زنان پاسخ گفتند. مراسم بزرگداشت روز جهانی زن که قرار بود در روز ۱۷ اسفند در دانشگاه تهران برگزار شود، زنان و مردانی را که خواستار ابطال فرمان حجاب امام خمینی بودند، به خود جلب کرد. تظاهراتی برای محافظت از حقوق زنان در شهرهای سراسر ایران به مدت پنج روز برگزار شد. در روز ۱۹ اسفند ۱۵ هزار زن در مقابل وزارت دادگستری تهران تحصن نمودند.^{۳۲}



آیت‌الله العظمی روح‌الله موسوی خمینی پیش از رهبری انقلاب علیه شاه، سابقه‌ای طولانی در مخالفت با تساوی حقوق زنان داشت. هنگامی که در سال ۱۳۴۲ زنان حق رأی به دست آوردند، وی اعلام نمود که این «باعث برهم زدن آرامش اذهان رهبران مذهبی و دیگر طبقات مسلمانان ... [و] بر خلاف مذهب رسمی و مقدس کشور است». پس از تصویب قانون حمایت خانواده

در سال ۱۳۴۶، وی گفت غضب خداوند بر آنهایی است که قانون جدید را اجرا و یا از آن استفاده کنند. پس از انقلاب وی بی‌حجابی را ممنوع ساخت، قانون حمایت خانواده را منسوخ کرده، قضات زن را برکنار نمود و اظهار داشت که آنها توانایی تفسیر قوانین اسلامی را ندارند.

تظاهرکنندگان توسط مردان و زنانی که حامی سیاستهای جدید رژیم بودند مورد حمله و ضرب و شتم قرار گرفتند. بعضی از فعالان زن شناسایی شدند و بعداً به دلیل شرکت در «فعالیت‌های ضدانقلابی» شغل خود را از دست دادند.^{۳۳} دیگران نیز مجبور شدند در تلاش برای حفظ مشاغل خود، از شرکت در تظاهرات عمومی صرف‌نظر نمایند.^{۳۴}

رژیم در ابتدا خواست فرمان حجاب خمینی را با بیان اینکه صرفاً نصیحتی است «مانند پدری که به فرزندش نصیحت می‌کند» تلطیف نماید.^{۳۵} تا ۷ تیر ۱۳۵۹ رژیم به حد کافی کنترل امور را به دست گرفته بود تا

فرمان «انقلاب فرهنگی» را صادر نموده و بر اساس آن زنان شاغل در ادارات دولتی را موظف به حفظ حجاب اسلامی نماید.^{۳۶} در سال ۱۳۶۲ با تصویب قانون تعزیرات توسط مجلس که بی‌حجابی را جرمی شناخته که مجازات ۷۴ ضربه شلاق را به دنبال دارد، اجباری شدن حجاب به صورت قانونی صورت گرفت.^{۳۷}

زنان اسلامگرا در آغاز از این محدودیتهای حمایت کردند.^{۳۸} زهرا رهنورد، یکی از زنان اسلامگرایی که همسر میرحسین موسوی (که در آن زمان به نخست‌وزیری رسیده بود و بعدها در انتخابات سال ۱۳۸۸ نامزد ریاست جمهوری گردید) بود،

۳۲. آذر طبری، «اسلام و تلاش برای آزاد سازی زنان ایرانی» در «در سایه اسلام جنبش زنان در ایران»، ص. ۱۴، (انتشارات آذر طبری و ناهید یگانه، ۱۹۸۲). «در سایه اسلام جنبش زنان در ایران»، ص. ۲۳۴ (انتشارات آذر طبری و ناهید یگانه، ۱۹۸۲). فعال و مدافع حقوق زنان، مهرانگیز کار نوشته است که وی «وقایع ۱۷ اسفند، روز جهانی زن را به عنوان نقطه آغاز فعالیت‌های خود در حمایت از حقوق زنان و حقوق بشر در رژیم اسلامی» می‌شناسد. مهرانگیز کار [MEHRANGIZ KAR]، «عبور از خط قرمز» [CROSSING THE RED LINE]، ص. ۴۶ (۲۰۰۷).

۳۳. «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با ن. ه.» (۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۹)، (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران).

۳۴. برای مثال نگاه کنید به مهرانگیز کار، «عبور از خط قرمز»، ص. ۴۶ («این دستگیریه‌ها و اخراجها برای بسیاری از زنان درسی شد تا برای نگاه داشتن شغل خود و زندان نرفتن دست به اعتراضات عمومی نزنند. من نیز این راه را انتخاب کردم»).

۳۵. حامد شهیدیان، «زنان در ایران: سیاست جنسی در جمهوری اسلامی»، ص. ۱۱۲ (۲۰۰۲).

۳۶. «در سایه اسلام جنبش زنان در ایران»، ص. ۲۳۷، انتشارات آذر طبری و ناهید یگانه، (۱۹۸۲).

۳۷. «زنان و فرایند سیاسی»، رک. زیرنویس ۵، صص. ۴۳-۴۴. در سال ۱۳۶۷، مقررات آنچه بدحجابی محسوب می‌شد را چنین شرح دادند: پوشش نداشتن سر، نشان دادن مو، داشتن آرایش، پوشیده نبودن بازوها و پاها، لباسها و جورابهایی نازک و بدن نما، پوشیدن لباسهای تنگ مانند شلوار، بدون داشتن یک لباس بلند بر روی آن، و پوشیدن لباسهایی که لغات و یا تصاویر خارجی بر آن نقش بسته است. همان.

۳۸. «اسلامگرا» اصطلاحی عمومی است که به طور کلی به «حرکتی اصلاح‌طلبانه و عامه‌پسند که طرفدار تغییر نظم حکومت و جامعه مطابق با قوانین اسلام است» اطلاق می‌گردد. «اسلامگرا (۲۰۱۰)»، فرهنگ اینترنتی میریام-ویبستر، قابل دسترسی در <http://www.merriam-webster.com/dictionary/islamist>

خاموش کردن جنبش زنان در ایران

حجاب را نشانه نجابت و بخشی از مسئولیت زنان برای زدودن «فرهنگ امپریالیستی» از ایران دانست.^{۳۹} در طول چند ماه پس از انقلاب، زنان اسلامگرا، جامعه زنان انقلاب اسلامی را تشکیل دادند که سعی داشت یک هویت جنسی با اصالت فرهنگی برای زنان ایران به وجود آورد.^{۴۰} کلاسهای جامعه زنان انقلاب اسلامی از نقش زنان در یک جامعه اسلامی «حقیقی» سخن می‌گفت که «مستلزم انتقاد از گذشته و حال بود».^{۴۱} علیرغم پیوندهای مهم این سازمان با رژیم، در سال ۱۳۶۰، طرفداران حکومت روحانیون از اسلامی ساختن اجباری و تحمیل حجاب انتقاد نمودند، و چندین دفتر جامعه زنان انقلاب اسلامی مورد حمله ارادل و اوباش قرار گرفته و غارت گردید.^{۴۲}

زنان اسلامگرا که چند تن از آنها به نمایندگی مجلس نیز رسیدند، چندین قانون به منظور تسکین رفتار نابرابر با زنان را پیشنهاد نمودند. تغییراتی در قوانین استخدامی، حضانت فرزند، و ازدواج / طلاق صورت گرفت. پس از سال ۱۳۶۳ یک زن می‌توانست تحت شرایط محدودی که باید قبلاً در قباله ازدواج درج و سر آن توافق شده بود، از دادگاه درخواست طلاق نماید.^{۴۳} یکی از شروط مجاز، ازدواج شوهر با همسر تازه بدون رضایت همسر اول بود. در سال ۱۳۶۸ مجلس لایحه اصلاحیه طلاق را از تصویب گذراند که حقوق مرد در طلاق یک جانبه را بدون تغییر باقی گذاشت، اما برای ثبت طلاق، دریافت اجازه از دادگاه را الزامی کرد.^{۴۴}

محمد خاتمی، رئیس جمهور ایران از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴، از مرکز مشارکت زنان در دفتر ریاست جمهوری که در راستای تحقق برخی حقوق زنان فعالیت می‌کرد پشتیبانی نمود.^{۴۵} دفتر وی همچنین سازمانهای غیردولتی که در پی اعتلای حقوق زنان و کودکان بودند را تشویق می‌نمود. تعداد سازمانهای غیردولتی که در زمینه امور زنان فعالیت داشتند، در زمان تصدی خاتمی بر کرسی ریاست جمهوری از ۶۷ به ۴۸۰ رسید.^{۴۶}

نمایندگان زن در مجلس شورای اسلامی به همراه طرفداران خود موفق شدند چند قانون برای بهبود وضعیت حقوقی زنان ارائه دهند. برای مثال مجلس سن ازدواج دختران را از نه سال به پانزده سال افزایش داد که البته در بازنگری، شورای نگهبان سن قانونی ازدواج را سیزده سال تعیین نمود.^{۴۷} سختگیری در قوانین رعایت حجاب کاهش یافت. با این حال بسیاری از قوانین پیشنهادی رد شدند^{۴۸} و فعالان با حملاتی از جانب بخشهایی از رژیم که هنوز تحت تسلط محافظه‌کاران تندرو قرارداشتند، مواجه شدند. نهادهای اطلاعاتی موازی اعضای جنبش زنان را دستگیر نموده، مورد ضرب و شتم قرار داده و در زندانهای

۳۹. رهنورد در سال ۱۳۲۴ در یک خانواده مذهبی زاده شد. وی از دانشکده هنرهای زیبای تهران فارغ‌التحصیل شده و بعداً از دانشگاه آزاد در رشته حقوق سیاسی دکترا دریافت کرد. وی که پیش از انقلاب از مخالفان حکومت بود، در سالهای ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ گروه زنان مسلمان و نیز انجمن زنان جمهوری اسلامی را پایه‌گذاری نمود. وی تا سال ۱۳۶۷ سردبیر نشریه «راه‌زینب» (اطلاعات بانوان بعد از انقلاب) بود. وی در سال ۱۳۷۵ به محمد خاتمی و جنبش اصلاحات پیوست. در سال ۱۳۷۷، وی به ریاست دانشگاه دخترانه الزهرا منصوب شد، سمتی که تا سال ۱۳۸۵ در آن باقی ماند. نگاه کنید به نهضت امیرآبادیان، «نخستین بانوی اول ایران»، هم‌میهن، ۵۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۸، قابل دسترسی در <http://www.hammihannews.com/news/2727>

۴۰. «سیاست جنسی در ایران معاصر»، ر.ک. زیرنویس ۳، ص. ۳۱۴.

۴۱. «زنان و فرایند سیاسی»، ر.ک. زیرنویس ۵، ص. ۲۴۰.

۴۲. «سیاست جنسی در ایران معاصر»، ر.ک. زیرنویس ۳، ص. ۳۱۴.

۴۳. «سیاست جنسی در ایران معاصر»، ر.ک. زیرنویس ۳، ص. ۳۱۲-۳۱۳.

۴۴. «زنان و فرایند سیاسی»، ر.ک. زیرنویس ۵، ص. ۲۹۱ و ۲۹۳. شرایط دیگر شامل جنون، ناتوانی جنسی، عقیم بودن، غیبت بی‌دلیل از منزل، حبس، عدم استطاعت مالی، آزار و اذیت، اعمال خشونت توسط شوهر، عدم سازش و اشتغال به کارهای غیراخلاقی می‌شد.

۴۵. «سیاست جنسی در ایران معاصر»، ر.ک. زیرنویس ۳، صص. ۳۲۹.

۴۶. سازمان عفو بین‌الملل، «مدافعان حقوق زنان در برابر سرکوب ایستادگی می‌کنند» [IRAN'S WOMEN'S RIGHTS DEFENDERS DEFY REPRES-]، ص. ۲، (۲۰۰۸)، قابل دسترسی در <http://www.amnesty.org/en/news-and-updates/report/women-act-against-repres-sion-and-intimidation-iran-20080228>

۴۷. «بررسی حقوق سنی ازدواج و رشد دختران»، ایران پرس، ۱ تیر ۱۳۸۷، قابل دسترسی در <http://www.iranpress.ir/iranwomen/Tem-plate1/News.aspx?NID=2744>

۴۸. «سیاست جنسی در ایران معاصر»، ر.ک. زیرنویس ۳، صص. ۳۳۰-۳۲۹.

۱. جنبش حقوق زنان در ایران

مخفی محبوس کردند.^{۴۹}

۱،۲،۱. دور اول ریاست جمهوری احمدی نژاد (۱۳۸۸-۱۳۸۴)

در سال ۱۳۸۴، رهبران جنبش حقوق زنان، با بهره‌جویی از فضای تساهل‌آمیز پیش از انتخابات، مسائل حساسی را مطرح نمودند.^{۵۰} پیش از انتخابات در یک مورد مقاومت مدنی بسیار علنی و فاحش، حدود صد زن موفق شدند وارد استادیوم فوتبال آزادی تهران شده و مسابقه میان تیمهای ملی ایران و بحرین را تماشا کنند.^{۵۱} جنبش حقوق زنان روز ۲۲ خرداد را روز همبستگی زنان اعلام نموده و بدون موفق شدن در اخذ مجوز در تهران تظاهراتی برگزار نمود.^{۵۲} از سال ۱۳۵۸ به بعد، این نخستین تظاهرات از این نوع بود و تعداد معترضین بیش از پانصد تن نبود. در حالیکه این افراد شعار می‌دادند «ما زنیم، ما فرزندان این خاکیم، اما حقی نداریم» پلیس ضدشورش با استفاده از باتوم به آنها هجوم برده و تظاهرکنندگان را متفرق ساخت.^{۵۳} دوازده روز پس از انتخاب احمدی نژاد به پست ریاست جمهوری، وی نام مرکز امور مشارکت زنان را به مرکز امور زنان و خانواده تغییر داد و دستورالعملی صادر کرد تا ساعات کار زنان شاغل در خدمات دولتی به ساعات روز محدود بشوند—که بار دیگر تأکیدی بود بر نقش زنان به عنوان همسران خانه‌دار و مادر.^{۵۴}

در روز بین‌المللی زن، ۱۷ اسفند ۱۳۸۴، زنان دست به تظاهرات زدند و توسط پلیس باتوم به دست مورد ضرب و شتم قرار گرفته و دستگیر شدند. آنها دوباره سعی کردند در روز ۲۲ خرداد ۱۳۸۵ تجمع کنند، اما پیش از آنکه بتوانند دور هم جمع بشوند، دستگیر و متفرق شدند. قوه قضاییه دستگیری هفتاد تن، از جمله فریبا داوودی مهاجر، شهلا انتصاری، پروین اردلان، نوشین احمدی خراسانی، و سوسن طهماسبی را اعلام نموده و آنها را به جرایمی از قبیل اقدام علیه امنیت ملی و تبلیغ علیه نظام متهم نمود.^{۵۵}

به دنبال تظاهرات ۲۲ خرداد آن سال، فعالان کمپینی برای طلب تساوی به راه انداختند که منجر به برپایی کمپین یک میلیون امضاء برای اصلاح قوانین تبعیض‌آمیز علیه زنان (از این به بعد «کمپین») شد. هدف این کمپین که به طور رسمی در روز ۵ شهریور ۱۳۸۵ آغاز گردید جمع‌آوری امضاء از یک میلیون ایرانی در حمایت از انجام اصلاحاتی بر قوانین مدنی و کیفری کشور است.^{۵۶}

۴۹. برای مثال نگاه کنید به «شهادتنامه فریبا داوودی مهاجر»، قابل دسترسی در <http://iranhrdc.org/httpdocs/English/pdfs/WitnessState-ments/FDMWS.pdf>. همچنین نگاه کنید به مرکز اسناد حقوق بشر ایران، «ارباب پنهانی: نهادهای اطلاعاتی موازی ایران» (۲۰۰۹) قابل دسترسی در <http://iranhrdc.org/httpdocs/English/reports.htm>

۵۰. زهرا اشراقی، نوه آیت‌الله خمینی توضیح داد که: «موارد خاصی هستند که جرم محسوب می‌شوند اگرچه که شرایط به تدریج در حال تغییر است ... برای مثال گفتگو درباره تغییر قانون اساسی و یا حق زنان برای انتخاب پوشش خود بسیار خطرناک بود. اگر زنان برای بیان مطالبات خود احساس امنیت نکنند، هیچگونه پیشرفتی نمی‌تواند حاصل بشود». نازیلا فتحی [Nazila Fathi]، «صدها زن به تبعیض جنسی در ایران اعتراض می‌کنند» [Hundreds of Women Protest Sex Discrimination in Iran]، نیویورک تایمز [THE NEW YORK TIMES]، ۱۲ ژوئن ۲۰۰۵، قابل دسترسی در <http://www.nytimes.com/2005/06/12/international/middleeast/13womencnd.html>

۵۱. «سازمان عفو بین‌الملل»، ر.ک. زیرنویس ۴۶.

۵۲. «۲۲ خرداد، روز همبستگی زنان ایران»، مدرسه فمینیستی، ۱۴ خرداد ۱۳۸۷، قابل دسترسی در <http://www.feministschool.com/spip.php?article716>

۵۳. «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با پریسا کاکایی» (۲۵ فروردین ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران)؛ نازیلا فتحی، «صدها زن به تبعیض جنسی در ایران اعتراض می‌کنند»، نیویورک تایمز، ۱۲ ژوئن ۲۰۰۵، قابل دسترسی در <http://www.nytimes.com/2005/06/12/international/middleeast/13womencnd.html>

۵۴. «سازمان عفو بین‌الملل»، ر.ک. زیرنویس ۴۶، ص. ۲.

۵۵. «سازمان عفو بین‌الملل»، ر.ک. زیرنویس ۴۶، ص. ۴. اردلان و احمدی خراسانی به جرم اقدام علیه امنیت ملی، هر یک به سه سال حبس محکوم شدند که پس از استیناف به یک سال حبس تعلیق تخفیف یافت. «دادگاه تجدید نظر مجازات پروین اردلان را تخفیف می‌دهد» [Appeal Court Reduces Sentence for Parvin Ardalan]، تغییر برای برابری، ۱۴ آوریل ۲۰۰۹، قابل دسترسی در <http://www.campaignforequality.info/english/spip.php?article500>

۵۶. «سیاست جنسی در ایران معاصر»، ر.ک. زیرنویس ۳، ص. ۳۷۰-۳۷۱؛ «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با پروین اردلان» (۱۵ تیر ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران).

خاموش کردن جنبش زنان در ایران



محمود احمدی‌نژاد از زمانی که در سال ۱۳۸۴ به ریاست جمهوری ایران رسید در رأس تمام ابتکاراتی قرار گرفت که برای محدود ساختن استخدام زنان و حقوق خانواده طرح شده بود، از جمله دستورالعملی که ساعات اشتغال زنان کارمند دولت را به ساعات روشن روز محدود می‌ساخت. دولت وی اقدامات تندی برای تحمیل محدودیتهای هرچه شدیدتر در طرز لباس پوشیدن به معرض اجرا گذاشت، که شامل ممنوعیت پوشیدن چکمه در زمستان ۱۳۸۷ می‌شد. کابینه وی همچنین

قانون حمایت از خانواده را به مجلس ارائه داد که حاوی یک سری اقدامات برای کاهش بیشتر حقوق زنان در قوانین خانواده بود.

در روز ۱۳ اسفند ۱۳۸۵ طی محاکمه پنج تن از فعالان که در تظاهرات ۲۲ خرداد ۱۳۸۵ دستگیر شده بودند، معترضین به این محاکمه بیرون دادگاه انقلاب تجمع کرده و بر بیگناهی متهمان و غیرقانونی بودن دستگیری و بازداشت ایشان اصرار ورزیدند.^{۵۷} پلیس این افراد را محاصره و به آنها حمله کرد. یکی از فعالان به یاد می‌آورد که چگونه به سختی توانست از دستگیری فرار کند.

وسط اعتراض من رفته کاری انجام بدهم، هنگامی که برگشتم دیدم که دور تجمع کنندگان را گرفتند و نمی‌گذارند کسی وارد بشود. دیدم ون آمد و بچه‌ها را سوار ون کردند. دندان ناهید جعفری آنجا آسیب دید چون صورت او را هنگامی که می‌خواستند با فشار او را درون ماشین بفرستند به درب ون کوبیدند.^{۵۸}

را سوار ون کردند. دندان ناهید جعفری آنجا آسیب دید چون صورت او را هنگامی که می‌خواستند با فشار او را

مقامات در آن روز ۳۳ تن از جمله شادی صدر،^{۵۹} وکیل حقوق زنان که دارای شهرت جهانی است، محبوبه عباسقلی‌زاده،^{۶۰} فعال با سابقه حقوق زنان، و آسیه امینی،^{۶۱} خبرنگار و فعال حقوق زنان را بازداشت نمودند. بازداشت شدگان برای بازجویی به زندان اوین منتقل شدند. مقامات به صدر اجازه دادند با خانواده خود تماس بگیرد اما به عباسقلی‌زاده چنین اجازه‌ای ندادند. وی به خاطر می‌آورد که «من سعی کردم آنها را قانع کنم که مطالبه حقوق ما هیچ ارتباطی با دشمنان ندارد، اما آنها اصرار می‌ورزیدند که دولت‌ای بیگانه از اهداف ما به نفع خود استفاده خواهند کرد».^{۶۲} او و صدر پس از پانزده روز بازداشت و

۵۷. «زندگی فعالان ایرانی زنان در خطر است» [The Life of Iranian Women's Rights Activists Is in Danger]، رسانه آمریکای نوین [NEW AMERICA MEDIA]، ۷ مارس ۲۰۰۷، قابل دسترسی در http://news.newamericamedia.org/news/view_article.html?article_id=64119c136edbac4847960d1dea4ce09e

۵۸. «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با پریسا کاکایی» (۲۵ فروردین ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران).

۵۹. شادی صدر و کیلی ایرانی و فعال حقوق زنان و نیز رئیس مرکز «راهی» است که مرکزی برای مشاوره حقوقی زنان بود در اواخر اسفند ۱۳۸۵ توسط مقامات ایرانی تعطیل گردید. وی همچنین وبسایت «زنان ایران» را تأسیس کرد که نخستین منبع اینترنتی مخصوص ثبت کارهای فعالان ایرانی حقوق زن بود و نقض مؤثری در تأسیس کمپین مهم و شناخته شده «قانون بی‌سنگسار» است. «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با شادی صدر» (۲۳ خرداد ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران). همچنین نگاه کنید به «گزارش حقوق بشر ۲۰۰۸: ایران» [2008 Human Rights Report: Iran] بخش دمکراسی وزارت کشور آمریکا، حقوق بشر و کار [US STATE DEPARTMENT BUREAU OF DEMOCRACY, HUMAN RIGHTS AND LABOR]، ۲۵ فوریه ۲۰۰۹، قابل دسترسی در <http://www.state.gov/g/drl/rls/hrrpt/2008/nea/119115.htm>؛ «راهی» برای تغییر زندگی زنان»، رادیو زمانه، ۱۹ فروردین ۱۳۸۶، قابل دسترسی در http://radiozamaaneh.com/morenews/2007/04/post_651.html

۶۰. کارولین سویر [Caroline Sevier]، «دیده‌بان دگراندیشان: شادی صدر و محبوبه عباسقلی‌زاده» [Dissident Watch: Shadi Sadr and Mahboubeh Abbasgholizadeh]، فصل نامه خاورمیانه [MIDDLE EAST QUARTERLY] تابستان ۲۰۰۷، قابل دسترسی در <http://www.meforum.org/1746/dissident-watch-shadi-sadr-and-mahboubeh> روزنامه‌نگار، فیلمساز و فعال معروف، رئیس انجمن زنان نویسنده و روزنامه‌نگار، و سردبیر «فرزانه»، مجله مطالعات زنان بود. وی همچنین یکی از اعضای اصلی کمپین قانون بی‌سنگسار بود. «ایران: محبوبه عباسقلی‌زاده به جرم اقدام علیه امنیت ملی به ۲ سال و نیم حبس و تحمل ۳۰ ضربه شلاق محکوم شد» [Iran: Mahboubeh Abbasgholizadeh sentenced to 2 1/2 years in jail and 30 lashes for 'acts against national security']، زنانی که تحت قوانین اسلام زندگی می‌کنند [WOMEN LIVING UNDER MUSLIM LAWS]، قابل دسترسی در <http://www.wluml.org/node/6306>

۶۱. امینی یک روزنامه‌نگار موفق، فعال حقوق زنان و شاعر است. سهیلا وحدتی، «چشمان آسیه»، ایرانیان دات کام [IRANIAN.COM]، ۱۶ اکتبر ۲۰۰۷، قابل دسترسی در <http://www.iranian.com/main/2007/asih-s-eyes> امینی بعدها تبرئه شد.


۶۲. شهرزاد فرامرزی [Scheherzad Faramarzi]، «ایران جهنم زنان» [Iran Women's Hell]، ایران پرس سرویس [IRAN PRESS SERVICE]، ۲ مه ۲۰۰۷، قابل دسترسی در http://www.iran-press-service.com/ips/articles-2007/may2007/bad_hejabi_2507.shtml

۱. جنبش حقوق زنان در ایران

بازجویی آزاد شدند. عباسقلی‌زاده با گذاشتن وثیقه ۲۵۰ میلیون تومانی و صدر با گذاشتن وثیقه ۲۰۰ میلیون تومانی آزاد شدند.^{۶۳} فعالان به شرکت در تجمع غیرقانونی و اخلاص‌گری متهم شده بودند.^{۶۴}

در فروردین ۱۳۸۶، وزیر اطلاعات وقت، غلامحسین محسنی اژه‌ای اعلام کرد جنبش حقوق زنان بخشی از تلاش دشمنان

خارج برای براندازی نرم جمهوری اسلامی است.^{۶۵} رژیم به تعطیل سازمانها و نیز رسانه‌های نوشتاری و وبسایتها پرداخت. در آبان ماه رژیم انتشار مجله اینترنتی «زنستان» که توسط مرکز فرهنگی زنان اداره می‌شد را ممنوع ساخت.^{۶۶} سردبیر «زنستان»، مریم حسینخواه، یکی از ۳۳ زنی که در ۱۳ اسفند ۱۳۸۵ دستگیر شده بود، یک هفته پس از تعطیل شدن این وبسایت مجدداً دستگیر



کمپین قانون بی سنگسار، در سال ۱۳۸۵ و با هدف منسوخ نمودن سنگسار به عنوان مجازات در قوانین ایران تأسیس شد. این کمپین آگاهی مردم درباره موارد وقوع سنگسار را بالا برد و برای افرادی که به سنگسار محکوم شده و در معرض مرگ قرار داشتند، مشاوره حقوقی تخصصی فراهم می‌نمود. در سال ۱۳۸۶ این کمپین به کمپینی بزرگتر و جهانی علیه سنگسار پیوست. سنگسار به عنوان مجازات از نسخه نهایی و اصلاح شده قانون مجازات اسلامی که در ۱۳۸۸ تصویب و به مجلس ارائه شد، حذف گردید که قسمت عمده آن مدیون کمپین قانون بی سنگسار می‌باشد. از تاریخ انتشار این گزارش، قانون جدید مجازات اسلامی به اجرا گذاشته نشده است.

شد.^{۶۷} در دی ماه ۱۳۸۶، مجله «زنان» که به مدت شانزده سال از مهم‌ترین نشریات زنان بود توسط رژیم توقیف شد.^{۶۸} مقامات رسمی ادعا نمودند که این مجله «سلامت روحی، فکری و عقلانی خوانندگان خود را به خطر انداخته، و احساس ناامنی را در

۶۳. «محبوبه عباسقلی‌زاده و شادی صدر آزاد شدند»، گویا نیوز، ۲۸ اسفند ۱۳۸۵، قابل دسترسی در <http://news.gooya.com/politics/archives/2007/03/058235.php>

۶۴. اطلاعیه مطبوعاتی [Hivos News]، «هیوس از رأی ایران درباره عباسقلی‌زاده و صدر حیرت کرده است» [Hivos shocked about Iranian verdict against Abbasgholizadeh and Sadr]، هیوس [Hivos]، ۲۱ مه ۲۰۱۰، قابل دسترسی در <http://www.hivos.nl/eng/Hivos-news/Hivos-shocked-about-Iranian-verdict-against-Abbasgholizadeh-and-Sadr> دادگاه انقلاب صدر را به جرم اقدام علیه امنیت ملی و اختلال در نظم عمومی به شش سال حبس و تحمل ۷۴ ضربه شلاق محکوم کرد. این دادگاه عباسقلی‌زاده را به دو سال و نیم حبس و سی ضربه شلاق محکوم نمود. همان.

۶۵. «وزیر اطلاعات در قزوین: عمل انگلیس در سیاسی کردن قضیه متجاوزین ناپخته و نابخردانه بود»، ایسنا، ۲۱ فروردین ۱۳۸۶، قابل دسترسی در <http://www.isna.ir/ISNA/NewsView.aspx?ID=News-902320>

۶۶. پروین اردلان و نوشین احمدی خراسانی مرکز فرهنگی زنان، سازمانی غیردولتی که درباره مسائل بهداشت و حقوق زنان فعالیت داشت را پایه‌گذاری کردند. این مرکز در ۱۳۷۸ شروع به کار کرد، در ۱۳۸۰ رسماً به ثبت رسید و طی پاکسازی سازمانهای غیردولتی در ۱۳۸۶ تعطیل شد. اردلان و احمدی خراسانی در سال ۱۳۸۳ به دلیل کتابی که به یاری یکدیگر نوشته بودند برنده جایزه لطیفه یارشاطر شدند. اردلان در سال ۱۳۸۶ برای کار خود در زمینه حقوق زنان، برنده جایزه اولاف پالمه از سوئد شد. نگاه کنید به مریم دستگیر [Maryam Dastgir]، «بازجویی از زنان ادامه دارد»، [Inter-rogations of Women Continue] آژانس خبری سیروس [CYRUS NEWS AGENCY]، ۲۷ ژوئن ۲۰۰۶، قابل دسترسی در <http://www.cyrusnews.com/news/en/?mi=6&ni=442> [Frangis Najibullah]، «ایران: فعال زنان جایزه حقوق بشر را می‌برد» [Iran: Women's Activist Wins Human Rights Award] رادیو اروپای آزاد / رادیو آزادی [RADIO FREE EUROPE / RA-]، «زنان ایرانی اهدای جایزه اولاف پالمه به پروین اردلان را جشن می‌گیرند»، [DIO LIBERTY of the Olof Palme Prize to Parvin Ardalan] دمکراسی آزاد [OPENDEMOCRACY, LTD]، ۱۷ فوریه ۲۰۰۸، قابل دسترسی در http://www.opendemocracy.net/blog/jane_gabriel/olof_palme_prize_parvin_ardalan [Campaign: A Matter of Life / Parvin Ardalan] تغییر برای برابری، ۱۰ مارس ۲۰۰۷، قابل دسترسی در <http://www.forequality.info/english/spip.php?article46>

۶۷. مریم کاشانی [Maryam Kashani]، «فعال، مریم حسینخواه دستگیر شد»، [Activist Maryam Hosseinkhah Arrested] روز آنلاین [ROOZ ONLINE]، ۳ دسامبر ۲۰۰۷، قابل دسترسی در <http://www.roozonline.com/english/news/newsitem/article/2007/december/03/activist-maryam-hosseinkhah-arrested-1.html>

۶۸. «توقیف زنان» [Shutting Down Zanan]، نیویورک تایمز، ۷ فوریه ۲۰۰۸، قابل دسترسی در <http://www.nytimes.com/2008/02/07/opinion/07thu1.html>

خاموش کردن جنبش زنان در ایران



غلامحسین محسنی اژه‌ای دادستان کل ایران می‌باشد. از زمان انتصاب او به این سمت در مرداد ۱۳۸۸، تعداد کثیری از فعالان زن در ایران به دلیل فعالیتهای صلح‌جویانه خود دستگیر و بازجویی شده و تحت تعقیب جزایی قرار گرفته‌اند. پیش از انتصاب او به این سمت، اژه‌ای به مدت چهار سال وزیر اطلاعات بود. در فروردین ۱۳۸۶ اژه‌ای ادعا نمود که جنبش حقوق زنان، ابزاری در دست «نیروهای بیگانه» برای براندازی نرم رژیم ایران است - اتهامی که پس از انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ رسماً به زنان نسبت داده شد.

جامعه رواج داده و با درج بعضی مقالات به خصوص، تصویری تاریک از موقعیت زنان در جامعه اسلامی ارائه داده است».^{۶۹}

رژیم مرتباً وبسایتهای کمپین را بسته، به ضرب و شتم و دستگیری تظاهرکنندگان پرداخته، و فعالان را مورد بازجویی و آزار و اذیت قرار داده است. مکالمات تلفنی و ایمیلها به طور فزاینده‌ای کنترل می‌شدند.^{۷۰} آیدا سعادت، یکی از فعالان اصلی حقوق زنان، در بانکی که در آن شاغل کار بود مورد بازجویی قرار گرفت و سپس در ۱۳۸۶ به دلیل فعالیتهای خود از کار اخراج شد.^{۷۱} او خاطر نشان می‌سازد که مقامات رسمی محافظه‌کار تا چه حد نسبت به مطالبات کمپین حساس بودند:

بحث جنبش زنان و کمپین اصلاح قانون است و قانون ایران ریشه در اسلام دارد. مثلاً قوانین دیه و ارث از قرآن گرفته شده‌اند و آنها خیلی نسبت به نقد ما حساس هستند و عملاً من را متهم کردند که جامعه را به فساد می‌کشم. کار به جایی رسید که رسماً به ما می‌گفتند «کمپین فحشای یک میلیون امضا» یا «کمپین فاسد یک میلیون امضا». این توهینها در کیهان چاپ شدند.^{۷۲}

اما به هر حال ماهیت مردمی کمپین باعث شد تا کمپین بتواند در برابر فشارهای رژیم بایستد و از حمایت گسترده و فزاینده‌ای برخوردار شود.^{۷۳} حداقل تا حدی در پاسخ به مطالبات این کمپین، در تابستان ۱۳۸۷ احمدی‌نژاد «لایحه حمایت از خانواده» را به مجلس ارائه داد. این لایحه که به طور یکپارچه مورد استهزاء جنبش زنان قرار گرفت و از آن به عنوان قانون ضد خانواده یاد شده است، چند همسری و ازدواج موقت را برای مردان آسانتر کرده،^{۷۴} طلاق را برای زنان مشکلتر نموده، و ازدواج یک غیرایرانی را با یک زن ایرانی بدون داشتن اجازه مناسب، جرم شناخته است.^{۷۵} مضافاً، ماده ۲۵ این قانون

۶۹. «سازمان عفو بین‌الملل»، رک. زیرنویس ۴۶، ص. ۳.

۷۰. «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با پروین اردلان» (۱۵ تیر ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران). «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با آیدا سعادت» (۲۶ فروردین ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران).

۷۱. صبح روزی در بهمن ماه ۱۳۸۴ مأموران اطلاعاتی در دفتر کار سعادت حاضر شدند. آنها بدون داشتن حکم ضبط، کامپیوتر کار او را توقیف نمودند. وی به مدت سه روز توسط مأموران لباس شخصی در ساختمان بانک محل کار خود بازجویی می‌شد. حدود یک ماه بعد رئیس وی، او را مطلع ساخت که به دستور وزارت اطلاعات، مجبور به اخراج سعادت به دلیل فعالیتهای او در کمپین می‌باشد. «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با آیدا سعادت» (۲۶ فروردین ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران).

۷۲. «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با آیدا سعادت» (۲۶ فروردین ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران).

۷۳. نوشین احمدی خراسانی [NOUSHIN AHMADI KHORASANI]، «کمپین برای برابری» [CAMPAIGN FOR EQUALITY]، ص. ۸۹ (۲۰۰۹) [از این به بعد «خراسانی»]؛ «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با پروین اردلان» (۱۵ تیر ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران). «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با آیدا سعادت» (۲۶ فروردین ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران).

۷۴. ماده ۲۳، آن طور که در ابتدا پیشنهاد شد، حداقل محدودیتهایی که برای ازدواج مجدد مرد وجود داشتند را نیز از بین برد. این ماده بعداً اصلاح شده و شرایط خاصی که در آن مرد متأهل می‌تواند همسر دوم اختیار کند را تعیین نمود. این شرایط عبارتند از: ۱. رضایت همسر اول، ۲. عدم قدرت همسر اول به ایفای وظایف زناشویی، ۳. عدم تمکین زن از شوهر مطابق با حکم دادگاه، ۴. ابتلای زن به جنون یا امراض صعب‌العلاج، ۵. حکم قطعی یک سال زندان برای زن به دلیل ارتکاب جرم عمدی یا عدم توانایی در پرداخت جزای نقدی که منجر به بازداشت او بشود، ۶. ابتلا به هر گونه اعتیاد مضر حال خانواده، ۷. سوء رفتار یا سوء معاشرت زن به حدی که ادامه‌ی زندگی را برای مرد غیر قابل تحمل کند، ۸. ترک زندگی خانوادگی از طرف زن به مدت ۶ ماه، ۹. وی عقیم بودن زن و ۱۰. غایب شدن زن به مدت یک سال، حتی هنگامی که شوهر از شرایطی که باعث «غیبت» همسرش شده مطلع باشد—مثلاً اگر زن برای یک سال یا بیشتر زندانی شود. «متن کامل لایحه حمایت از خانواده ۱۳۸۶»، تا قانون خانواده برابر (۲۸ بهمن ۱۳۸۸)، قابل دسترسی در <http://fami-lylaw.irangenderequality.com/spip.php?article4>؛ «کمیسون قضایی و حقوقی با تصویب ماده ۲۳ لایحه حمایت از خانواده در ده مورد اجازه ازدواج مجدد به مردان داد»، ایسنا، ۹ دی ۱۳۸۸، قابل دسترسی در <http://isna.ir/ISNA/NewsView.aspx?ID=News-1464827>.

۷۵. «متن کامل لایحه حمایت از خانواده ۱۳۸۶»، تا قانون خانواده برابر (۲۸ بهمن ۱۳۸۸)، قابل دسترسی در <http://familylaw.irangenderequal->

۱. جنبش حقوق زنان در ایران

مقرر می‌کند که به مهریه‌هایی که بیش از حد زیاد و غیرمتعارف باشند مالیات تعلق گیرد.^{۷۶} فعالان حقوق زنان موفق شدند کمیسیون قضایی مجلس را قانع کنند تا بخشهای بحث‌برانگیز این لایحه را موقتاً به حالت تعوی در آورند.^{۷۷}

اگرچه زنان ایرانی گامهایی به جلو برداشته‌اند اما هنوز هم مطابق قانون ایران با آنها به گونه‌ای نابرابر رفتار می‌شود. زنان، بدون در نظر گرفتن اعتقادات مذهبی آنها، هنگامی حضور در مکانهای عمومی باید حجاب اسلامی را رعایت نمایند.^{۷۸} سن ازدواج قانونی برای زنان ۱۳ و برای مردان ۱۵ سال است. مردان می‌توانند در آن واحد تا چهار همسر دایم اختیار کنند و نیز به طور همزمان تعداد نامحدودی همسر موقت داشته باشند.^{۷۹} مردان دارای حقوق مطلق برای طلاق می‌باشند، در حالی که زنان تنها تحت شرایط خاصی می‌توانند درخواست طلاق نمایند که بعضی از آن شرایط نیز باید قبلاً به صراحت در عقدنامه آنها قید شده باشد. مادران فقط می‌توانند حضانت فرزندان خود را تا سن هفت سالگی داشته باشند و پس از آن حضانت خود به خود به پدر واگذار می‌شود. اگر مادران مجدداً ازدواج کنند، حق حضانت نیز باطل می‌گردد. در صورتی که درباره حضانت فرزند اختلاف نظر وجود داشته باشد، دادگاه با رعایت مصلحت کودک تصمیم خواهد گرفت.^{۸۰} پدرها و اجداد پدری در صورت فوت پدر، کماکان نسبت به حضانت فرزندان اختیار کامل دارند. به مادران هرگز اجازه حضانت فرزند اعطا نمی‌شود.^{۸۱}

زنها به عنوان همسر، مادر، خواهر یا دختر از حق مساوی در ارث برخوردار نیستند. حتی اگر زنی تنها بازمانده شوهر خود باشد، نمی‌تواند بیش از یک چهارم از دارایی او را صاحب شود در حالیکه اگر وی تنها وارث شوهر نباشد، فقط می‌تواند یک هشتم آن را صاحب گردد. همچنین قانون مدنی تصریح می‌نماید که تابعیت ایرانی فقط از مرد ایرانی به فرزندان او منتقل می‌شود.^{۸۲}

در حالت معمولی شهادت زن نصف شهادت مرد ارزش دارد.^{۸۳} در شرایط خاص، تکیه بر شهادت زن (صرف نظر از تعداد آنها) می‌تواند اتهام کذب (قذف) قلمداد شود. در صورت



شیرین عبادی، وکیل، مؤسس کانون مدافعان حقوق بشر، و برنده جایزه صلح نوبل در سال ۱۳۸۲، چند روز پیش از انتخابات خرداد ۱۳۸۸ برای شرکت در کنفرانسی، ایران را ترک کرد. وی تاکنون مجبور به اقامت خارج از کشور بوده است. به دنبال اعتراض به نتایج انتخابات، در نخستین کیفرخواست دادستان کل تهران، از عبادی به عنوان رهبر زیر مجموعه زنان در «انقلاب مخملی» برای براندازی رژیم ایران نام برده شد. رژیم شوهر و خواهر عبادی را دستگیر کرده و به خانواده وی اخطار داد که در صورت بازگشت به ایران، او زندانی خواهد شد.

۷۶. «سیاست جنسی در ایران معاصر»، ر.ک. زیرنویس ۳، ص. ۳۷۱. همچنین نگاه کنید به شادی صدر، «اشکالات قانون حمایت از خانواده»، مردمک، (۱۹ شهریور ۱۳۸۷)، قابل دسترسی در http://www.mardomak.org/news/family_protection_law و غلامحسین رئیس، «معضلات لایحه حمایت از خانواده»، مردمک، (۱۹ فروردین ۱۳۸۹)، قابل دسترسی در http://www.mardomak.org/def/news/iran_family_law/

۷۶. منتقدین این قانون به این نکته اشاره می‌کنند که در قانون اسلام، حداقل میزان نفقه که برای زن در هنگام ازدواج و در صورت وقوع طلاق تضمین شده است مهریه می‌باشد، و مالیات بر آن، تبعیض ویژه‌ای علیه زنان است. «متن کامل لایحه حمایت از خانواده ۱۳۸۶»، تا قانون خانواده برابر، (۲۸ بهمن ۱۳۸۸)، قابل دسترسی در <http://familylaw.irangenderequality.com/spip.php?article4>.

۷۷. «سیاست جنسی در ایران معاصر»، ر.ک. زیرنویس ۳، صص. ۷۲-۳۷۱. «چند همسری مردان و مالیات بر مهریه اعتبار ندارند»، مردمک، (۲۸ آبان ۱۳۸۷)، قابل دسترسی در http://www.mardomak.org/news/articles_family_protection_law_removal/

۷۸. «خراسانی»، ر.ک. زیرنویس ۷۳، ص. ۱۲۲.

۷۹. «خراسانی»، ر.ک. زیرنویس ۷۳، ص. ۱۱۸.

۸۰. «قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران»، (۱۳۰۷)، مواد ۱۱۱۹ و ۱۱۱۳ [از این به بعد: «قانون مدنی»]. قابل دسترسی در <http://www.unhcr.org/refworld/country.LEGAL.LEGISLATION.IRN..49997adb27.0.html>

۸۱. «خراسانی»، ر.ک. زیرنویس ۷۳، ص. ۱۱۸.

۸۲. «قانون مدنی»، ر.ک. زیرنویس ۸۰، مواد ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۱۳، ۹۴۹ و ۹۷۲ (۲).

۸۳. برای مثال نگاه کنید به «قانون مجازات اسلامی»، ۱۳۷۹، ماده ۷۴. [از این به بعد: «قانون مجازات اسلامی»]. قابل دسترسی در <http://iranhrdc.org/httpdocs/English/aadel.htm>

خاموش کردن جنبش زنان در ایران

وقوع قتل یا بروز صدمه، قانون مبلغی را به نام دیه - خون بها - تعیین می‌کند که باید به قربانیان یا خانواده‌های آنها پرداخت بشود. دیه زن مسلمان نصف دیه مرد مسلمان است.^{۸۴} سن مسئولیت کیفری برای دختران نه سال قمری است در حالی که پسران تا هنگام رسیدن به سن ۱۵ سال قمری بالغ شمرده نمی‌شوند. مرد برای قتل همسر زناکار خود و معشوقه وی، از هرگونه مجازات مصون می‌باشد. اغلب زنانی که مرتکب زنا می‌شده‌اند در خطر سنگسار قرار دارند.^{۸۵} پدران و اجداد پدری که مرتکب قتل فرزند و نوه خود بشوند، تنها محکوم به پرداخت دیه و تحمل مجازات تعزیری می‌شوند.^{۸۶}

۲. هدف قرار دادن فعالان حقوق زن در روزهای پیش از انتخابات خرداد ۱۳۸۸

در سال ۱۳۸۸، شورای نگهبان زنان نامزد در انتخابات ریاست جمهوری را مجدداً رد صلاحیت کرد.^{۸۷} اما به هر حال خط مشی حزبی و موضع کاندیداهای مخالف اغلب شامل موضوعات مرتبط با تساوی زنان می‌شد که بازتابی بود از فشار گروه‌های فعال در زمینه حقوق زن.^{۸۸} پاسخ رژیم به فعالان و مدافعان آنها، دستگیری، بازجویی، حبس و آزار و اذیت آنها بود.^{۸۹}

۲.۱. وعده‌های نامزدهای انتخاباتی

جنبش حقوق زن از نامزدهای انتخاباتی درخواست نمود تا مواضع خود در قبال حقوق زنان را به دقت بیان نمایند.^{۹۰} «همگرایی جنبش زنان برای طرح مطالبات در انتخابات» از نامزدهای انتخاباتی دو درخواست اساسی نمود: (۱) که ایران به کنوانسیون رفع انواع تبعیضات علیه زنان ملحق بشود، و (۲) اینکه نامزدها «در جهت رفع قوانین تبعیض آمیز علیه زنان و به ویژه بازنگری و اصلاح اصول ۱۹، ۲۰، ۲۱ و ۱۱۵ قانون اساسی، به منظور گنجاندن اصل برابری جنسیتی بدون قید و شرط» تلاش نمایند.^{۹۱} فعالان حقوق زن در راهپیماییهای انتخاباتی شرکت نموده و جزواتی را پخش کردند که بیانگر

۸۴ «قانون مجازات اسلامی»، رک. زیرنویس ۸۳، ماده ۷۶، ۳۰۰، و ۶۳۰.

۸۵ «خراسانی»، رک. زیرنویس ۷۳، صص. ۱۱۹ و ۱۲۲؛ «قانون مجازات اسلامی»، رک. زیرنویس ۸۳، مواد ۸۳ و ۶۳۰.

۸۶ «قانون مجازات اسلامی»، رک. زیرنویس ۸۳، مواد ۲۸۳ و ۲۰؛ «خراسانی»، رک. زیرنویس ۷۳، ص. ۱۲۱. قصاص یا مقابله به مثل، کیفری است که معادل جرم صورت گرفته می‌باشد. نگاه کنید به «قانون مجازات اسلامی»، رک. زیرنویس ۸۳، ماده ۱۴. تعزیر یا تأدیب یا عقوبت، مجازاتهایی هستند که نوع و مقدار آن در شرع مشخص نشده و به اختیار قاضی گذاشته شده است. نگاه کنید به «قانون مجازات اسلامی»، رک. زیرنویس ۸۳، ماده ۱۶. اگر پدری فرزند خود را بکشد، قصاص نشده و تنها به پرداخت دیه و تعزیر که بین سه تا ده سال حبس می‌باشد محکوم خواهد شد. نگاه کنید به «قانون مجازات اسلامی»، رک. زیرنویس ۸۳، مواد ۲۲۰ و ۶۱۲.

۸۷ اصل ۱۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌گوید رئیس جمهور ایران باید از میان «رجال» مذهبی و سیاسی که دارای خصوصیات ویژه‌ای هستند، انتخاب شود. «رجال»، جمع کلمه «رجل» به معنای مرد در زبان عربی می‌باشد اما می‌تواند «شخص» نیز تعبیر گردد. این موضوع مورد بحث زنان فعال سیاسی و مذهبی بوده است که سعی در نامزد کردن خود در انتخابات ریاست جمهوری داشته‌اند. در ۲۲ فروردین ۱۳۸۸، شورای نگهبان توضیح داد که هرگز عبارت «رجل سیاسی» را تفسیر نکرده و زنان از کاندیداتوری در انتخابات ریاست جمهوری محروم نشده و نمی‌شوند. «کاندیداتوری زنان برای ریاست جمهوری منع قانونی ندارد»، خبرگزاری مهر، ۲۲ فروردین ۱۳۸۸، قابل دسترسی در <http://www.mehrnews.com/fa/newsdetail.aspx?NewsID=858179>.

۸۸ فایل ویدیویی: «مصاحبه محبوبه عباسقلی‌زاده در تلویزیون صدای آمریکا»، صدای آمریکا، ۱۷ اسفند ۱۳۸۸، قابل دسترسی در http://www.you-tube.com/watch?v=EkKY_URyVE0؛ همچنین نگاه کنید به «جنبش زنان الگوی جنبش سبز»، گزار، ۲۱ خرداد ۱۳۸۹، قابل دسترسی در <http://www.gozaar.org/persian/articles-fa/4243.html>.

۸۹ «سند - ایران: اطمینان از انتخابات ریاست جمهوری آزاد» [Document - Iran: Ensure Free Presidential Election]، سازمان عفو بین‌الملل، ۱۵ مه ۲۰۰۹، قابل دسترسی در <http://www.amnesty.org/en/library/asset/MDE13/046/2009/en/25d062b9-2643-4a8e-908a-d72929557665/mde130462009en.html>.

۹۰ سوسن طهماسبی [Sussan Tahmasebi]، «چرا بر حقوق زنان تمرکز کنیم؟» [Why Focus on Women's Rights?]، رادیو ملی عمومی [NATIONAL PUBLIC RADIO]، ۵ ژوئن ۲۰۰۹، قابل دسترسی در http://www.npr.org/blogs/sundaysoapbox/2009/06/women_rights_factors_in_irans.html.

۹۱ «همگرایی جنبش زنان برای طرح مطالبات در انتخابات»، عصر نو، ۵ اردیبهشت ۱۳۸۸، قابل دسترسی در <http://asre-nou.net/php/view.php?objnr=3081>. همچنین نگاه کنید به نظرات نوشین احمدی خراسانی در مورد به وجود آمدن «همگرایی جنبش زنان برای طرح مطالبات در انتخابات» و موفقیت آن در شکل دادن به موضوعات مهم در مسابقه انتخاباتی خرداد ۱۳۸۸. نگاه کنید به «چگونه جنبشهای اجتماعی می‌توانند ایران را تغییر دهد» [How Social Movements Can Change Iran]، زی نت [ZNET]، ۱۲ ژوئن ۲۰۰۹، قابل دسترسی در <http://www.zcom->

۱۶ ۲. هدف قرار دادن فعالان حقوق زن در روزهای پیش از انتخابات خرداد ۱۳۸۸

مطالبات آنها بود.^{۹۲}

نامزدها که متوجه قدرت بالقوه این بخش قابل توجه از جامعه شده بودند، علناً بیش و بیشتر درباره موضوعاتی که برای زنان در قشرهای مختلف جامعه مطرح بود، صحبت می کردند. نامزد اصلاح طلب، میرحسین موسوی، به منظور پیشبرد تساوی جنسی «طرحی جامع» صادر نمود که شامل اقداماتی از قبیل تصویب کنوانسیون رفع انواع تبعیضات علیه زنان و تضمین دسترسی بیشتر زنان به تحصیلات عالی و رشته‌های تخصصی می شد. نامزد اصلاح طلب دیگر، مهدی کروبی، در اردیبهشت ۱۳۸۸ بیانیهای صادر کرد که در آن به طور ضمنی متعهد شده بود قوانین تبعیض آمیز را بازنگری کرده، از اشتغال زنان در سمتهای تصمیم گیرنده در دولت اطمینان حاصل کرده و به «کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان» ملحق بشود.^{۹۳} نامزد محافظه کار محسن رضایی قول داد که وزرای زن برگزیده، برای خانمهای خانه دار حقوق تعیین کرده، در تعالی سازمانهای زنان کوشیده، و توزیع عادلانه امکانات بین زنان و مردان را تسهیل نماید.^{۹۴}

زهرا رهنورد، به عنوان همسر نامزد اصلاح طلب، میرحسین موسوی، سنت شکنی کرده و همراه با شوهر خود در فعالیتهای انتخاباتی وی شرکت کرد—وی نخستین همسر نامزد انتخاباتی در تاریخ جمهوری اسلامی بود که چنین اقدامی کرد.^{۹۵} رهنورد از توجه عمومی نسبت به فعالیتهای انتخاباتی شوهر خود بهره جست تا خط مشی جامع حقوق زنان از جمله «رفع تبعیض و تقویت حقوق فرهنگی، حقوق زنان، و تساوی در برابر قانون» را عموماً ابلاغ نماید.^{۹۶} رهنورد همچنین کمپین یک میلیون امضاء را علناً تأیید نمود^{۹۷} و مقاله‌ای منتشر نمود که در آن همگان را به خاتمه تبعیض علیه زنان و الزام ایران به الحاق به «کنوانسیونهای بین‌المللی زنان» دعوت نمود.^{۹۸}

۲،۲. سرکوب فعالان

با این حال رژیم وقت سرکوب فعالان و سازمانهای حقوق زنان را در طول ماه‌های پیش از انتخابات افزایش داد. رژیم، دفاتر این سازمانها را بسته، فعالان را دستگیر و بازجویی کرده، و برخی را ممنوع‌الخروج ساخت.

روز اول دی ماه ۱۳۸۸، درست قبل از برگزاری مراسم بزرگداشت شصتمین سالروز اعلامیه جهانی حقوق بشر، مقامات ایرانی به دفتر کانون مدافعان حقوق بشر که در سال ۱۳۸۰ توسط وکیل و فعال با سابقه، شیرین عبادی، تأسیس شده بود یورش بردند.^{۹۹}

munications.org/how-social-movements-can-change-iran-by-noushin-ahmadi-khorasani

۹۲. «جنبش زنان الگوی جنبش سبز»، گزار، ۲۱ خرداد ۱۳۸۹، قابل دسترسی در <http://www.gozaar.org/persian/articles-fa/4243.html>

۹۳. «طهماسبی»، رک. زیرنویس ۹۰.

۹۴. همان. رضا سیاح و کریستین امانپور [Reza Sayah & Christian Amanpour], «انتخابات ایران می‌تواند آزمایشی برای حقوق زنان باشد» [*Iranian Election Could be Test for Women's Rights*], سی.ان.ان [CNN], ۱۱ ژوئن ۲۰۰۹، قابل دسترسی در <http://edition.cnn.com/2009/WORLD/meast/06/11/iran.election.women/>

۹۵. «حمایت از میانه‌روها چالشی برای رهبر ایران» [*Support for Moderate a Challenge to Iran's Leader*], نیویورک تایمز، ۲۵ مه ۲۰۰۹، قابل دسترسی در <http://www.nytimes.com/2009/05/26/world/middleeast/26iran.html>; «هزاران تن برای شنیدن و حمایت از میشل اوبامای ایران گرد آمدند» [*Thousands Gather to Hear, Cheer Iran's Michelle Obama*], سی.ان.ان، ۲۴ مه ۲۰۰۹، قابل دسترسی در <http://edition.cnn.com/2009/WORLD/meast/05/24/iran.wife/index.html>

۹۶. «زهرا رهنورد: من زندگی خود را وقف آزادی و دموکراسی خواهم کرد» [*Zahra Rahnavard: 'I Will Sacrifice My Life for Freedom & Democracy'*], «صدای سبز آزادی» [THE GREEN VOICE OF FREEDOM], ۹ ژوئن ۲۰۱۰، قابل دسترسی در <http://en.irangreenvoice.com/article/2010/jun/09/2019>

۹۷. هاله اسفندیاری [Haleh Esfandiari], «زنان مبارز ایران» [*Iran's Women of War*], نقد کتابهای نیویورک [NEW YORK REVIEW OF BOOKS], ۱۴ ژانویه ۲۰۱۰، قابل دسترسی در <http://www.nybooks.com/blogs/nyrblog/2010/jan/14/irans-women-of-war/>

۹۸. «همسر میرحسین موسوی: رفع تبعیض از زنان شعار کاندیداها باشد»، آفتاب، ۱۷ فروردین ۱۳۸۸، قابل دسترسی در <http://www.aftabnews.ir/vdcg3w97.ak93t4prra.html>

۹۹. در سال ۱۳۸۲، شیرین عبادی، وکیل، فعال حقوق زنان و کودکان، برای فعالیتهای خود در زمینه حقوق بشر، برنده جایزه صلح نوبل شد. «پلیس دفاتر گروهی که تحت رهبری برنده صلح نوبل بودند را ساعتی قبل از نشست آنها پلمب کرد» [*Police Close Offices of Group Led by Nobel*]

خاموش کردن جنبش زنان در ایران

یک میلیون امضا برای تغییر قوانین تبعیض آمیز

کمپین یک میلیون امضاء که در سال ۱۳۸۵ تأسیس شد، هدفش جمع‌آوری یک میلیون امضاء در حمایت از دادخواستی است که از مجلس ایران می‌خواهد قوانین تبعیض‌آمیز علیه زنان را اصلاح نماید. فعالیت‌های کمپین شامل توزیع لوازم آموزشی، درخواست از افراد برای امضاء و بحث و گفتگو با اشخاص، و سازمان‌دهی سخنرانی‌ها و کارگاه‌های آموزشی می‌باشد. رژیم که احساس خطر می‌کرد، به سرکوب گسترده این کمپین که در سال ۱۳۸۵ شروع شده بود، دست زده و تمام جلسات ملاقات این کمپین را تعطیل نمود، با خشونت به متفرق ساختن تجمعات آنها پرداخت، و بسیاری از امضاء آن را دستگیر نمود.

در روزهای دوم و نهم دی ماه، مأمورانی که خود را بازرسان اداره دارایی معرفی کردند، اسناد و کامپیوترهای دفتر وکالت خصوصی شیرین عبادی در تهران را با خود برده و به اعتراضات وی درباره اینکه اسناد و مدارک مزبور حاوی اطلاعاتی محرمانه درباره موکلان وی می‌باشند توجهی نکردند. در روز ۱۲ دی ۱۳۸۷، گروهی دانشجوی بسیجی چماقدار به ساختمانی که

منزل و دفتر شیرین عبادی در آن واقع است حمله برده و شعارهای تندی علیه وی سر داده و بر دیوارهای بیرونی ساختمان عبارات خصمانه‌ای نوشتند. نیروهای امنیتی نظاره‌گر این یورش بوده و به هیچ‌عنوان دخالتی نکردند. دو هفته بعد، منشی سابق این مرکز، ژینوس سبحانی، بدون هیچ‌گونه اتهامی دستگیر و به مدت ۵۵ روز در بازداشت به سر برد تا آنکه پس از سپردن وثیقه آزاد شد. نیروهای امنیتی همچنین دیگر اعضای این مرکز را تا هنگام استعفا از پستهای خود مورد آزار و تهدید قرار دادند.^{۱۰۰}

در بهمن ماه ۱۳۸۷ رژیم برای نخستین بار مجازات حبس یکی از فعالان حقوق بشر که دادگاه به صرف فعال بودن وی صادر کرده بود را به اجرا درآورد. عالیه اقدم دوست به دلیل شرکت در تظاهرات اعتراض آمیز نسبت به قوانین تبعیض آمیز علیه زنان که در تاریخ ۲۲ خرداد ۱۳۸۴ در میدان هفت تیر تهران برگزار شده بود، به سه سال حبس محکوم گردیده بود. وی در روز ۱۳ بهمن ۱۳۸۷ دوران حبس خود را شروع کرد و در حال حاضر در بند زنان زندان اوین به سر می‌برد. در اسفند ۱۳۸۸، پس از آنکه ادعا شد اقدم دوست در روز ۱۷ اسفند در بند زنان در باره تاریخچه روز بین‌المللی زن صحبت کرده، یک قاضی وی را احضار کرده و او را به «خواندن مقاله، نطق و سخنرانی بین بانوان در روز جهانی زن و تهییج درباره فعالیت‌های زنان؛ تبلیغ سوء علیه نظام؛ توهین به رئیس‌جمهور، رهبر؛ و تبلیغ به سوسیالیسم» متهم نمود. مقامات زندان او را برای یک هفته در حبس انفرادی نگاه داشتند و کماکان به وی اجازه نمی‌دهند با وکیل خود تماس بگیرد و با خانواده خود تماس تلفنی داشته باشد.^{۱۰۱}

زنانی که با کمپین یک میلیون امضاء مرتبط بودند، دستگیر می‌شدند، مورد بازجویی قرار گرفته و به زندان می‌افتادند و به جرایمی در زمینه امنیت ملی متهم می‌گردیدند. در ۱۱ بهمن ۱۳۸۸، مقامات سه تن از امضاء این کمپین به نامهای نفیسه آزاد، بیگرد ابراهیمی و شهین ابراهیمی را درحالی‌که در کوه‌های شمال تهران مشغول جمع‌آوری امضاء برای کمپین بودند، دستگیر نمودند. بیگرد ابراهیمی و شهین ابراهیمی روز بعد با دادن کفالت ۲۰ میلیون تومانی آزاد شدند. اما نفیسه آزاد در

۲۲. [Peace Laureate Hours Before Commemoration], بخش خارجی واشنگتن پست [WASHINGTON POST FOREIGN SERVICES], ۲۲ دسامبر ۲۰۰۸, <http://www.washingtonpost.com/wp-dyn/content/article/2008/12/21/AR2008122100676.html>; «نامه سرگشاده شیرین عبادی به محمود احمدی‌نژاد»، کانون مدافعان حقوق بشر، ۱۶ خرداد ۱۳۸۸، قابل دسترسی در <http://www.humanrights-ir.org/php/view.php?objnr=283>

۱۰۰. «نامه سرگشاده شیرین عبادی به محمود احمدی‌نژاد»، کانون مدافعان حقوق بشر، ۱۶ خرداد ۱۳۸۸، قابل دسترسی در <http://www.humanrights-ir.org/php/view.php?objnr=283>. صبحانی روز ۲۱ اسفند ۱۳۸۷ با وثیقه ۷۰ میلیون تومانی آزاد شد و در انتظار اعلام تاریخ دادگاه خود است.

۱۰۱. «سه سال حبس برای عالیه اقدم دوست» [Alieh Eghdam Doust to Serve Three Year Prison Term], تغییر برای برابری، ۱ فوریه ۲۰۰۹، قابل دسترسی در <http://www.we-change.org/english/spip.php?article455>; «درباره عضو زندانی جنبش زنان: عالیه اقدم دوست» [About Imprisoned Member of Women's Movement: Alieh Eghdam Doust], مدرسه فمینیستی، ۱۴ فوریه ۲۰۰۹، قابل دسترسی در <http://www.feministschool.com/english/spip.php?article241>; «عالیه اقدم دوست به اتهام خوانش تاریخچه ۸ مارس در زندان دادگاهی شد»، تغییر برای برابری، ۶ فروردین ۱۳۸۹، قابل دسترسی در <http://www.we-change.org/english/spip.php?article5612>

۱۸ ۲. هدف قرار دادن فعالان حقوق زن در روزهای پیش از انتخابات خرداد ۱۳۸۸

بازداشتگاه وزرا باقی ماند تا بالاخره در ۱۶ بهمن ۱۳۸۷ با تضمین ۵۰ میلیون تومانی شخص ثالثی آزاد شد.^{۱۰۲} وی به اقدام علیه امنیت ملی از طریق تبلیغ علیه نظام متهم گردید.^{۱۰۳}

هنگامی که نفیسه آزاد در بازداشت به سر می‌برد، پلیس امنیتی اقدام به تفتیش خانه وی کرد.^{۱۰۴} اگرچه حکم بازرسی منزل صراحتاً اظهار می‌داشت که فقط اموالی که متعلق به آزاد و مربوط به کمپین یک میلیون امضاء است باید تفتیش و توقیف گردند، اما مأموران در عوض به تفتیش و توقیف اموال دو تن همخانه آزاد به نامهای الناز انصاری و آیدا سعادت که آنها نیز از فعالان حقوق زنان بودند، پرداختند.^{۱۰۵} هنگام بازرسی منزل، مأموران به ضرب و شتم انصاری پرداخته و شوهر آزاد به نام وحید ملکی را نیز مضروب ساخته و دستبند زدند. مأموران اسناد، یادداشتها، سی دی‌ها، کتابهای شعر، و سرسیدنامه سعادت و کامپیوتر انصاری را با خود بردند. سعادت به یاد می‌آورد که بعد از رفتن آنها «درست مانند این بود که کسی اطاق را شخم زده باشد».^{۱۰۶}

روز ۶ فروردین ۱۳۸۸، دوازده فعال دیگر حقوق زن درحالیکه سعی داشتند با اعضاء خانواده زندانیان سیاسی ملاقات کنند، در تهران دستگیر شدند. برخی از افراد بازداشت شده، عضو کمپین بودند. مأموران آنها را به زندان اوین بردند و در آنجا آنها را به اخلال در افکار و نظم عمومی متهم نمودند.^{۱۰۷} ده تن از بازداشت‌شدگان سه روز بعد با سپردن وثیقه آزاد شدند، و دو تن باقیمانده در اواسط فروردین آزاد شدند.^{۱۰۸} برای هر یک از این زنان وثیقه ۵۰ میلیون تومانی تعیین شد. مقامات همچنین درخواست گزاردن ضمانت مالی توسط شخصی که کارمند دولت است کردند.^{۱۰۹}

یکی دیگر از اعضاء کمپین، مریم ملک، در روز ۵ اردیبهشت ۱۳۸۸ دستگیر شد. سه مأمور امنیتی خانه ملک را سه روز قبل از آن تفتیش نموده و وسائل شخصی وی از قبیل کتابها و لوازم مربوط به کمپین و فرمهای جمع‌آوری امضاء را توقیف نمودند. مدت کوتاهی پس از این تفتیش، احضاریه‌ای برای وی فرستاده شد تا خود را برای بازجویی به مرکز پلیس معرفی نماید. در مرکز پلیس وی را دستگیر و به بازداشتگاه وزرا فرستاده و سپس وی را به زندان اوین منتقل نمودند. ملک توسط

۱۰۲. بازداشتگاه وزرا، رسماً بازداشتگاه اداره مبارزه با مفاسد اجتماعی، بازداشتگاهی برای زنان است که در خیابان وزرا در تهران واقع شده. «طرح عفاف در انتظار ایران»، رادیو کوچه، ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۹، قابل دسترسی در <http://radiokoocheh.com/article/32937> یکی از بازداشت‌شدگان ۱۳ اسفند ۱۳۸۵ به وبسایت میدان زنان گفت «شرایط بهداشتی بازداشتگاه وزرا اسفبار است. طوری که مجبور شدیم دست شویی‌ها را خودمان بشوریم. غذا مناسب نبود و حتی لیوان و قاشق به اندازه کافی نداشتیم. وزرا نور کافی نداشت. مارمولک هم در بازداشتگاه وجود داشت. کف بازداشت گاه فاقد موکت بود». گزارش کامل در «گزارش تحقیق پیرامون نقض حقوق بشر و قانون حفظ حقوق شهروندی در مورد بازداشت‌شدگان ۱۳ اسفند ۱۳۸۵»، روشنگری، ۳ مارس ۲۰۰۸، قابل دسترسی در <http://www.roshangari.com/as/sitedata/20080305214253/20080305214253.html#s18>

۱۰۳. «نفیسه آزاد، عضو کمپین یک میلیون امضاء، پس از شش روز بازداشت، آزاد شد» [Nafiseh Azad, Member of One Million Signatures] <http://www.we-change.org/> [Campaign Released after 6 Days Detention]، تغییر برای برابری، ۵ فوریه ۲۰۰۹، قابل دسترسی در <http://www.english/spip.php?article463> [Nafiseh Azad Is Charged]، صدای حقوق بشر ایران [IRAN HUMAN RIGHTS VOICE]، ۱۰ آوریل ۲۰۰۹، قابل دسترسی در <http://www.ihrv.org/inf/?p=2137>

۱۰۴. «کمپین بین‌المللی حقوق بشر در ایران: سرکوب فعالان حقوق زن در یک سال گذشته شدت گرفته است»، ادوار نیوز، ۲۸ فروردین ۱۳۸۸، قابل دسترسی در <http://www.advarnews.biz/women/8959.aspx>

۱۰۵. «ایران: تفتیش خشونت‌بار خانه فعالان زن و مصادره اموال آنها» [Iran: Violent Search of Women Activists' Home and Seizure of Their Property]، پیوند [PAYVAND]، ۴ فوریه ۲۰۰۹، قابل دسترسی در <http://payvand.com/news/09/feb/1042.html>

۱۰۶. «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با آیدا سعادت» (۲۶ فروردین ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران).

۱۰۷. «ایران: دوازده فعال حقوق زنان به دلیل دیدار برنامه‌ریزی شده سال نو دستگیر شدند» [Iran: Twelve Women's Rights Activists Arrested] *for Planned New Years Visit*، تغییر برای برابری، ۲۷ مارس ۲۰۰۹، قابل دسترسی در <http://www.wlum1.org/node/5164> دستگیر شدگان عبارتند از: دلارام علی، خدیجه مقدم، لیلی نظری، فرخنده احتسایان، محبوبه کرمی، بهاره بهروان، علی عبدی، امیر رشیدی، محمد شوراب، آرش نصیری اقبالی، ثریا یوسفی، و شهلا فروزانفر.

۱۰۸. «گزارشی از وضعیت زنان مدافع حقوق بشر»، تغییر برای برابری، ۲۷ فروردین ۱۳۸۸، قابل دسترسی در <http://www.we-change.org/spip.php?article3988> «آزادی ده تن از فعالان جنبش زنان و ادامه بازداشت خدیجه مقدم و محبوبه کرمی»، تغییر برای برابری، ۹ فروردین ۱۳۸۸، قابل دسترسی در <http://www.we-change.org/spip.php?article3888>

۱۰۹. «ایران: دوازده فعال حقوق زنان به دلیل دیدار برنامه‌ریزی شده سال نو دستگیر شدند»، تغییر برای برابری، ۲۷ مارس ۲۰۰۹، <http://www.wlum1.org/node/5164>

خاموش کردن جنبش زنان در ایران

دادگاه انقلاب به «تبلیغ علیه نظام» و «عضویت در کمپین یک میلیون امضاء» متهم گردید. وی قادر به تهیه وثیقه ۲۰ میلیون تومانی نبود و پنج روز در بازداشتگاه ماند تا با ضمانت مالی آزاد شد.^{۱۱۰}

مأموران اداره اطلاعات قم دو تن از اعضای کمپین به نامهای فاطمه مسجدی و مریم بیدگلی را در ۱۷ اردیبهشت ۱۳۸۸ دستگیر نمودند. این خانمها در قم مشغول تحقیق درباره یک قتل ناموسی بودند^{۱۱۱} که نارضایتی شدید چندین چهره متنفذ در قم را برانگیخته بود. مقامات به این دو تن اجازه دسترسی به وکیل ندادند.^{۱۱۲} دوازده روز بعد، مسجدی و بیدگلی با گذاشتن وثیقه ۲۰ میلیون تومانی آزاد شدند.^{۱۱۳} آنها در ۱۳ دی ۱۳۸۸ در شعبه دهم دادگاه انقلاب قم محاکمه و به اقدام علیه امنیت ملی، تلاش برای براندازی نظام، نشر اکاذیب، و تبلیغ علیه نظام از طریق عضویت در کمپین یک میلیون امضاء متهم گردیدند. در زمان محاکمه ایشان که تقریباً هشت ماه پس از دستگیری آنها انجام شد، این بانوان گزارش کردند که بیشتر دارای شخصی آنها که در هنگام دستگیری توقیف شده بود، از جمله وجه نقد و ساعت طلا، تا آن زمان به آنها بازگردانده نشده بود.^{۱۱۴}

همان روز دستگیری مسجدی و بیدگلی، مقامات از سفر دو فعال برجسته حقوق زن به گوآتمالا برای سخنرانی درباره نقض زنان در دمکراسی در کنفرانسی که قرار بود از ۲۰ تا ۲۲ اردیبهشت برگزار شود، ممانعت به عمل آوردند. این خانمها نرگس محمدی، معاون رئیس مرکز مدافعان حقوق بشر و دستیار سابق شیرین عبادی، برنده جئزه نوبل، و ثریا عزیزپناه، عضو شورای ملی صلح و کانون مشارکت در پاکسازی مین بودند که در فرودگاه امام خمینی متوقف شده و از آنها خواسته شد تا در عرض ۷۲ ساعت خود را به دادگاه انقلاب تهران معرفی نمایند. گذرنامه‌های این دو تن مهر خروج نیز خورده بودند اما مقامات از ارائه هرگونه توضیحی به ممانعت کردند.^{۱۱۵}

۳. هدف قرار دادن فعالان و مدافعان حقوق زن در دوران پس از انتخابات

بلافاصله پس از اعلام نتایج انتخابات ۲۲ خرداد توسط کامران دانشجو، رئیس کمیسیون انتخابات، مبنی بر پیروزی رئیس جمهور وقت، محمود احمدی‌نژاد، با اختلاف رأیی چشمگیر، تظاهرات آغاز گردید. هزاران ایرانی از هر طبقه و گروه، به خیابانها ریخته و خواستار ارزشگذاری آرا خود شدند. تظاهرات عظیم و رو به گسترش تقریباً هر روز ادامه یافت تا آنکه در ۳۰ خرداد چندین تظاهرکننده کشته شدند. شبه نظامیان بسیجی و دیگر مأموران نیروی انتظامی علیه معترضین آرام و بی‌سلاح

۱۱۰. «سند - ایران: زندانی عقیدتی: مریم ملک» [Document – Iran: Prisoner of Conscience: Maryam Malek]، سازمان عفو بین‌الملل، ۲۹ آوریل ۲۰۰۹، قابل دسترسی در <http://www.amnesty.org/en/library/asset/MDE13/039/2009/en/Obd1baa4-49e8-40ae-a7a2-47ccd6046dbf/mde130392009en.html>؛ «ایران: مریم ملک به زندان اوین منتقل شد»، تغییر برای برابری، ۶ اردیبهشت ۱۳۸۸، قابل دسترسی در <http://www.we-change.org/spip.php?article4025>؛ «مریم ملک آزاد شد»، تغییر برای برابری، ۹ اردیبهشت ۱۳۸۸، قابل دسترسی در <http://www.we-change.org/spip.php?article4046>.

۱۱۱. قتل ناموسی کشتن زن به دلیل رفتار غیراخلاقی یا غیراخلاقی تصور شده اوست. قتل معمولاً توسط بستگان زن، شوهر، برادر یا پدر او انجام می‌گیرد. نگاه کنید به «بررسی موردی: کشتارهای ناموسی و دشمنی خونی» [Case Study: "Honour" Killings and Blood Feuds]، دیده‌بان کشتار جنسی [GENDERCIDE WATCH]، قابل دسترسی در http://www.gendercide.org/case_honour.html.

۱۱۲. «فاطمه مسجدی و مریم بیدگلی در قم در زندان انفرادی نگاه داشته شدند» [Fatemeh Masjedi and Maryam Bifgoli Held in Solitary in Qum]، صدای حقوق بشر ایران، ۱۵ مه ۲۰۰۹، قابل دسترسی در <http://www.ihrv.org/inf/?p=2310>.

۱۱۳. «جلسه تفهیم اتهام به دو فعال کمپین در قم: منصوره شجاعی با خانواده خود تماس گرفت» [Court Session to Hear Accusations against Two Campaign Activists in Qom; Mansoureh Shojaee Contacted Her Family]، تغییر برای برابری، ۶ ژانویه ۲۰۱۰، قابل دسترسی در <http://www.we-change.org/english/spip.php?article629>؛ «فاطمه مسجدی و مریم بیدگلی، دو فعال حقوق زنان آزاد می‌شوند»، صدای حقوق بشر ایران، ۱۵ مه ۲۰۰۹، قابل دسترسی در <http://www.ihrv.org/inf/?p=2310>.

۱۱۴. «جلسه تفهیم اتهام به دو فعال کمپین در قم: منصوره شجاعی با خانواده خود تماس گرفت»، تغییر برای برابری، ۶ ژانویه ۲۰۱۰، قابل دسترسی در <http://www.we-change.org/english/spip.php?article629>.

۱۱۵. «ایران مشاور برنده جایزه صلح نوبل را ممنوع‌السفر می‌کند» [Iran Bans Nobel Laureat's Aid from Traveling]، آژانس فرانس پرس [AGENCE FRANCE PRESSE]، ۱۰ مه ۲۰۰۹، قابل دسترسی در <http://www.google.com/hostednews/afp/article/ALeqM5hNH->؛ «نرگس محمدی: نمی‌دانم چرا ممنوع‌الخروج شده‌ام»، رادیو فردا، ۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۸، قابل دسترسی در http://www.radiofarda.com/content/F7_NMohammadi_SAzizpanah/1624858.html.

۳. هدف قرار دادن فعالان و مدافعان حقوق زن در دوران پس از انتخابات

دست به خشونت زدند و هزاران تن از تظاهرکنندگان دستگیر شدند. در همان حال، در تلاش برای سرکوب خشونت‌بار هرگونه نارضایتی، رژیم بلافاصله شروع به دستگیری و آزار و اذیت هر کسی که ممکن بود تهدید بالقوه‌ای باشد، کرد. مقامات به سرعت به دستگیری همه فعالان حقوق بشر، حقوق اقلیتها، حقوق زنان، و نیز روزنامه‌نگاران، و کلا، و دانشجویان پرداختند.

برخی از تظاهرکنندگان برای نخستین بار بود که به خیابانها ریخته بودند، اما بسیاری از فعالان و طرفداران حقوق زنان، در زمینه اعتراضات مدنی تجارب زیاد داشتند بودند.^{۱۱۶} این زنان سالها بود که مورد بازجویی و حبس قرار گرفته بودند. بسیاری از آنها در بکارگیری حمایت توده‌های مردم و دسترسی یافتن به رسانه‌ها به هنگام سرکوب شدید، تجربه داشتند. رژیم ایران متوجه این پیوند و خطر ناشی از انتقال دانش، مهارت و تجربه سازماندهی از جانب این فعالان کهنه کار به جنبش سبز که نهضتی بزرگتر اما با سازمان‌هی به مراتب کمتر بود، شده بود.^{۱۱۷}

بنابراین رژیم بلافاصله سر تیز تیغ خود را متوجه فعالان حقوق زنان نمود. رژیم تلاش کرد تا با خاموش ساختن رهبران این جنبش چه در داخل و چه در خارج از کشور، و دستگیر و زندانی نمودن فعالان، چه آنهایی که فعال بودند و چه آنهایی که نسبتاً غیرفعال بودند، این جنبش را متلاشی نماید. دو روز پیش از انتخابات، سعید مرتضوی که در آن هنگام دادستان کل تهران بود طی نامه‌ای به مقامات ذریبط دستور داد فعالانی را که سعی داشتند مقامات ایران را به تقلب و دستکاری در نتایج انتخابات متهم کنند، دستگیر نمایند.^{۱۱۸} شواهدی در دست است که مقامات نیروهای انتظامی با استفاده از این نامه، بلافاصله پس از اعلام نتایج انتخابات، بدون هیچگونه دلیلی به دستگیری بسیاری از فعالان حقوق زنان پرداختند. برای مثال محمد مصطفایی، وکیل هنگامه شهیدی، گزارش کرده است که در پرونده شهیدی، یک نسخه از این نامه در جای حکم جلب موجود است.^{۱۱۹}

هدف خاموش ساختن فعالان حقوق زنان در کیفرخواستی که در اولین سری محاکمات گروهی نمایشی در مرداد ۱۳۸۸ برگزار گردید و در طول بازجویی از فعالان، تأیید شد. کیفرخواست مزبور ادعا می‌کرد که جنبش حقوق زنان در آنچه که ادعا می‌شد «کودتای مخملی» است، نقش رهبری داشته است.^{۱۲۰} فعال حقوق زنان، آیدا سعادت به خاطر می‌آورد که بازجوی به وی گفت: «خط قرمز ما از آنجایی است که جنبش زنان وارد جنبش سبز بشود».^{۱۲۱} وی ادامه می‌دهد:

آنها می‌دانستند که جنبش زنان نیرو و امکانات دارد و اگر آنها را بیاورد و رسماً با جنبشی که در خیابانها در حال شکلگیری بود تلفیق بدهد، می‌تواند بر آن تأثیر بسزای از نظر سازماندهی بگذارد. اعضای جنبش زنان با تجربه و آگاه بودند و می‌توانستند به تظاهرات خط و جهت بدهند و تشکل ایجاد کنند. اینها همه باعث ترس رژیم بود.^{۱۲۲}

۱۱۶. نگاه کنید به «فایل ویدیویی: مصاحبه محبوبه عباسقلی‌زاده در تلویزیون صدای آمریکا»، صدای آمریکا، ۸ مارس ۲۰۱۰، قابل دسترسی در http://www.youtube.com/watch?v=EkKY_URyVE0.

۱۱۷. «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با آیدا سعادت» (۲۶ فروردین ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران).

۱۱۸. «قصه پر غصه پرونده هنگامه شهیدی، نوشته محمد مصطفائی»، خبرگزاری حقوق بشر ایران، ۲۰ فروردین ۱۳۸۹، قابل دسترسی در <http://www.rhairan.in/archives/9040>.

۱۱۹. همان.

۱۲۰. «متن کامل کیفرخواست مدعی‌العموم علیه متهمین پرونده شکست خورده کودتای مخملی»، خبرگزاری فارس، ۱۰ مرداد ۱۳۸۸، قابل دسترسی در <http://www.farsnews.net/newstext.php?nn=8805100944> [برای دسترسی به ترجمه صفحه‌بندی شده، نگاه کنید به <http://www.iranhrdc.org/>].

۱۲۱. مقصود از «خط قرمز» قوانین سانسور رسمی و غیررسمی است که اگر جامعه مدنی ایران و خبرنگاران می‌خواهند از مقابله به مثل توسط رژیم در امان بمانند، نباید از آن عبور کنند. عبور از «خط قرمز» می‌توان هرگونه عواقبی را به همراه داشته باشد که شدیدترین آنها اعدام است. نگاه کنید به گزارش مرکز اسناد حقوق بشر ایران «CTRL+ALT+DELETE: پاسخ ایران به اینترنت»، صص. ۸-۹، قابل دسترسی در <http://iranhrdc.org/httpdocs/English/reports.htm>.

۱۲۲. «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با آیدا سعادت» (۲۶ فروردین ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران).

خاموش کردن جنبش زنان در ایران

دامنه دستگیریها وسیع و عمیق بود. افراد دستگیر شده شامل طبقات زیر می‌شدند؛ (۱) رهبران جنبش حقوق زنان، به ویژه زنانی که در کیفرخواست نخست نام برده شده‌اند، (۲) فعالان مجرب حقوق زنان و وکلای ایشان، (۳) رهبران، اعضاء و جمع‌کنندگان امضاء کمپین یک میلیون امضاء، و (۴) اعضاء سازمان مادران عزادار که برای اعتراض به بازداشت عزیزان خود در تجمعات آرام شرکت کرده بودند.^{۱۲۳}

مأموران دستگیری اغلب کارت شناسایی یا حکم جلب ارایه نمی‌دادند، و بدون داشتن اجازه بازرسی، به تفتیش منازل و مکانهای کسب می‌پرداختند. آنها فعالان را برای مدتهای طولانی بدون هیچگونه اتهامی در بازداشت نگاه می‌داشتند و به آنان اجازه دسترسی به خانواده‌ها و وکلای خود را نمی‌دادند. هنگامی که بازجوها اجازه تماس می‌دادند غالباً مکالمات را کنترل می‌کردند. آنها برخی را برای مدتهای طولانی در حبس انفرادی نگاه می‌داشتند، و دیگران را نیز در سلولهای غیربهداشتی که بیش از حد ظرفیت پر شده بودند، جا می‌دادند. بازجوها مکرراً فعالان بازداشتی را برای ساعتها با جویبی می‌کردند. آنها سعی کردند فعالان را توهین و تحقیر نمایند، شرم‌زده و تهدید نمایند، مورد حمله فیزیکی قرار داده و حداقل در یک مورد احتمالاً در حالیکه با زور به یکی از زنان بازداشتی قرصهای بیهوش کننده دادند، به وی تجاوز کردند. مقامات غالباً این زنان را به تهدید علیه امنیت ملی و تبانی با عوامل خارجی برای براندازی دولت ایران متهم می‌کردند. آنها به دروغ بسیاری را به عضویت در سازمان غیرقانونی مجاهدین خلق^{۱۲۴} متهم می‌نمودند—جرمی که مجازات آن مرگ بود.^{۱۲۵} به منظور مجازات این فعالان، برای بعضی وثیقه‌های هنگفت تعیین شده و به برخی دیگر امکان گذاشتن وثیقه داده نشد. برخی از فعالان از خروج از کشور منع شدند.

در حالیکه رژیم ایران کماکان برای ازهم پاشیدن جنبش حقوق زنان در تلاش است، این رژیم به محدود ساختن هرچه بیشتر زندگی خانوادگی، و حق تحصیل و استخدام زنان ادامه می‌دهد.^{۱۲۶} در آذر و دی ۱۳۸۸ کمیسیون قضایی مجلس ایران قانون حمایت از خانواده احمدی‌نژاد را مورد بازبینی قرار داد و مواد ۲۳ و ۲۵ را مجدداً به شکل دیگری به آن اضافه کرد.^{۱۲۷} بحثی که برای مدتها در مورد محدود ساختن تعداد ساعات کار قانونی زن در هفته در جریان بوده است^{۱۲۸} اخیراً با ارائه پیشنهادی

۱۲۳. گروه مادران عزادار گروهی مدنی است که توسط مادرانی که فرزندان و شوهران خود را در خشونت‌های دولتی که به دنبال انتخابات ریاست جمهوری جنرال برانگیز خرداد ۱۳۸۸ اتفاق افتاد، از دست دادند و طرفداران آنها تشکیل شده است. طی تابستان ۱۳۸۸، مادران عزادار در پارکهای سراسر تهران مراسم شب‌زنده‌داری برگزار می‌کردند. به تدریج مادرانی که اعضاء خانواده آنها در زندانهای ایران در دهه‌های ۱۳۶۰، ۱۳۷۰ و اوایل ۱۳۸۰ اعدام شده بودند نیز به این تجمعات پیوستند و گروه در سراسر ایران و جهان گسترش یافت. «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با آیدا سعادت» (۲۶ فروردین ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران)؛ «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با آسیه امینی» (۲۱ خرداد ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران) و همچنین نگاه کنید به زیر نویس ۲۲۰ تا ۲۲۷ و متن همراه آن.

۱۲۴. سازمان مجاهدین خلق بخشی از ائتلافی بود که شاه را در سال ۱۳۵۸ از قدرت خلع کرد. با این حال در اوایل دهه ۱۳۶۰، این سازمان چندین کشتار وحشتناک و عملیات تروریستی بر علیه رژیم جمهوری اسلامی انجام داد و نیز طی جنگ ایران و عراق به نیروهای صدام حسین پیوسته و به ایران حمله کرد. عدم محبوبیت این سازمان بین عموم مردم، عضویت در آن را اتهامی سهل علیه دشمنان رژیم ایران می‌سازد. اعضاء جامعه مدنی اغلب کذباً به عضویت سازمان مجاهدین خلق نسبت داده می‌شوند که به معنای محاربه بوده و سزاوار اعدام می‌باشد. از زمان انتخابات ۱۳۸۸، چند تن به اتهام عضویت در سازمان مجاهدین خلق اعدام شده‌اند. نگاه کنید به گزارشهای مرکز اسناد حقوق بشر ایران «فتوای مرگبار: قتل عام زندانیان ۱۳۶۷ ایران»، صص. ۳-۵ و «پیامد خشونت‌بار: انتخابات ۱۳۸۸ و سرکوب دگراندیشان در ایران»، صص. ۳۹، ۸۹، قابل دسترسی در <http://iranhrdc.org/httpdocs/English/reports.htm> «شش عضو ساطمان تروریستی منافقین در انتظار اعدام»، گرداب، ۹ مرداد ۱۳۸۹، قابل دسترسی در <http://www.gerdab.ir/fa/pages/?cid=1539>

۱۲۵. برای مثال به زیرنویس ۱۶۲ نگاه کنید (که بیان کننده اتهام عضویت در مجاهدین خلق برای شیوا نظر آهاری است)؛ برگزاری دادگاه مهدیه گلرو و تفهیم اتهام سنگین، ادوار نیوز، ۱۶ فروردین ۱۳۸۹، قابل دسترسی در <http://www.advarnews.us/university/10725.aspx> (مهدیه گلرو، فعال حقوق دانشجویان و زنان، در حال حاضر در بند نوسان زندان اوین به سر می‌برد و از اتهامات او «ارتباط و همکاری با منافقین [مجاهدین]» می‌باشد). همچنین نگاه کنید به زیرنویس ۲۵۲ (پریسا کاکایی متهم به عضویت در سازمان مجاهدین).

۱۲۶. نگاه کنید به «فایل ویدیویی: محبوبه عباسقلی‌زاده / صدای آمریکا / زنان ایران در سال گذشته - بخش اول»، صدای آمریکا، ۲۱ مارس ۲۰۱۰، قابل دسترسی در <http://www.youtube.com/watch?v=fEmWd8favRc>

۱۲۷. «کمیسیون قضایی و حقوقی با تصویب ماده ۲۳ لایحه حمایت از خانواده در ده مورد اجازه ازدواج مجدد به مردان داد»، ایسنا، ۹ دی ۱۳۸۸، قابل دسترسی در <http://isna.ir/ISNA/NewsView.aspx?ID=News-1464827> «تمام بررسی لایحه حمایت از خانواده»، ایسنا، ۱۲ بهمن ۱۳۸۸، قابل دسترسی در <http://isna.ir/ISNA/NewsView.aspx?ID=News-1484488> (این قانون در تاریخ ۱۲ بهمن ۱۳۸۸ از تصویب نهایی گذشت).

۱۲۸. برای مثال در ۳۰ تیر ۱۳۸۵، الهام امین‌زاده، نماینده تهران در مجلس از قانونی صحبت کرد که بر اساس آن مادرانی که فرزند معلول دارند به طور نیمه

۳. هدف قرار دادن فعالان و مدافعان حقوق زن در دوران پس از انتخابات

درباره کاهش ساعات کار زنان در هفته به ۳۶ ساعت، شدت یافت.^{۱۲۹} مخالفان اعتراض دارند که چنین قانونی حضور زنان در سمتهای مدیریت و ریاست در بازاد کار که در حال حاضر نیز انگشت شمار است، بیش از پیش کاهش خواهد داد، و در ازای این طرح ارائه خدمات بهتر برای مراقبت از کودک باید توسط دولت تشویق شود.^{۱۳۰}

همچنین در ماههای اخیر حمیدرضا حاجی بابایی، وزیر آموزش و پرورش ایران، ابتدا از حمایت خود مسبت به ازدواج دختران دبیرستانی سخن گفت و سپس اظهار نظر نمود که این صحیح نیست که دختران ازدواج کرده در کنار دختران ازدواج نکرده در یک کلاس درس بنشینند.^{۱۳۱} غلامعلی نادری، مدیر کل دفتر آموزشهای آزاد وزارت علوم ایران نیز از تشکیل مؤسسات آموزشی غیرمختلط جانبداری کرده است.^{۱۳۲} منتقدان نگرانند که دولت از موضوعات نسبتاً سطحی مانند فواید تحصیل به صورت غیر مختلط (و مباحثی چون طرز لباس پوشیدن در محوطه دانشگاه) به عنوان بهانه‌ای برای منحرف نمودن افکار دانشجویان فعال اجتماعی از مسائل مهمتر سیاسی در داخل دانشگاه‌ها استفاده می‌کند.^{۱۳۳}



سعید مرتضوی، که اکثراً از او به نام «قصاب مطبوعات» یاد می‌کنند، دادستان سابق تهران بوده و در حال حاضر یکی از معاونان دادستان کل کشور می‌باشد. در مرداد ۱۳۸۸، هنگامی که طی نخستین محاکمه گروهی فرمایشی و در کیفرخواست قرائت شده از جنبش زنان به عنوان زیرمجموعه‌ای از «انقلابی مخملی» برای براندازی رژیم یاد شد، وی دادستان کل تهران بود. این کیفرخواست مخصوصاً از شادی صدر، شیرین عبادی، نوشین احمدی خراسانی، و پروین اردلان به عنوان لیدر زیر مجموعه زنان در «انقلاب مخملی» نام برد.

۳.۱. بی‌اعتبار ساختن رهبری

هدف رژیم نسبت به برجیدن جنبش حقوق زنان از آغاز مرداد ۱۳۸۸ یعنی هنگامی که اولین کیفرخواست طی اولین محاکمه فرمایشی گروهی خوانده شد، آشکار گشت. اساساً، برنامه‌ای که نشانگر اهداف رژیم بود ادعا می‌کرد که «کودتای مخملی» شکست خورده با «سه بازو» طراحی شده—چه از نظر فکری، رسانه‌ای، و اجرایی.^{۱۳۴} گفته می‌شود که بازوی اجرایی از

وقت (تا ظهر) کار کنند اما حقوق تمام وقت دریافت نمایند، نگاه کنید به «الهام امین‌زاده: ساعت کار مادران شاغل دارای فرزند معلول کاهش می‌یابد»، ایسنا، ۳۰ تیر ۱۳۸۵، قابل دسترسی در <http://isna.ir/ISNA/NewsView.aspx?ID=News-754440>.

۱۲۹. قانون «کاهش ساعات کار اداری» توسط مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری پیشنهاد شد (وبسایت: www.women.org.ir/).

۱۳۰. نگاه کنید به «تفسیرهای ناهید جلالی، نماینده سابق ایران در سازمان بین‌المللی کار» در ۲۹ دی ۱۳۸۷، اظهار می‌دارد که کاهش ساعات کار زنان سطح رقابت زنان در بازار کار را کاهش می‌دهد. نگاه کنید به «نماینده اسبق کارگران در سازمان بین‌المللی کار: این طرح تهدید جدی برای حضور زنان در بازار کار خواهد بود»، ایسنا، ۲۹ دی ۱۳۸۷، قابل دسترسی در <http://isna.ir/ISNA/NewsView.aspx?ID=News-1266172>.

۱۳۱. نگاه کنید به تفسیرهای خبرگزاری کار ایران (ایلنا) در ۲۳ آذر ۱۳۸۸. نگاه کنید به «از ازدواج دختران دانش‌آموز خوشحال می‌شوم»، ایلنا، ۲۳ آذر ۱۳۸۸، قابل دسترسی در <http://www.ilna.ir/newstext.aspx?ID=95665>.

۱۳۲. در اول خرداد ۱۳۸۹ وی گزارش کرد که شش درخواست برای دانشگاه‌های تک جنسی تأیید شده و این دانشگاه‌ها برای ترم پاییز ۱۳۸۹ دانشجوی می‌پذیرند. وی اظهار داشت «زمانی که محرکهای جنسی در جوانان به حد اعلای خود رسیده است اختلاط آنها در دانشگاه‌ها باعث افت تحصیلی دانشجویان شده است». «آغاز طرح تک جنسی شدن دانشگاه‌ها»، روز آنلاین، ۱ خرداد ۱۳۸۹، قابل دسترسی در <http://www.roozonline.com/persian/news/newsitem/article/2010/may/22/-bf4ac26459.html>؛ «تک جنسی کردن دانشگاه‌ها در گفتگو با مریم بهروزی»، عصرنو، ۳ آذر ۱۳۸۸، قابل دسترسی در <http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=91596>؛ «دانشگاه‌های تک جنسی از امسال آغاز به کار می‌کنند»، رادیو بین‌المللی فرانسه، ۲۴ مه ۲۰۱۰، قابل دسترسی در <http://www.persian.rfi.fr/print/23410?print=now>.

۱۳۳. تفسیر آسیه امینی در دویچه وله درباره دانشگاه‌های تک جنسی در «تفکیک جنسی تلاش برای کنترل دانشگاه‌هاست»، دویچه وله، ۶ مارس ۲۰۱۰، قابل دسترسی در <http://www.dw-world.de/dw/article/0,,5643277,00.html>.

۱۳۴. «متن کامل کیفرخواست مدعی‌العموم علیه متهمین پرونده شکست خورده کودتای مخملی»، خبرگزاری فارس، ۱۰ مرداد ۱۳۸۸، قابل دسترسی در <http://www.iranhrdc.org/>؛ همچنین نگاه کنید به گزارش مرکز اسناد حقوق بشر ایران «پیامد خشونت‌بار: انتخابات ۱۳۸۸ و سرکوب دگراندیشان در ایران»، فروردین ۱۳۸۹، صص. ۷۶-۸۱، قابل دسترسی در <http://iranhrdc.org/httpdocs/English/reports.htm>.

خاموش کردن جنبش زنان در ایران

شش زیرگروه تشکیل شده که یکی از آنان زیرگروه زنان می‌باشد:



نوشین احمدی خراسانی، نویسنده و از مؤسسان کمپین یک میلیون امضاء و نیز کانون فرهنگی زنان می‌باشد. تعدادی از آثار وی در ایران ممنوع‌الانتشار شده و وی چندین بار به دلیل فعالیتهای خود دستگیر گردیده است. وی پیش از انتخابات جنجالی خرداد ماه ایران، «همگرایی جنبش زنان برای طرح مطالبات در انتخابات» را پایه گذاری کرد تا کاندیداهای ریاست جمهوری را به توجه به خواسته‌های زنان ترغیب نماید. در نخستین کیفرخواست دادستان کل تهران، از او به عنوان «لیدر» براندازی نرم رژیم ایران یاد شده است. وی اکنون در ایران به سر می‌برد.

زیرمجموعه زنان از چند طیف تشکیل شده است. مهمترین لیدرهای این طیف خانم شادی صدر و خانم شیرین عبادی هستند. این طیف‌ها بیشتر با NGOهای هلندی در تماس هستند که هزینه‌های این گروه‌ها و کمپینها را پرداخت می‌کنند. طیف دیگری به مسئولیت پروین اردلان - دختر علی اردلان از رهبران جبهه ملی - فعالیت می‌کند. طیف نوشین همدانی خراسانی که تمایلات چپ دارند از جمله این طیفها هستند.^{۱۳۵}

کیفرخواست مزبور وجود دو نوع پیوند را اظهار می‌کند. اولین پیوند، وکلا و مدافعان حقوق زنان، مانند عبادی و صدر را به مداخله گران خارج از ایران مربوط می‌سازد. دومین پیوند، فعالان حقوق زنان را به احزاب سیاسی مخالف در داخل ایران مربوط می‌کند. اتهامات مندرج در کیفرخواست برای بسیاری از زنان یادآور اتهاماتی بود که محسنی اژه‌ای، وزیر اطلاعات در ابتدای دوره ریاست جمهوری احمدی‌نژاد در سال ۱۳۸۴ بیان داشت.^{۱۳۶} پس از انتشار سخنان وی، فعالان جامعه مدنی، از جمله فعالان حقوق زنان شدیداً سرکوب شدند. آسیه امینی، یکی از فعالان اصلی حقوق زنان به یاد دارد که:

هنگامی که کیفرخواست وقایع پس از انتخابات را در [روزنامه] کیهان دیدم، به نظرم آمد که این درست ادامه و دنباله همان مطالبی است که پنج سال قبل توسط محسنی اژه‌ای بیان شد [....] به یاد می‌آورم هنگامی که سال‌ها قبل در آبان ۱۳۸۶ بازجویی می‌شدم، و درست درباره همین موضوع با بازجوی خود بحث می‌کردم [....] به بازجوی خود گفتم [فعالان حقوق زنان] در پی انقلاب مخملی نبودند زیرا چنین حرکتی در جهت اهداف ما نبوده و بی‌ثباتی ناشی از آن فقط شرایط را در ایران بدتر خواهد ساخت.^{۱۳۷}

حداقل سه تن از چهار زنی که نامشان در کیفرخواست ذکر شده دیگر در ایران نیستند. محل اقامت احمدی خراسانی معلوم نیست و احتمال می‌رود که وی مخفی شده باشد. عبادی از ۲۱ خرداد ۱۳۸۸ در خارج از کشور به سر می‌برد، صدر در تیر ماه دستگیر و سپس در مرداد ماه ۱۳۸۸ ایران را ترک کرد، و اردلان نیز یک ماه بعد از او ایران را به قصد سوئد ترک گفت.

عبادی روز پیش از انتخابات به اسپانیا سفر کرد تا در یک کنفرانس سه روزه شرکت نماید.^{۱۳۸} هنگامی که در آنجا بود فهمید که کمی بعد از انتخابات همکاران وی در ایران دستگیر شده‌اند و آنهایی که دستگیر نشده‌اند به منظور اجتناب از حبس، مخفی گردیده‌اند. رژیم به خانواده وی اخطار کرد که در صورتی که او به ایران بازگردد دستگیر خواهد شد. در آبان ۱۳۸۸ دولت اموال شخصی وی را توقیف کرده و حسابهای بانکی وی و شوهر او را بست. مقامات خواهر و شوهر عبادی را در تلاش برای ترساندن عبادی، دستگیر کردند. در شب نخستین سالگرد انتخابات ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ تلویزیون دولتی ایران ویدیویی از شوهر عبادی در بازداشت پخش کرد که در آن وی راجع به

۱۳۵. «متن کامل کیفرخواست مدعی‌العموم علیه متهمین پرونده شکست خورده کودتای مخملی»، خبرگزاری فارس، ۱۰ مرداد ۱۳۸۸، قابل دسترسی در <http://www.farsnews.net/newstext.php?nn=8805100944> [برای دسترسی به ترجمه صفحه‌بندی شده، نگاه کنید به <http://www.iranhrdc.org/>].

۱۳۶. رک. زیرنویس ۶۵.

۱۳۷. «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با آسیه امینی» (۲۱ خرداد ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران).

۱۳۸. عبادی در بهار ۱۳۸۷ به دلیل دفاع از بهاییان و دیگر اقلیتهای مذهبی چند بار تهدید به مرگ شده بود و دولت ایران از سخنرانی او در کنفرانسهای جهانی و نشستها جلوگیری کرده بودند. نگاه کنید به «دگراندیش عالیرتبه ایرانی تهدید شد» [Top Iranian Dissident Threatened]، اخبار بی.بی.سی. [BBC NEWS]، ۱۴ آوریل ۲۰۱۰، قابل دسترسی در http://news.bbc.co.uk/2/hi/middle_east/7347047.stm؛ همچنین نگاه کنید به «مالزی سخنان برنده جایزه صلح نوبل درباره ایران را رد می‌کند» [Malaysia Scraps Nobel Laureate's Speech for Iran]، آسوشیتد پرس، ۲۲ اکتبر ۲۰۰۸، قابل دسترسی در http://www.usatoday.com/news/world/2008-10-24-2622160713_x.htm.

۳. هدف قرار دادن فعالان و مدافعان حقوق زن در دوران پس از انتخابات

همسر خود اظهارات تحقیرآمیزی ابراز داشت. وی بعد از آزادی از زندان و قبل از نمایش این تصاویر اظهار نموده بود که در زندان از وی تحت فشار و زور چنین اقاریری اخذ شده است.^{۱۳۹}

شادی صدر صبح روز ۲۶ تیر ۱۳۸۸ هنگامی که به در راه دانشگاه تهران برای شرکت در مراسم نماز جمعه به امامت آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی بود دستگیر شد. صدر به همراه گروهی از فعالان حقوق زن در خیابانی نسبتاً شلوغ پیاده در حال حرکت بودند که مردان ناشناس لباس شخصی با یک اتومبیل پژوی خاکستری به آنها نزدیک شدند. یکی از مردها به همکارانش فریاد زد که صدر را بگیرند. ابتدا صدر فکر کرد آنها به فرد دیگری اشاره می‌کنند. اما مردان او را گرفته و به داخل خودرو کشیدند. صدر به حدی شوکه شده بود که بدون هیچگونه اعتراضی داخل خودرو نشست در حالیکه همراهان او جیغ می‌کشیدند و اعتراض می‌کردند. هنگامی که صدر متوجه شد این مردها حکم جلیبی به وی نشان نداده‌اند، از اتومبیل پیاده شده و از آنها خواست مدارک شناسایی خود یا حکم جلب وی را نشان دهند. در طول درگیری، صدر توانست کمی فرار کند، اما جمعیت انبوهی در اطراف نبود تا وی بتواند خود را بین آنها پنهان کند. یکی از مردها به دنبال وی آمده و ماتنوی او را پاره کرد. صدر به دویدن ادامه داد و مأمور این بار روسری او را از سرش کشید. عاقبت مأمور صدر را گرفته و دوباره به داخل اتومبیل انداخت.^{۱۴۰}

داخل اتومبیل این سه مرد سر صدر را پایین نگاه داشتند به طوری که وی نتواند ببیند به کجا برده می‌شود. با وجود این وی متوجه شد که وی را به دفتر پیگیری در خیابان ولی عصر در مرکز تهران می‌برند که کارمندان وزارت اطلاعات ایران در آن هستند. آنها صدر را برای ۱۲ ساعت در آن اداره نگاه داشتند تا آنکه تظاهرات آن روز به پایان رسید. مردان و زنانی که در این اعتراضات دستگیر شده بودند را، مرتب در طول روز به این اداره می‌آوردند.^{۱۴۱}

صدر بعداً دریافت که مقامات از پیش نقشه کشیده بودند وی را در مسیر رفتن به نماز جمعه دستگیر نمایند. آنها مخصوصاً به دنبال وی بودند—این دستگیری برنامه‌ریزی شده بود و نه اتفاقی. وی احتمال می‌دهد که مقامات مکالمات تلفنی وی را استراق سمع کرده و از نقشه وی برای ملاقات با دیگر دوستان فعال خود در آن روز مطلع شده بودند.^{۱۴۲}

آن شب حدود ساعت ۱۰ یا ۱۱، مأموران صدر و دیگر بازداشت‌شدگان در دفتر پیگیری را به زندان اوین منتقل نمودند. آنها صدر را با دو زن دیگر در اتومبیل گذاشته و به وی اخطار کردند که در صورتیکه سر خود را بالا بیاورد، چیزی بالای سر اوست که به وی شوک الکتریکی خواهد داد.^{۱۴۳} در اوین صدر را به بند زندانیان سیاسی بردند— بند ۲۰۹— و در سلول انفرادی انداختند. مأموران عینک طبی وی را از او گرفتند. چون صدر بدون عینک خود نمی‌تواند چیزی را ببیند، حتی امور ساده از قبیل غذا خوردن و یا رفتن به دستشویی (در صورت دریافت اجازه) برای وی دشوار شده بود. صدر در اعتراض به این عمل از خوردن غذا امتناع ورزید تا عینک او را به وی بازگردانند.^{۱۴۴}

تا روز دوم یا سوم اقامت در اوین و پس از آنکه مکرراً مورد بازجویی قرار گرفت، مأموران هیچ توضیحی برای دستگیری صدر به او ارائه ندادند و هیچگونه اتهام رسمی علیه وی اعلام نکردند. یک قاضی به وی گفت که اتهام او به خطر انداختن امنیت ملی از طریق ایجاد اغتشاش است. صدر اینطور دفاع کرد:

۱۳۹. «شیرین عبادی: ما دیوار دور ایران نمی‌خواهیم» [Shirin Ebadi: "We Don't Want a Wall Around Iran"], آژانس فرانس پرس/رویتز [AFP/REUTERS]، ۱۰ مارس ۲۰۱۰، قابل دسترسی در <http://www.onlydemocracy4iran.com/2010/03/10/shirin-ebadi-we-dont-want-a-wall-around-iran/>؛ «مدال صلح نوبل شیرین عبادی به وسیله ایران گرفته شد»، اخبار بی.بی.سی، ۲۷ نوامبر ۲۰۰۹، قابل دسترسی در http://news.bbc.co.uk/2/hi/middle_east/8382008.stm. «فیلمی که پس از هشت ماه در شب ۲۲ خرداد پخش شد»، دویچه وله، ۱۱ ژوئن ۲۰۱۰، قابل دسترسی در <http://www.dw-world.de/dw/article/0,,5677039,00.html>.

۱۴۰. «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با شادی صدر» (۲۲ خرداد ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران).

۱۴۱. همان.

۱۴۲. همان.

۱۴۳. همان.

۱۴۴. همان.

خاموش کردن جنبش زنان در ایران

من به وی گفتم اگر شما واقعاً گذاشته بودید من در نماز جمعه شرکت کنم، آنوقت من اغتشاش به پا کرده بودم و شما می‌توانستید یک اتهام حقیقی به من نسبت دهید. آنها به من گفتند، خوب البته تو در فکر ایجاد اغتشاش بودی و این برای ما کافی است. به این طریق بود که فهمیدم آنها از مدتی قبل نقشه دستگیری من را می‌کشیده‌اند و این یک جریان اتفاقی و آنی نبوده است.^{۱۴۵}

قاضی مخالفت کرده و گفت که صدر در تبانی برای ایجاد یک شورش هنگام وعظ خطبه‌های نماز جمعه توسط رفسنجانی دست داشته است. وی گفت اگر صدر آن روز منزل را ترک نکرده بود، آنها مجبور نمی‌شدند وی را دستگیر نمایند، اما از آنجا که وی چنین نموده است، آنها چاره‌ای به جز دستگیری وی نداشتند. در غیر این صورت خطر سرنگونی رهبر می‌رفت.^{۱۴۶}

پس از چند روز که وی در شرایط غیربهداشتی نگاه داشته شد و دائماً مورد بازجویی قرار گرفت، مأموران به وی گفتند که او می‌تواند با گذاشتن ضمانت مالی ۵ میلیون تومانی آزاد بشود. صدر این وثیقه را گذاشت، اما آزاد سازی وی در آخرین دقایق لغو شد زیرا بازجوهای وی، او را متهم ساختند که در مورد نام کاربر و پسورد یکی از ایمیل‌های خود اطلاعات اشتباه در اختیار آنها قرار داده است. وی به یاد می‌آورد:

فکر کردم دارم آزاد می‌شوم، خیلی خوشحال بودم. دستگیر کنندگان من و یک زن دیگر را که با من دستگیر شده بود، به اطاق کوچکی در طبقه پایین بردند ... فکر کنم ما حدود دو یا سه ساعت در آن اطاق ماندیم. فردی آمد و در را باز کرد و به آن خانم پیر گفت لطفاً بیایید تا او را آزاد نماید. نیم ساعت بعد آمد و به من گفت لطفاً دنبال من بیا. اما به جای آنکه مرا آزاد کنند مجدداً من را به طبقه فوقانی بردند. من پرسیدم چه خبر شده. آنها گفتند بازجویی تو هنوز تمام نشده. برای پنج دقیقه خشکم زد و گذاشتم آنها مرا کشان کشان به سلول بازگردانند. سپس بعد از پنج دقیقه، به شدت خشمگین شدم، واقعاً عصبانی بودم. مقررات بند ۲۰۹ این است که زندانیان نباید سروصدا کنند، اما من آن را نادیده گرفته و شروع به جیغ زدن کردم. به دیوار مشت می‌زدم و بد و بیراه می‌گفتم. هنگامی که زندانیان به من گفت که ساکت شوم، گفتم هر چه می‌خواهی بکن! اهمیتی ندارد. افراد دیگر حاضر در بند همه حیران بودند که مرا به بند باز گردانده‌اند زیرا معمولاً چنین اتفاقی نمی‌افتد. احساس می‌کردم این نوعی شکنجه روحی بود.^{۱۴۷}

صدر نهایتاً صبح زود روز چهارشنبه ۷ مرداد ۱۳۸۸ از زندان آزاد شد. چند روز بعد، صبح زود یکی از دوستان او به وی تلفن کرد تا بگوید روزنامه کیهان کیفرخواستی را چاپ نموده که واضحاً می‌گوید صدر رهبر زیرمجموعه زنان است که یک «انقلاب مخملی» را هدایت می‌کنند. صدر شگفت‌زده شد. این اتهامات خیلی جدی بودند و در ایران می‌توانستند مجازات مرگ به همراه داشته باشند. وی واکنش خود به این کیفرخواست را اینگونه تعریف می‌کند:

آن شب من مشغول تماشای تلویزیون بودم و گزارشی خبری درباره این کیفرخواست پخش شد. دیدم که اعترافات [محمد علی] ابطحی و نیز اعترافات چند تن دیگر را پخش کردند. در آن هنگام تازه متوجه شدم. دیگر شکی نداشتم که مقامات دولتی قصد داشتند مرا نیز به همان جرایم متهم نمایند و به زندان باز گردانده تا تحت فشار و شکنجه از من اعترافات اجباری بگیرند و بر علیه خودم و جنبش زنان اعتراف کنم. من نمی‌خواستم چنین اتفاقی بیفتد. تصمیم گرفتم ایران را ترک کنم. ۴۸ ساعت بعد در خاک ترکیه بودم.^{۱۴۸}

صدر به ایران باز نگشته است زیرا می‌داند که امنیت خود و خانواده خود را نمی‌تواند تضمین کند. وی هنوز هیچ تاریخی

۱۴۵. همان.

۱۴۶. همان.

۱۴۷. همان.

۱۴۸. همان.

۳. هدف قرار دادن فعالان و مدافعان حقوق زن در دوران پس از انتخابات

برای زمان برگزاری دادگاه برای دستگیری تیرماه خود، دریافت نکرده است.^{۱۴۹}

دستگیری صدر بلافاصله پس از انتخابات اثر وحشتزایی بر دیگر فعالان حقوق زنان داشت. محبوبه عباسقلی زاده، روزنامه‌نگار و یکی از اعضای اصلی کمپین قانون بی‌سنگسار^{۱۵۰} که در روز ۱۳ اسفند ۱۳۸۵ به همراه صدر دستگیر و بازداشت گردیده بود، به یاد می‌آورد هنگامی که صدر دستگیر گردید، وی چگونه احساس دلشوره و نگرانی می‌کرد.^{۱۵۱} آسیه امینی، فعال برجسته حقوق زنان و دوست صمیمی و همکار سابق صدر تعریف می‌کند:

پس از آنکه [شادی صدر دستگیر شد] ما کمی ترسیده بودیم و تصمیم گرفتیم نسبت به ارتباطات خود با یکدیگر کمی محتاطانه‌تر رفتار کنیم—ما نمی‌خواستیم رادار مقامات صدای ما را دریافت کرده و برنامه‌های ما را استراق سمع کنند.^{۱۵۲}

پروین اردلان، یکی دیگر از پنجاه مؤسس اصلی کمپین یک میلیون امضاء، از مؤسسين مرکز فرهنگی زنان و سردبیر وبسایت تغییر برای برابری، در ابتدا از اینکه کیفرخواست اول، به غلط او را دختر علی اردلان، رهبر جبهه ملی ایران معرفی کرده بود، خنده‌اش گرفته بود. با این حال او می‌دانست که کیفرخواست مزبور نشان می‌دهد دستگیری و بازداشت فعالان بیشتری در راه است و بنابراین به کار خود ادامه داد، اما با احتیاط بیشتر. او معمولاً تلفن همراه خود را خاموش نگاه می‌داشت و تلفن منزل را پاسخ نمی‌داد مگر آنکه قبلاً درباره آن مکالمه تلفنی به وی ایمیل کرده باشند.^{۱۵۳}

به هر حال، وضعیت سلامت اردلان به دلیل کسالتی که از پیش وجود داشت بدتر شد و وی برای انجام معالجات پزشکی در شهریور ۱۳۸۸ ایران را به قصد سوئد ترک گفت. او معتقد بود که دولت ایران این کیفرخواست را برای ترساندن فعالان صادر نموده است، اما همچون سرکوبهای گذشته، زندگی پس از چند ماه به روال سابق خود باز می‌گردد. اما پزشکان معالج به وی اخطار نمودند که وضعیت پر استرس در ایران برای سلامت وی مضر خواهد بود و به وی توصیه نمودند که فعلاً در سوئد بماند.^{۱۵۴}

۳.۲. دستگیری دیگر فعالان حقوق زنان

دولت در تلاش برای خاموش ساختن صدای دیگر فعالان حقوق زنان و نابود کردن این جنبش، آنها را گروه گروه دستگیر و بازداشت کرد. جلسات بازجویی آشکار ساخت که این دستگیریها و بازداشتها حداقل تا حدی تلاش حکومت برای جمع‌آوری اطلاعات درباره رهبران جنبش و عملکرد ایشان است.^{۱۵۵} دو ارتباطی که در کیفرخواست ذکر شده بود — یعنی

۱۴۹. همان.

۱۵۰. «قانون بی‌سنگسار» کمپینی است که در مهر ۱۳۸۵ آغاز شد و تلاش کرد تا سنگسار را به عنوان مجازات زنا محصنه برای زنان و مردان از قوانین ایران لغو نماید. نگاه کنید به سهیلا وحدتی «سنگسار را در ایران متوقف سازید، اما موضوع را قاطی نکنید» [Stop Stoning in Iran, But Don't Confuse the Issue]، جهان [THE WORLD]، ۴ ژانویه ۲۰۰۷، قابل دسترسی در <http://www.womensnews.org/story/the-world/070104/stop-stonings-iran-dont-confuse-the-issue>

۱۵۱. «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با محبوبه عباسقلی زاده» (۱۵ تیر ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران).

۱۵۲. «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با آسیه امینی» (۲۱ خرداد ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران).

۱۵۳. «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با پروین اردلان» (۶ ژوئیه ۲۰۱۰) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران). برای اردلان عجیب بود که مراحل نوشتن این کیفرخواست آنقدر با عجله انجام شده بودند که چنین اشتباه ناشایسته و فاحشی در آن وجود داشت. این نخستین بار نبود که رژیم ایران چنین اتهامات بی اساسی را به وی زده بود؛ وی در گذشته متهم به عضویت در ساواک، سازمان اطلاعات و امنیت محمد رضا پهلوی، شده بود حال آنکه وی در زمان انقلاب کودکی خردسال بود.

۱۵۴. همان. در سال ۱۳۸۷ اردلان برای دو سال ممنوع‌الخروج شد و از سفر به استکهلم برای دریافت جایزه اولاف پالمه که برای فعالتهای وی در زمینه حقوق زنان در ایران به وی اهدا می‌شد منع شد. پس از رفع ممنوعیت، وی در شهریور ۱۳۸۸ پاسپورت خود را دریافت کرد.

۱۵۵. «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با آیدا سعادت» (۲۶ فروردین ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران)؛ «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با پریسا کاکایی» (۲۵ فروردین ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران)؛ «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با تانیا احمدی کلیجی» (۳۰ فروردین ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران)؛ «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با آسیه امینی» (۲۱

خاموش کردن جنبش زنان در ایران



وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران قدرتمندترین نهاد در سیستم امنیتی ایران می‌باشد. این وزارتخانه در سال ۱۳۶۳ به منظور تحت نظر گرفتن تهدیدهای داخلی و خارجی تشکیل شد اما در دهه‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ با انجام عملیات ترور و قتل در سراسر جهان، قتل‌های زنجیره‌ای دگراندیشان ایرانی در اواخر دهه ۱۳۷۰، و سرکوب سازمانهای غیردولتی و اختناق و سرکوب حقوق مدنی و آزادیها در ایران، سوء شهرت یافت. یکی از وظایف این نهاد تحت نظر قرار دادن و حمله به فعالان حقوق زنان در ایران است. این گروه از مأموران که به «تیم زنان» معروف هستند، مسئول جمع‌آوری اطلاعات درباره فعالان زن و احضار، دستگیری، و بازجویی از آنها در هنگام بازداشت می‌باشند.

بین جنبش حقوق زنان و قدرتهای خارجی یا احزاب سیاسی مخالف - در بازجویی‌هایی که فعالان بازداشتی متحمل شدند، منعکس شدند. بازجوها مکرراً و مصرانه ادعا می‌کردند که پیوندهایی میان فعالان و قدرتهای خارجی، احزاب سیاسی چپ، یا گاهی اوقات هردو، وجود دارد.

اما این بار سرکوب جنبش زنان به طرز چشمگیری از سرکوبهای سال ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، و ۱۳۸۷ که در درجه اول بر رهبری تکیه می‌کردند، فراتر رفت. این بار زنانی که از خیابانها گزارش تهیه می‌کردند هدف خشونت قرار گرفتند. و کلای ایرانی که همیشه دفاع از فعالان حقوق زنان را بر عهده می‌گرفتند نیز دستگیر شدند. موارد ذیل، نمونه‌هایی از این قبیل هستند.

شیوا نظر آهاری

شیوا نظر آهاری، فعال با تجربه حقوق زنان و از مؤسسين کمیته گزارشگران حقوق بشر،^{۱۵۶} در روز ۲۴ خرداد ۱۳۸۸، بدون هیچگونه حکم جلبی دستگیر شد. مادر وی گزارش می‌دهد که وی به دنبال صدور نامه مرتضوی دستگیر گردید.^{۱۵۷} بازجویان وی را مجبور ساختند به اعضاء کمیته گزارشگران حقوق بشر تلفن کرده و در حالیکه بازجوها به مکالمه گوش می‌دادند، از آنها بخواهد تا سایت این کمیته را ببندند. وی پس از گذاشتن وثیقه‌ای سنگین، در روز ۱ مهر ۱۳۸۸ آزاد شد.^{۱۵۸}

وی بار دیگر در ۲۹ آذر ۱۳۸۸ به همراه محبوبه عباسقلی‌زاده و ژیلای بنی یعقوب در حالیکه در اتوبوسی سوار بودند که به سوی مراسم تشییع جنازه آیت‌الله منتظری در قم می‌رفت، دستگیر شدند. مأموران امنیتی فهرستی از افراد هدف قرار گرفته داشتند و او و عباسقلی‌زاده را برای ترتیب دادن این سفر با اتوبوس مورد مؤاخذه قرار دادند، به طوریکه عباسقلی‌زاده باور کرد که آنها مکالمات تلفنی ایشان را کنترل کرده‌اند. وی به خاطر دارد که پس از انتخابات، اکثر خانمهای فعالی که از دوستا او بودند می‌گفتند مکالمات تلفنی آنها شنود می‌شود. مأموران محبوبه عباسقلی‌زاده، شیوا نظر آهاری، و ژیلای بنی یعقوب را به داخل اتومبیلی بردند. بنی یعقوب بلافاصله آزاد شد، اما نظر آهاری و عباسقلی‌زاده را با اتومبیل به زندان اوین بردند.^{۱۵۹}

خرداد ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران)؛ «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با شادی صدر» (۲۳ خرداد ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران)؛ «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با پروین اردلان» (۱۵ تیر ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران)؛ «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با محبوبه عباسقلی‌زاده» (۱۵ تیر ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران).

۱۵۶. کمیته گزارشگران حقوق بشر گروهی مستقل، دیده‌بان و گزارشگر حقوق بشر است که در سال ۱۳۸۴ پایه‌گذاری شد. نگاه کنید به <http://www.chrr.biz>

۱۵۷. «بلا تکلیفی شیوا نظر آهاری پس از نزدیک به یک سال حبس»، کمیته گزارشگران حقوق بشر، ۲۲ تیر ۱۳۸۹، قابل دسترسی در <http://www.chrr.biz/spip.php?article10180>. «شیوا نظر آهاری، از کودکی تا هفت ماه در زندان»، کمیته گزارشگران حقوق بشر، ۱۰ خرداد ۱۳۸۹، قابل دسترسی در <http://www.chrr.biz/spip.php?article10247>

۱۵۸. «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با پریسا کاکایی» (۲۵ فروردین ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران). «مادر شیوا نظر آهاری: دخترم اتهاماتی که علیه او مطرح شده را رد کرده است» [Shiva Nazar Ahari's Mother: "My Daughter Has Denied" the Charges Against Her]، صدای سبز آزادی، ۲۸ آوریل ۲۰۱۰، قابل دسترسی در <http://en.irangreenvoice.com/article/2010/04/28/2010-04-28-iran-imprisoned-activist-shiva-nazar-ahari-to-go-on-trial-for-acts-against-national-security> [Iran: Imprisoned Activist Shiva Nazar Ahari to Go on Trial for 'Acts Against National Security']، فعال زندانی، شیوا نظر آهاری قرار است به جرم اقدام علیه امنیت ملی محاکمه شود [Shiva Nazar Ahari to Go on Trial for 'Acts Against National Security']، انجمن حقوق در حال گسترش زنان [FOR WOMEN'S RIGHTS IN DEVELOPMENT]، ۲۰ مه ۲۰۱۰، قابل دسترسی در <http://www.awid.org/Issues-and-Analysis/Library/Iran-Imprisoned-activist-Shiva-Nazar-Ahari-to-go-on-trial-for-acts-against-national-security>

۱۵۹. «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با محبوبه عباسقلی‌زاده» (۱۵ تیر ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران).

۳. هدف قرار دادن فعالان و مدافعان حقوق زن در دوران پس از انتخابات

اگرچه عباسقلی زاده در عرض ۲۴ ساعت آزاد شد، اما نظر آهاری هنوز در زندان به سر می‌برد. تماس وی با جهان خارج مرتباً قطع شده و گزارشهای کمی درباره وضعیت بازداشت وی در دست است. در بهمن ماه ۱۳۸۸ مقامات به نظر آهاری اجازه دادند مکالمه تلفنی ۳۰ ثانیه‌ای با خانواده خود داشته باشد که طی آن وی به آنها گفت او را به یک سلول انفرادی که مانند قفس می‌ماند انتقال داده‌اند که در آن به سختی جایی برای حرکت دادن آزادانه دستها و پاها وجود دارد.^{۱۶۰}

طی جلسات بازجویی در زندان اوین در ماه‌های دی و بهمن ۱۳۸۸، پریسا کاکایی، از همکاران نظر آهاری در کمیته گزارشگران حقوق بشر، متوجه شد که نظر آهاری برای مدت‌های طولانی قادر نخواهد بود زندان اوین را ترک کند. کاکایی تعریف می‌کند:

علوی [بازجوی من] پرونده شیوا را جلوی من گذاشت و من دیدم که روی پرونده نوشته بود «اشد مجازات». این حتماً به معنای اعدام نیست بلکه به این معناست که می‌توانند حداقل او را ده سال زندانی کنند.^{۱۶۱}

آخرین گزارشها دلالت بر آن دارد که اگرچه اتهامات رسمی نظر آهاری به وی اعلام شده (از جمله این اتهام که وی عضو سازمان مجاهدین خلق می‌باشد)، اما محاکمه وی که تاریخ آن ۲ خرداد ۱۳۸۹ اعلام شده بود، به تعویق افتاده و هنوز تاریخی برای آن مشخص نگردیده است. نظر آهاری روز ۲۱ شهریور ۱۳۸۹ با تودیع وثیقه ۵۰۰ میلیون تومانی آزاد شد.^{۱۶۲}

محبوبه عباسقلی زاده

محبوبه عباسقلی زاده یکی از سه فعال حقوق زنان است که در ۲۹ آذر ۱۳۸۸، در اتوبوسی که به سمت مراسم تشییع آیت‌الله منتظری می‌رفت، دستگیر گردید. بازجویی که علوی نامیده می‌شد به وی گفت که فیلم‌های او را دیده است—مقصود نوار مصاحبه‌هایی است که عباسقلی زاده با نظر آهاری و مادر سهراب اعرابی انجام داد.^{۱۶۳}

هنگامی که عباسقلی زاده و نظر آهاری به زندان اوین رسیدند، آنها را از یکدیگر جدا کردند و عباسقلی زاده را همه روز مورد بازجویی قرار دادند. آن شب پس از آزاد شدن، بازجویان عباسقلی زاده به او تلفن کرده و وی را تهدید نمودند، بنابراین او هم سیم کارت تلفن همراه خود را درآورد. در اوایل دی ۱۳۸۸، عباسقلی زاده در منزل یکی از دوستان خود مخفی شد تا مجدداً دستگیر نشود. اما مأموران به جستجوی خانه وی پرداخته و کامپیوتر وی را با خود بردند. عباسقلی زاده می‌دانست اگر مقامات، اطلاعاتی که بر کامپیوتر وی وجود دارد را بخوانند، وی دوباره دستگیر خواهد شد، بنابراین تصمیم گرفت پیش از آنکه این مطالب کشف شود، از ایران فرار کند:

دیگر واقعاً خسته شده بودم. خسته از آزار و اذیت، خسته از خفقان و سرکوب، خسته از دلکک‌بازیهای وزارت اطلاعات. در عجب بودم که چرا در ایران مانده‌ام—دیگر حتی نمی‌توانستم فعال باشم، تمام ما فعالان زن مخفی شده

۱۶۰. «افزایش فشار بر شیوا نظر آهاری و انتقال او به سلول شبیه قفس»، کمیته گزارشگران حقوق بشر، ۲۵ بهمن ۱۳۸۸، قابل دسترسی در <http://www.chrr.us/spip.php?article8435>.

۱۶۱. «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با پریسا کاکایی» (۲۵ فروردین ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران).

۱۶۲. «ایران: فعال زندانی، شیوا نظر آهاری قرار است به جرم اقدام علیه امنیت ملی محاکمه شود» [Iran: Imprisoned activist Shiva Nazar *acts against national security*], زنانی که تحت قوانین اسلام زندگی می‌کنند، ۲۶ مه ۲۰۱۰، قابل دسترسی در <http://www.wluml.org/node/6310>؛ «شیوا نظر آهاری آزاد شد»، خبرگزاری حقوق بشر ایران، ۲۱ شهریور ۱۳۸۹، قابل دسترسی در <http://www.rahana.org/archives/24839>.

۱۶۳. عباسقلی زاده مصاحبه‌ای چند قسمتی با نظر آهاری در دسامبر ۲۰۰۹ درباره دوران زندان نظر آهاری پس از انتخابات خرداد ماه را به صورت فیلم درآورد. نگاه کنید به «فایل ویدیویی: شیوا از سرکوب برمی‌خیزد»، دسامبر ۲۰۰۹، قابل دسترسی در <http://www.youtube.com/watch?v=YHOP-of3iOk&feature=related>. عباسقلی زاده همچنین با پروین فهیمی، مادر سهراب اعرابی که در تظاهرات پس از انتخابات به قتل رسید، درباره مرگ پسرش مصاحبه کرده است. نگاه کنید به «فایل ویدیویی: پروین فهیمی هنوز می‌پرسد»، نوامبر ۲۰۰۹، قابل دسترسی در <http://www.youtube.com/user/jensedigar#p/u/8/s5vd2gOxZM0>. «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با محبوبه عباسقلی زاده» (۱۵ تیر ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران).

خاموش کردن جنبش زنان در ایران

بودیم و دیگر نمی‌توانستیم مانند سابق با یکدیگر ملاقات کنیم. در آن هنگام تصمیم گرفتیم ایران را ترک کنیم.^{۱۶۴}

وی بعداً دریافت که بازجوها از دستگیرشدگان درباره وی پرسیده‌اند و به آنها گفته‌اند که از محل فعلی وی مطلعند. آنها ادعا نمودند که وی عضو سازمان مجاهدین خلق است و اینکه اگر او را پیدا کنند به وی آسیب خواهند رساند. وی معتقد است که دیگر نمی‌تواند به ایران بازگشته و در امان باشد.^{۱۶۵}

ژیلا بنی‌یعقوب

ژیلا بنی‌یعقوب، روزنامه‌نگار ایرانی و فعال حقوق زنان که دارای شهرت جهانی است،^{۱۶۶} پس از آنکه در ۲۹ آذر ماه از اتوبوس به زور پیاده شد، بلافاصله آزاد شد. اما در روز ۳۰ خرداد ۱۳۸۸ وی به همراه شوهر خود بهمن احمدی عمویی دستگیر کردند. بنی‌یعقوب دو ماه بعد با قرار وثیقه آزاد شد اما حکم پنج سال حبس شوهر او در مرحله استیناف، تأیید شد و در حال حاضر وی در بند ۳۰۵ اوین زندانی خود را سپری می‌کند.^{۱۶۷}

بنی‌یعقوب احساس امنیت نمی‌کرد و نمی‌توانست عقاید خود را آزادانه بیان نماید. وی در نامه‌ای خطاب به رئیس قوه قضاییه ایران نوشت که چگونه دستگیری وی بر آزادی بیان عقاید او تأثیر گذاشته:

اکنون در حدود ۷۰ روزنامه‌نگار در زندان‌های جمهوری اسلامی ایران به سر می‌برند و بسیاری دیگر مانند من با قرار وثیقه آزاد شده‌اند و هیچگونه امنیتی ندارند. ما وحشت داریم که هرچه که بنویسیم ممکن است به عنوان مدرکی برای «تبلیغ علیه نظام» یا «تبانی علیه امنیت ملی» استفاده شود. من و همکارانم سعی می‌کنیم تا حد امکان کم‌مطلب بنویسیم.^{۱۶۸}

تانیا احمدی کلیجی

تانیا احمدی کلیجی، وبلاگ‌نویس و فعال حقوق زنان، از تظاهرات پس از انتخابات عکس گرفته و گزارشهایی توزیع کرد. وی سیم کارتهای تلفن همراه خود را مرتب عوض می‌کرد تا از کنترل دولت در امان بماند. با این حال در مرداد ۱۳۸۸ مأموران وی را در آپارتمان او در تهران دستگیر کرده و جزوات مربوط به اصلاح‌طلبان را توقیف نمودند. آنها برای سه روز وی را در اطاق کوچکی در حبس انفرادی نگاه داشتند و برای هفت تا هشت ساعت شدیداً از او بازجویی می‌کردند. احمدی کلیجی معتقد است آنها به دنبال به دست آوردن رابطهای وی بودند.^{۱۶۹}

پس از آزادی، مأموران باتماس تلفنی و ارسال پیامک بر تلفن همراه او را تهدید می‌کردند. احمدی کلیجی حتی می‌ترسید در خیابان تنها راه برود، اما با وجود این فعال باقی ماند. در دی ماه ۱۳۸۸ مأموران لباس شخصی مجدداً وی را بدون داشتن حکم جلب دستگیر کردند. آنها وی را صبح زود روز بعد بدون اعلام هیچگونه جرمی آزاد کردند. بدن وی مجروح و خون‌آلود بود. کسی نبود او را به منزل ببرد و او سعی کرد جلوی ماشینی را بگیرد. احمدی کلیجی بر اساس محلی که او را در آن رها کرده بودند معتقد است که در وزارت کشور نگاه داشته شده بود.^{۱۷۰}

۱۶۴. همان.

۱۶۵. همان.

۱۶۶. بنی‌یعقوب به عنوان سردبیر وبسایت کانون زنان ایرانی بود و در سال ۱۳۸۸ جایزه شجاعت در روزنامه‌نگاری را از آن خود نمود.

۱۶۷. احمدی عمویی در اسفند ۱۳۸۸ موقتاً آزاد شد تا نوروز را در کنار خانواده خود بگذراند اما در ۹ خرداد ۱۳۸۹ به اوین فراخوانده شد. نگاه کنید به نوشته‌های ژيلا بنی‌یعقوب بر وبلاگ خود درباره زندانی شدن و آزادی موقت وی، «نوشته‌های ژيلا بنی‌یعقوب»، قابل دسترسی در <http://www.zhila.org/spip.php>

۱۶۸. «ایران: روزنامه‌نگاران در تنگنا»، سازمان عفو بین‌الملل، ۳۰ آوریل ۲۰۱۰، <http://www.amnesty.org/en/news-and-updates/iran-journalists-under-siege-2010-04-30>

۱۶۹. «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با تانیا احمدی کلیجی» (۳۰ فروردین ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران).

۱۷۰. همان.

۳. هدف قرار دادن فعالان و مدافعان حقوق زن در دوران پس از انتخابات

چند هفته پس از این دستگیری، احمدی کلیجی احضاریه‌ای برای حضور در دادگاه شعبه سپهبد قرنی دریافت نمود، شعبه‌ای که او معتقد است مخصوص رسیدگی به جرائم قتل می‌باشد. احمدی کلیجی که نگران جان خود بود در بهمن ماه به ترکیه گریخت. اما بازجوها با وجود این مرتباً به خانواده او تلفن می‌کنند و خواستار بازگشت وی به ایران هستند.^{۱۷۱}

آسیه امینی

آسیه امینی، فعال حقوق زنان، روزنامه‌نگار، و شاعر تحسین برانگیز، از اعضای اصلی کنشگران بود، سازمانی غیردولتی که از جامعه مدنی ایران پشتیبانی می‌کند.^{۱۷۲} این سازمان در نخستین کیفرخواست به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های اصلی سازمانهای غیردولتی ذکر گردیده بود که ادعا می‌شد هدفشان انقلاب مخملی علیه جمهوری اسلامی است.^{۱۷۳}

امینی در تظاهرات پس از انتخابات ۲۲ خرداد در تهران شرکت کرد. بسیاری از دوستان وی که روزنامه‌نگار و فعال مدنی بودند دستگیر شدند. یک روز صبح جمعه اوایل مرداد یکی از دوستان خانوادگی وی تلفن کرده و گفت از یک تلفن عمومی در نزدیکی خانه امینی تماس می‌گیرد و اجازه خواست تا به منزل امینی بیاید. امینی شخصاً آن زن را نمی‌شناخت اما می‌دانست که وی از دوستان خانواده وی می‌باشد، بنابراین پذیرفت. آن زن به امینی گفت که دو هفته وی در زندان بوده و همان روز از زندان آزاد شده است. او مخفیانه به منزل امینی آمده بود تا شخصاً وی را از خطر آگاه سازد. او به امینی گفت وی را در بند زنان زندان اوین محبوس کرده بودند و هنگامی که در آنجا بوده از وی و بسیاری از زنان زندانی دیگر مکرراً راجع به امینی بازجویی کرده‌اند. بازجوها راجع به امینی و رابطه او با آن زن پرسیدند. آن زن گفت او نمی‌دانست چرا بازجوها اینقدر راجع به امینی حساسیت نشان می‌دادند و اینکه آنها راجع به زنان فعال دیگر نیز سؤال می‌کردند—مانند شیرین عبادی و شادی صدر. آن زن به امینی توصیه کرد که منزل خود را ترک کند یا به احتمال قریب به یقین دستگیر خواهد شد.^{۱۷۴}

امینی برای مدتی تهران را ترک کرد اما به زودی بازگشت. در روز ۱۰ مرداد ۱۳۸۸، کیفرخواستی که از کنشگران به عنوان عاملی اصلی در «انقلاب مخملی» نام برده بود در اولین محاکمه فرمایشی خوانده شد. امینی حیرت زده شد—«جرمهایی» که در کیفرخواست مورد بحث قرار گرفته بودند کوچکترین ارتباطی با واقعیات نداشتند. در نظر وی «درست به این می‌ماند که آنها یک نمایشنامه تخیلی نوشته‌اند و حال به دنبال بازیگران آن می‌گردند».^{۱۷۵}

امینی می‌دانست که باید هرچه زودتر به همراه فرزند خود ایران را ترک کند. وی تصمیم گرفت دعوتنامه‌ای که برای

۱۷۱. همان.

۱۷۲. «کنشگران» خلاصه «کنشگران داوطلب»، همان مرکز آموزش و تحقیقات سازمانهای جامعه مدنی ایران می‌باشد. «کنشگران» در سال ۱۳۸۱ برای پشتیبانی و افزایش توانایی سازمانهای جامعه مدنی ایران، ارتقاء سطح دسترسی به اطلاعات، ارتقاء بهبود وضعیت زنان و کودکان در ارتباط با اهداف ترقی خواهانه این هزاره، و افزایش سطح آگاهی عمومی در ایران درباره حقوق بشر تأسیس شد. در اسفند ۱۳۸۵، نیروهای امنیتی ایران «کنشگران» را تعطیل نموده، حسابهای بانکی آن را مسدود کرده و اسناد و تجهیزات کامپیوتری آن را ضبط کردند. نگاه کنید به «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با آسیه امینی» (۲۱ خرداد ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران)؛ همچنین نگاه کنید به «ایران: سازمان عفو بین‌الملل خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط سهراب رزاقی است» [Sohrab Razzaghi]، سازمان عفو بین‌الملل، ۱۶ نوامبر ۲۰۰۷، قابل دسترسی در http://www.amnesty.ca/resource_centre/news/view.php?load=arcview&article=۴۱۱۸&c=Resource+Centre+News

۱۷۳. کیفرخواست مزبور در قسمت مربوطه اظهار می‌کرد: «بازوی اجرایی این پروژه یعنی کودتای مخملی دارای شش زیرمجموعه می‌باشد. [...] NGOها؛ این زیرمجموعه در دوره دولت اصلاحات از اهمیت خاصی برخوردار شد. غرب به این نتیجه رسیده بود که باید NGOها در ایران گسترش پیدا کنند و به دنبال این بود که ضعف آنان از نظر منابع انسانی، مالی و مدیریتی نیز تأمین شود. به همین دلیل موسساتی تأسیس شد که بیشتر آن در هلند بود. وظیفه این موسسات این بود که به NGOهای ایرانی خدمات آموزش پرسنل، آموزش جمع آوری پول از خارج کشور و ... را بدهند. دو NGO برجسته در کشور با نامهای کنشگران به مدیریت سهراب رزاقی (مدیر NGOها در وزارت کشور دوره اصلاحات) که مبلغ دو میلیون یورو بودجه از موسسات هلندی دریافت کرد و موسسه همیاران با مدیریت باقر نماز [هستند]». نگاه کنید به «متن کامل کیفرخواست مدعی‌العموم علیه متهمین پروژه شکست خورده کودتای مخملی»، خبرگزاری فارس، ۱۰ مرداد ۱۳۸۸، قابل دسترسی در <http://www.farsnews.net/newstext.php?nn=8805100944> [برای دسترسی به ترجمه صفحه‌بندی شده، نگاه کنید به <http://www.iranhrdc.org/>].

۱۷۴. «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با آسیه امینی» (۲۱ خرداد ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران).

۱۷۵. همان.

خاموش کردن جنبش زنان در ایران

سخنرانی در سوئد دریافت کرده بود را قبول کند اما برنامه خود را بر مبنای بازگشت به ایران تنظیم کرد. اما او ایمیلی از یکی از دوستان خود دریافت داشت که به وی اخطار می‌کرد تحت هیچ شرایطی نباید به ایران باز گردد. دوست مزبور طی بازجوییها مطالبی شنیده بود که نشانگر آن بود که اگر امینی به ایران باز گردد دچار مشکل خواهد شد. امینی تا کنون به ایران باز نگشته است.^{۱۷۶}

آیدا سعادت

آیدا سعادت، یکی از فعالان با سابقه حقوق زنان، در آبان ۱۳۸۸ به طرز وحشیانه‌ای مورد حمله و تهدید وحشیانه مردان ناشناس لباس شخصی قرار گرفت. وی از ملاقات پدر بیمار خود، به خانه باز می‌گشت که دو مرد وسط یکی از خیابانهای تهران سر راه او را گرفته و وی را مضروب ساخته به او گفتند باید فعالیتهای خود را متوقف سازد در غیر اینصورت عواقب بدی خواهد داشت. سعادت در تابستان به سازماندهی گروه مادران عزادار کمک کرده بود و شخصاً پرونده‌ای را که حاوی اسناد وقوع تجاوز در زندان بود را به مهدی کروبی، رئیس اصلاح‌طلبان داده بود. سعادت متوجه شد که این مردها دقیقاً می‌دانستند او چه کسی است—آنها به وی گفتند که این ضرب و شتم فقط یک اخطار است و دفعه آینده آنها وی را همان جایی خواهند فرستاد که آن «هشت تایی دیگر» رفتند. وی می‌دانست که این اشاره‌ای صریح به هشت تن قربانیان تجاوز است که وی پرونده آنها را به کروبی داده بود.^{۱۷۷}

این نخستین بار نبود که مقامات سعی داشتند سعادت را بترسانند تا فعالیتهای خود را متوقف سازد. در شهر زادگاه خود، قزوین، سعادت با سازمانهای غیردولتی درباره موضوع حقوق کودکان کار می‌کرد و کمک نمود تا کارگاههایی درباره تبعیض جنسی تشکیل شوند. وی در سال ۱۳۸۶ به تهران نقل مکان نمود و در یک بانک استخدام شد. پس از آنکه وی را به خاطر فعالیتهای او در زمینه حقوق زنان، از بانک اخراج نمودند، وی شغلی در زمینه روابط اجتماعی در یک کارخانه بازیافت پیدا کرد.^{۱۷۸}

هنگامی که سعادت به تهران نقل مکان نمود در کمپین یک میلیون امضاء شروع به فعالیت کرد. وی در خیابانهای تهران به تبلیغ پرداخته و با مردم درباره حقوق زنان سخن گفته و در حمایت از دادخواست کمپین برای اصلاح قوانین تبعیض آمیز علیه زنان، امضاء جمع آوری می‌کرد. وی همچنین نوشتن و ارسال مطلب به وبسایت کمپین به نام «تغییر برای برابری» را آغاز نمود.^{۱۷۹}

در روز ۲۳ خرداد ۱۳۸۷ وی به دلیل کمک به برگزاری تظاهرات آرام به مناسبت روز همبستگی زنان ایران، در بیرون گالری راه ابریشم در تهران دستگیر شد. هشت زن دیگر نیز در آن روز دستگیر شدند، از جمله اعضای برجسته کمپین، ژیلای بنی یعقوب و جلوه جواهری.^{۱۸۰} بازجوها سعادت و زنان را تحت بازجوییهای دراز مدت قرار دادند و زنان دیگر را آزاد کردند. سعادت نگران بود مجبور شود در زندان بماند زیرا خانواده او در تهران نبودند و او نیز خود قادر نبود وثیقه سنگینی برای رهای خود بگذارد. نهایتاً با گرو گرفتن شناسنامه وی به جای وثیقه، او را آزاد نمودند. محاکمه وی دو ماه بعد برگزار گردید. وی به اخلال در نظم عمومی و عدم فرمانبرداری از نیروی انتظامی متهم شده بود، اما در آبان ۱۳۸۸ از تمام این اتهامات تبرئه شد.^{۱۸۱}

۱۷۶. همان.

۱۷۷. «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با آیدا سعادت» (۲۶ فروردین ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران).

۱۷۸. همان.

۱۷۹. همان.

۱۸۰. همان؛ همچنین نگاه کنید به «نه فعال حقوق زنان چند ساعت پس از دستگیری آزاد شدند» [Nine Women's Rights Activists Released] <http://www.we-change.org/english/spip>. قابل دسترسی در ۱۲ ژوئن ۲۰۰۸، برابر برای برابری، ۱۲ ژوئن ۲۰۰۸، قابل دسترسی در <http://www.we-change.org/english/spip>.

۱۸۱. «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با آیدا سعادت» (۲۶ فروردین ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران).

۳. هدف قرار دادن فعالان و مدافعان حقوق زن در دوران پس از انتخابات

در مهر ماه ۱۳۸۸، سعادت تماسهای تلفنی تهدیدآمیزی دریافت می کرد که از وی می خواست خود را به دادگاه معرفی نماید. وی از این کار امتناع می ورزید مگر آنکه احضاریه رسمی به خانه او ارسال شود. در آبان ماه سعادت به همراه پریسا کاکایی، شیوا نظرآهاری و دیگران رسماً به دادگاه انقلاب تهران احضار شد. دادگاه سعادت را شدیداً در باره ارتباط او با جنبش زنان و دیگر فعالان زن مورد بازجویی قرار داد. روز پس از بازجویی، وی مجدداً از کار اخراج شد. رئیس او اعتراف نمود که از نحوه کار او رضایت داشته است اما گفت که مقامات رسمی امنیتی وی را تهدید نموده و دستور داده اند که سعادت را اخراج کند.^{۱۸۲}

نیروهای امنیتی سعادت را از نزدیک زیر نظر داشتند؛ بازجوها روزی پنج یا شش بار به وی تلفن کرده و نیز با اعضاء خانواده او تماس گرفته می خواستند تا رفت و آمدهای او را زیر نظر داشته باشند. او احساس کرد که مأموران از نزدیک خانه او را زیر نظر گرفته اند و یک خودروی امنیتی او را تعقیب می کند. سعادت از ترس یک دستگیری دیگر مخفی شده و برای یک ماه در منزل دوستان خود ماند. او از پسر خود جدا شده و مجبور بود مخفیانه به دیدن پدر بیمار خود برود، بدون اینکه توجه مقامات را جلب کند.^{۱۸۳}

یک شب مقامات به پدر و مادر سعادت تلفن کرده و گفتند می دانند سعادت کجا مخفی شده و به آنها گفتند این پیغام را به او برسانند که وی باید خود را به آنها معرفی کند. سعادت که از این وضعیت بی ثبات خسته شده بود، خود را به آنها معرفی نمود. بازجوها او را مسخره کرده و تهدید به مرگ نمودند. آنها می دانستند وی کسی است که پرونده های افرادی را که گفته می شد در بازداشت های پس از انتخابات مورد تجاوز قرار

گرفته و کشته شده اند به کربوی تحویل داده است. آنها وی را به خاطر انجام این عمل به مرگ تهدید کردند و سخنان و اشارات زشت و مستهجنی راجع به فعالیتهای وی ابراز داشتند. آنها همچنین وی را به همخوابگی با مردان همکار او متهم نمودند. یکی از بازجوها به وی گفت: «فکر می کنی ما فاحشه هایی مثل شما را بازداشت می کنیم تا از شما قهرمان ملی بسازیم؟»^{۱۸۴}

مدت کوتاهی پس از آزاد شدن، مأموران لباس شخصی در خیابان به وی حمله کردند. پس از این حمله سعادت موفق شد آژانسی گرفته و به منزل یکی از دوستان خود برود. راننده تاکسی می خواست وی را به بیمارستان ببرد اما سعادت به او گفت که فراموش کند که هرگز و را دیده است. دوست سعادت نگاهی به بدن مجروح و خونین او انداخت و گفت که اگر می خواهد جان سالم به در ببرد، دیگر نمی تواند در ایران بماند. سعادت نمی خواست ایران را ترک کند، اما احساس کرد که چاره دیگری ندارد. او به خاطر فعالیتهای خود از کار اخراج شده بود، مجبور شده بود جدا از فرزند خود زندگی مخفی داشته باشد، دیگر پولی نداشت، و مقامات هم به دنبال او بوده و او را به خاطر فعالیتهای او به زندان یا بدتر از آن تهدید می کردند. وی در آذر ۱۳۸۸ به صورت قاچاق از ایران وارد ترکیه شد.^{۱۸۵}



پریسا کاکایی

۱۸۲. همان.

۱۸۳. همان.

۱۸۴. همان.

۱۸۵. همان.

خاموش کردن جنبش زنان در ایران

پریسا کاکایی، یکی از فعالان اصلی حقوق زنان و کودکان، در تابستان ۱۳۸۸ به طور تمام وقت برای کمیته گزارشگران حقوق بشر کار می‌کرد. تمرکز اصلی وی بر مسایل زنان و مشکلات کودکان بود. پس از دستگیری همکار و دوست شخصی و صمیمی کاکایی، شیوا نظرآهاری، بلافاصله پس از انتخابات خرداد، کاکایی چندین تماس تلفنی از بازجوی نظرآهاری دریافت داشت که به وی دستور می‌داد باید به دفتر پیگیری وزارت اطلاعات در تهران مراجعه نماید. او از رفتن تا هنگام دریافت احضاریه رسمی امتناع می‌ورزید.^{۱۸۶}

در آبان ۱۳۸۸ کاکایی همراه با دیگر زنان فعال از جمله آیدا سعادت و جلوه جواهری رسماً به دفتر پیگیری احضار شدند. دو مرد که یکی از آنها یک اسلحه کمری حمل می‌کرد، احضاریه‌ها را تحویل دادند. احضاریه‌ها دستور می‌دادند که باید در عرض سه روز مراجعه نمایند. در دفتر پیگیری، بازپرس به وی گفت که وی به دلیل «زن بازی» احضار گردیده است.^{۱۸۷}

پس از آنکه نظرآهاری مجدداً در آذر ماه دستگیر شد، مأموران اطلاعاتی به کاکایی تلفن کرده و اصرار ورزیدند که او وبسایت کمیته گزارشگران حقوق بشر را تعطیل کرده و فعالیتهای خود را متوقف سازد. هنگامی که این گروه تصمیم گرفتند که سایت را نیندند، در طول هفته بعد کاکایی هر روز از بازجوی نظرآهاری تماسهای تلفنی تهدیدآمیز دریافت می‌کرد که به او فرمان می‌داد اطاعت کند و اگر نه دستگیر خواهد شد. بازجوی مزبور سحرگاه روزی به منزل خانواده او تلفن کرده و با پدر او صحبت کرد و سپس درخواست کرد با کاکایی صحبت کند. هنگامی که بازجوی فوق کمی بعدتر در همان روز به تلفن همراه کاکایی زنگ زد کاکایی از وی پرسید چرا به دنبال اوست. او گفت که سحرگاه که تلفن زده بود بیرون منزل وی ایستاده بود تا او را دستگیر کند.^{۱۸۸}

روز پنجشنبه ۱۰ دی ۱۳۸۸ بازجو به کاکایی و دیگر اعضای کمیته گزارشگران حقوق بشر دستور داد تا برای بازجویی به دفتر پیگیری مراجعه نمایند. روز بعد کاکایی داوطلبانه به دفتر پیگیری مراجعه نمود. او را نگاه داشته و سپس به زندان اوین منتقل نمودند.^{۱۸۹} در زندان اوین وی را به بند ۲۰۹ بردند—بندی که محل نگاهداری زندانیان سیاسی است. نگهبانها به وی دستور دادند تا لباسهای خود را به طور کامل درآورد و از او به طرز بی‌شرمانه‌ای بازرسی کامل بدنی به عمل آوردند. آنها سپس او را در یک سلول کوچک و کثیف در بند زنان که بیش از حد پر بود، جای دادند. سلول بسیار سرد بود و پتوها نازک. بازجوها برای سه هفته به وی اجازه ملاقات ندادند، و پس از آن به خانواده او اجازه دادند هر پنجشنبه با او دیدار کنند.^{۱۹۰}

کاکایی برای حدود یکماه و نیم محبوس بود. منصوره شجاعی، یکی از فعالان نام‌آور حقوق زنان در سلول مجاور سلول کاکایی محبوس بود.^{۱۹۱} لایلا توسلی، دختر محمد توسلی (از اعضای نهضت آزادی ایران) در سلول کاکایی بود. هنگامی که کاکایی در اوین بود سمیه رشیدی یکی از اعضای کمپین یک میلیون امضاء که به خاطر فعالیتهای خود در کمپین دستگیر شده و به محاربه متهم شده بود را دید. رشیدی به وی گفت که در زیرزمین زندان اوین مأموران او را به طرز بدی مورد ضرب و شتم قرار داده‌اند.^{۱۹۲}

در زندان به کاکایی اجازه دسترسی به مشاوره حقوقی ندادند—وی هرگز نتوانست با وکیل صحبت کند. او از جهت مالی قادر به گذاشتن وثیقه سنگینی که برایش تعیین کرده بودند نبود و والدین وی مجبور شدند کفالت مالی برابر یک سوم

۱۸۶. «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با پریسا کاکایی» (۲۵ فروردین ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران).

۱۸۷. همان.

۱۸۸. همان.

۱۸۹. همان.

۱۹۰. همان.

۱۹۱. ر.ک. زیرنویس ۲۱۱.

۱۹۲. «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با پریسا کاکایی» (۲۵ فروردین ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران).

۳. هدف قرار دادن فعالان و مدافعان حقوق زن در دوران پس از انتخابات

حقوق ماهیانه خود بدهند تا او در ۲۸ بهمن ۱۳۸۸ از اوین آزاد شود.^{۱۹۳} پس از آزادی، بازجویی کاکایی تقریباً هر روز به وی تلفن می‌کرد، او را تهدید نموده و به وی می‌گفت که بازجویی‌های وی هنوز تمام نشده است. او سعی داشت با تحت فشار گذاشتن کاکایی، دیگر اعضای کمیته گزارشگران حقوق بشر را متقاعد سازد تا خود را به مقامات تحویل دهند. بازجو از او می‌خواست پسورد ایمیل‌های خود را در اختیار وی قرار دهد. کاکایی شک کرده بود که مأموران ایمیل‌های او را تحت نظر دارند و به دوستان خود ایمیلی فرستاده و به آنها گفت که دیگر بیش از آن نمی‌تواند با آنها در تماس باشد.

خیلی ناراحت بودم. یکبار نشستم پشت کامپیوتر و همه چیز را پاک کردم، وبلاگ، نوشته‌ها، ایمیل‌ها. ایمیلی نیز به همه زدم که دیگر هیچ ارتباطی با آنها نخواهم داشت. پدرم فکر کرد که من نزدیک است عقل خود را از دست بدهم. بعد از آن دیگر ظرفیت روانی من تمام شد.^{۱۹۴}

وی ایران را ترک کرد و در تبعید به سر می‌برد.^{۱۹۵}

فروغ میرزایی و مریم قنبری

فروغ میرزایی، و کیلی که مدافع بسیاری از فعالان حقوق زن می‌باشد، به همراه شوهر خود روزبه کریمی، روزنامه‌نگار، در شب شنبه ۱۲ دی ۱۳۸۸ دستگیر شد. مقامات برای ۳۵ روز از دادن هرگونه اطلاع درباره وضعیت سلامت و محل نگهداری وی به خانواده او، امتناع کردند. وی در شب ۲۰ بهمن ۱۳۸۸ به همراه مهین فهیمی، یکی از اعضای «مادران صلح» آزاد شد.^{۱۹۶}

عوامل اطلاعات مریم قنبری، وکیل دیگری که برای دفاع از فعالان حقوق زن معروف است را نیز در منزل او در تهران در تاریخ ۱۹ بهمن ۱۳۸۸ دستگیر کردند. آنها هیچگونه مجوز یا علتی برای تفتیش منزل ارائه نکردند اما کامپیوتر وی را مصادره نمودند. وی روز ۲۳ بهمن با خانواده خود تماس گرفته و به آنها اطلاع داد که در یکی از سلول‌های سه نفره بند ۲۰۹ زندان اوین نگهداری می‌شود. وی با گذاشتن وثیقه ۵۰ میلیون تومانی در غروب روز ۹ اسفند ۱۳۸۸ از زندان آزاد شد.^{۱۹۷}

در روز ۲ مرداد ۱۳۸۹ نیروهای امنیتی به دفاتر محمد مصطفایی، وکیل، در تهران یورش بردند، عملی که در ارتباط با نظراتی بود که او در حمایت از سکینه محمدی آشتیانی—مادر دو کودک که اخیراً به جرم زنا محصنه به مرگ از طریق سنگسار محکوم شده است، به رسانه‌های گروهی بین‌المللی ابراز کرده بود. مصطفایی دفاع از بسیاری فعالان حقوق زن، از جمله شادی صدر، محبوبه عباسقلی‌زاده، و هنگامه شهیدی را بر عهده داشته است. هنگامی که مأموران از پیدا کردن مصطفایی ناامید شدند، همسر و برادر همسر وی را دستگیر کردند و آنها را در اوین نگاه داشته‌اند. آنها مصطفایی را به داشتن ارتباط با سازمان مجاهدین خلق متهم نموده‌اند و تهدید کردند که تا او خود را تحویل ندهد همسر و برادر همسر او آزاد نخواهند شد.^{۱۹۸} مصطفایی به ترکیه گریخت و پس از آن به نروژ پناهنده شد. همسر و برادر همسر وی آزاد شدند و همسر و دختر وی نیز پس از مدتی به او پیوستند.^{۱۹۹}

۱۹۳. همان.

۱۹۴. همان.

۱۹۵. همان.

۱۹۶. «فروغ میرزایی از وکلای بازداشت شده و بهار هدایت، همچنان ممنوع‌الملاقات هستند»، مدرسه فمینیستی، ۱۷ بهمن ۱۳۸۸، قابل دسترسی در <http://iranfemschool.biz/spip.php?article4211>؛ «مهین فهیمی و فروغ میرزایی آزاد شدند»، صدای سبز ایران، ۲۰ بهمن ۱۳۸۸، قابل دسترسی در <http://www.irangreenvoice.com/article/2010/feb/09/1135>

۱۹۷. «مریم قنبری وکیل دادگستری و فعال حقوق زن بازداشت شد»، کانون زنان ایرانی، ۱۹ بهمن ۱۳۸۸، قابل دسترسی در <http://www.irwomen.com/spip.php?article8402>؛ «مریم قنبری در سلول انفرادی»، گویا، ۲۳ بهمن ۱۳۸۸، قابل دسترسی در <http://news.gooya.com/poli-tics/archives/2010/02/100363.php>؛ «مریم قنبری آزاد شد»، خبرگزاری حقوق بشر ایران، ۹ اسفند ۱۳۸۸، قابل دسترسی در <http://www.rhairan.org/archives/5502>

۱۹۸. نگاه کنید به «نامه شادی صدر به کانون وکلای ایران»، ۶ مرداد ۱۳۸۹، (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران).

۱۹۹. همسر و دختر وکیل حقوق بشر که از ایران فرار کرد به او پیوستند [Human Rights Lawyer Who Fled Iran Is Reunited with Family]، سی.ان.ان [CNN]، ۳ سپتامبر ۲۰۱۰، قابل دسترسی در <http://edition.cnn.com/2010/WORLD/meast/09/02/iran.exile>

خاموش کردن جنبش زنان در ایران

نرگس محمدی

نرگس محمدی، معاون رئیس کانون مدافعان حقوق بشر که در اردیبهشت ۱۳۸۸ در فرودگاه از خروج از کشور منع شد،^{۲۰۰} در ساعت ۱۰ صبح روز ۲۰ خرداد ۱۳۸۹ در خانه خود دستگیر شد.^{۲۰۱} بازجویان هیچگونه حکم جلب و یا مجوز بازرسی منزل به محمدی ارائه ندادند. آنها وی را با خود به زندان اوین بردند و بدون اینکه به وی توضیح دهند به چه جرمی متهم شده و بدون اینکه مجوزی برای ادامه بازداشت وی نشان دهند به مدت چهار روز او را محبوس نمودند. نهایتاً وی به تبلیغ بر علیه نظام، عضویت در کانون مدافعان حقوق بشر، و تجمع و تبنای علیه رژیم متهم گردید.^{۲۰۲}

محمدی چند سال قبل دچار آمبولی ریه شده بود و این بیماری اقتضای می‌کند که او در فضای بسته و محدود نگهداری نشود. هنگامی که وی در اوین به سر می‌برد، او را در یک سلول انفرادی نگاه داشته می‌شد که وضعیت وی را تشدید کرد. وی چندبار بیهوش شده و دچار فلج موقت گردید. او هنگامی که در اوین بود تقریباً حدود ۱۴ بار از هوش رفت. یک بار هنگامی که برای بازجویی می‌رفت بیهوش شد و از هفت پله افتاد. پس از آن بازجوها وی را با صندلی چرخدار برای بازجویی می‌بردند.^{۲۰۳} یک بار دکتر زندان به بازجوی محمدی گفته بود اگر او را در اوین نگاه دارد، وی تبدیل به «یک زهرا کاظمی دوم» خواهد شد.^{۲۰۴} محمدی در روز ۱۱ تیر ۱۳۸۹ با گذاشتن وثیقه ۵۰ میلیون تومانی آزاد گردید. وی در بیمارستان بستری است و حال وی تدریجاً رو به بهبود است.^{۲۰۵}

۳،۳. دستگیری رهبران، اعضاء و جمع‌کنندگان امضاء کمپین یک میلیون امضاء

رهبران و اعضاء کمپین یک میلیون امضاء - از سازمان دهندگان آن گرفته تا زنانی که امضاء جمع‌آوری می‌کردند - هدف دستگیری و آزار و اذیت قرار گرفته‌اند. بسیاری از آنان به اقدام علیه امنیت ملی و یا اخلال در نظم عمومی متهم گردیده‌اند. نمونه‌های زیر از این قبیل هستند:

مهرنوش اعتمادی، از فعالان کمپین یک میلیون امضاء در تاریخ ۲ آذر ۱۳۸۸ در منزل خود در اصفهان دستگیر شد. مأموران امنیتی کتابها و لوازم آموزشی و کیف کامپیوتر او را توقیف کردند. پیش از دستگیری، اعتمادی چندین بار احضار شده و از طریق تماسهای تلفنی تهدید شده بود. اعتمادی در تاریخ ۱۷ آذر ۱۳۸۸ و پس از گذاشتن وثیقه ۵۰ میلیون تومانی، و پس از گذراندن ۱۵ روز در زندان مرکزی اصفهان، آزاد گردید. او به «اقدام علیه امنیت ملی از طریق فعالیت در کمپین یک میلیون امضاء و از طریق انجام فعالیتهایی با هدف اقتدار زنان» متهم گردید. تا کنون تاریخ برگزاری دادگاه اعتمادی تعیین نگردیده است.^{۲۰۶}

هایده تابش، فعال دیگر کمپین یک میلیون امضاء در اصفهان، در تاریخ ۱۴ آذر ۱۳۸۸ در خانه خود دستگیر شد. تابش

reunion/index.html?iref=24hours

۲۰۰. رک. زیرنویس ۱۱۵.

۲۰۱. نگاه کنید به مصاحبه نرگس محمدی در «فایل ویدیویی: نرگس محمدی در بیمارستان»، صدای آمریکا، ۱۰ ژوئیه ۲۰۱۰، قابل دسترسی در <http://videos.wittysparks.com/id/827091494>

۲۰۲. همان.

۲۰۳. همان.

۲۰۴. زهرا کاظمی، یک روزنامه‌نگار ایرانی - کانادایی هنگامی که در سال ۱۳۸۲ در زندان اوین بود به علت صدمات شدید در ناحیه سر، درگذشت. نگاه کنید به مرکز اسناد حقوق بشر ایران، «مصونیت از مجازات در ایران: مرگ خبرنگار عکاس، زهرا کاظمی»، ۲۰۰۶، قابل دسترسی در http://iranhrdc.org/httpdocs/English/pdfs/Reports/Impunity-in-Iran_Nov06.pdf

۲۰۵. نگاه کنید به «نرگس محمدی در بیمارستان» رک. زیرنویس ۲۰۱.

۲۰۶. «ایران: مصاحبه با مادر مهرنوش اعتمادی، فعال زندانی کمپین» [Iran: Interview with Mother of Imprisoned Campaign Activist] Mehrnoosh Etemadi، تغییر برای برابری، ۳ دسامبر ۲۰۰۹، قابل دسترسی در <http://www.wluml.org/node/5748>

۳. هدف قرار دادن فعالان و مدافعان حقوق زن در دوران پس از انتخابات

چندین ماه قبل ممنوع‌الخروج شده و مورد بازجویی قرار گرفته بود. مأموران امنیتی خانه وی را مورد بازجویی قرار داده و اموال شخصی وی از جمله کامپیوتر پسر او را توقیف نمودند.^{۲۰۷} وی در زندان مرکزی اصفهان محبوس شد تا نهایتاً در ۱۷ آذر ۱۳۸۸ پس از گذاشتن تضمین مالی ۵ میلیون تومانی آزاد شد. اتهاماتی که علیه تابش مطرح گردیده عبارتند از «اقدام علیه امنیت ملی از طریق فعالیت در کمپین یک میلیون امضاء و از طریق فعالیتهایی با هدف اقتدار زنان». تا کنون تاریخ برگزاری دادگاه تعیین نگردیده است.^{۲۰۸}

سمیه رشیدی، فعال حقوق زنان و عضو کمپین یک میلیون امضاء در روز ۲۸ آذر ۱۳۸۸ دستگیر شد. وی در روز ۶ اسفند ۱۳۸۸ از زندان اوین آزاد شد. هنگامی که رشیدی در بازداشت به سر می‌برد، اجازه نداشت با وکیل تماس بگیرد و یا با خانواده خود ملاقات کند.^{۲۰۹} رشیدی به پریسا کاکایی گفت که در زیرزمین زندان به طرز بدی با ژاکت به صورت او زده بودند.^{۲۱۰}

منصوره شجاعی، از مؤسسين کمپین یک میلیون امضاء، و نیز از مؤسسين مرکز فرهنگی زنان و نویسنده‌ای که آثار متعددی درباره مسائل زنان نگاشته، سحرگاه روز ۸ دی ۱۳۸۸ دستگیر گردید. مأموران به بازرسی منزل وی پرداخته و اموال شخصی او از قبیل تلفن همراه و کامپیوتر وی را توقیف کردند.^{۲۱۱} برای چندین هفته به وی نگفتند علت دستگیری او چیست. هنگامی که در بازداشت به سر می‌برد، وی فقط اجازه تماسهای بسیار محدودی با وکیل و خانواده خود را داشت.^{۲۱۲}

عضو دیگری از کمپین یک میلیون امضاء محبوه کرمی است که در ۱۱ اسفند ۱۳۸۸ دستگیر شد. عوامل رژیم به تفتیش خانه پدری وی پرداخته و اموال شخصی وی را توقیف کردند. آنها او را برای هشتاد روز در بند ۲-الف زندان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نگاه داشته و سپس به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل ساختند. برای وی قرار وثیقه صادر نشد و گزارش می‌شود که شرایط جسمی و روحی وی در زندان کماکان رو به وخامت است.^{۲۱۳} جلسه استماع دادگاه کرمی قرار بود در روز دوشنبه ۷ تیر ۱۳۸۹ در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب برگزار گردد—یعنی ۱۲۰ روز پس از دستگیری وی، اما بار دیگر به تأخیر افتاده است.^{۲۱۴}

۲۰۷. «هایده تابش، فعال کمپین ایرانی در اصفهان دستگیر شد» [Hayedeh Tabesh, Iranian Campaign Activist in Isfahan Arrested].

تغییر برای برابری، ۵ دسامبر ۲۰۰۹، قابل دسترسی در <http://www.wvhr.org/news.php?detay=49>؛ «هایده تابش، عضو کمپین در اصفهان

بازجویی و ممنوع‌الخروج شد» [Hayedeh Tabesh, Campaign Member in Isfahan, Banned From Travel and Interrogated].

تغییر برای برابری، ۲۷ اکتبر ۲۰۰۹، قابل دسترسی در <http://www.sign4change.info/english/spip.php?article584>.

۲۰۸. «گزارش دستگیری و احضار فعالان حقوق زن» [Iran – Women's Rights Campaign Activists Arrests & Summons Report].

تغییر برای برابری، ۱۱ ژانویه ۲۰۱۰، قابل دسترسی در http://www.wunrn.com/news/2010/01_10/01_25_10/012510_iran.htm.

۲۰۹. «مصاحبه تصویری با سمیه رشیدی»، تغییر برای برابری، ۲۴ دی ۱۳۸۸، قابل دسترسی در <http://www.sign4change.info/spip.php?article5338>.

[Women's Rights Activist Detained Somayeh Rashidi] «فعال حقوق زنان سمیه رشیدی در بازداشت» [AMNESTY INTERNATIONAL].

سازمان عفو بین‌الملل [AMNESTY INTERNATIONAL]، ۵ فوریه ۲۰۱۰، قابل دسترسی در <http://www.amnesty.org/en/library/asset/MDE13/016/2010/en/65650072-820c-4497-99fd-da7a8d75161f/mde130162010en.html>.

بازداشت آزاد شد» [Somayeh Rashidi Released After 68 Days in Detention]، تغییر برای برابری، ۶ فوریه ۲۰۱۰، قابل دسترسی در

<http://www.campaignforequality.info/english/spip.php?article650>.

۲۱۰. «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با پریسا کاکایی» (۱۴ آوریل ۲۰۱۰) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران).

۲۱۱. «ایران: دستگیری ۱۹ فعال جنبش زنان، زنان روزنامه نگار و فعال مدنی» [Iran: Arrest of 19 Activists from the Women's Move].

ment, Women Journalists and Civil Activists]، مدرسه فمینیستی، ۱۴ ژانویه ۲۰۱۰، قابل دسترسی در <http://www.payvand.com/news/10/jan/1131.html>.

«خانواده منصوره شجاعی به دادگاه مراجعه کردند اما هیچ جوابی دریافت نکردند»، مدرسه فمینیستی، ۳۱ دسامبر ۲۰۰۹،

قابل دسترسی در <http://www.feministschool.com/spip.php?article4008>.

۲۱۲. «مصاحبه با نسرين ستوده درباره پرونده منصوره شجاعی» [Interview with Nasrin Sotoudeh Regarding the Mansoureh Shojaee's Case].

مدرسه فمینیستی، ۱۸ ژانویه ۲۰۱۰، قابل دسترسی در <http://www.feministschool.com/english/spip.php?article366>.

۲۱۳. «دادگاه محبوه کرمی در تاریخ ۷ تیر برگزار خواهد شد» [Mahboubeh Karami's Court will be Held on June 28th].

تغییر برای برابری، ۲۰ ژوئن ۲۰۱۰، قابل دسترسی در <http://www.we-change.org/english/spip.php?article719>؛ «وضعیت نگران کننده فعال

حقوق زنان در بند ۲۰۹ اوین»، اطلاعات، نت، ۱۰ آوریل ۲۰۱۰، قابل دسترسی در <http://ettelaat.net/10-april/news.asp?id=46291>.

۲۱۴. «به محبوه کرمی علیرغم بیماری، قرار وثیقه داده نشد» [Mahboubeh Karami Denied Bail Despite Poor Health]، کمپین بین‌المللی

خاموش کردن جنبش زنان در ایران



آسیه امینی، فعال حقوق بشر، شاعر و روزنامه‌نگار، از مؤسسين کمپين قانون بی‌سنگسار و عضو اصلی مؤسسه کنشگران می‌باشد که سازمانی غیردولتی برای حمایت از فعالان جامعه مدنی ایران است. امینی در فروردین ۱۳۸۶، پس از شرکت در یک تظاهرات صلح‌جویانه دستگیر و در زندان اوین در بازداشت به سر برد. وی در سال ۱۳۸۸ طی تظاهرات پس از انتخابات مورد ضرب و شتم قرار گرفت و وزارت اطلاعات و قوه قضاییه وی را هدف قرار دادند. امینی ایران را در مرداد ماه ۱۳۸۸ ترک کرد. وی در حال حاضر در نروژ به سر می‌برد و به فعالیتهای خود ادامه می‌دهد.

هنگامه شهیدی، روزنامه‌نگار و از فعالان حقوق زنان، و از اعضای حزب اعتماد ملی روز ۹ تیر ۱۳۸۹ در میدان هروی در تهران دستگیر شد. وی را به بند ۲۰۹ زندان اوین برده و بازجویی نمودند. وکیل وی، محمد مصطفایی، گزارش کرد که پرونده وی فاقد حکم جلب بوده، اما البته دارای نسخه‌ای از نامه سعید مرتضوی،^{۲۱۵} دادستان کل وقت در جای حکم جلب بوده است. شهیدی در ابتدا به «شرکت در تجمعات غیرقانونی و اغتشاشات خیابانی پس از انتخابات» متهم شد.^{۲۱۶}

وی با گذاشتن یک وثیقه ۹۰ میلیون تومانی در روز ۱۰ آبان ۱۳۸۸ از زندان آزاد شد. در روز ۲۴ آبان ۱۳۸۸ شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب برای یک نشست نهایی تشکیل جلسه داد و حکم داد که اتهامات وی شامل «اجتماع و تبانی با هدف اقدام علیه امنیت داخلی کشور از طریق حضور در اغتشاشات»، «فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران از طریق مصاحبه با شبکه ضد انقلاب بی.بی.سی»، «امضاء بیانیه‌های برخوردار از جنبه تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران از جمله کمپین یک میلیون امضاء، کمپین لغو قانون سنگسار» و «توهین به رئیس جمهور کشور به مناسبت انجام وظیفه» می‌باشد. دادگاه وی را به تحمل حبس به مدت شش سال و سه ماه و یک روز محکوم نمود.^{۲۱۷}

در روز ۵ اسفند ۱۳۸۸ دادگاه تجدیدنظر، مجازات او را به شش سال حبس، و پرداخت جریمه به مبلغ پنجاه هزار تومان تخفیف داد. روز بعد هنگامی که او به دفتر پیگیری وزارت اطلاعات مراجعه نمود، مأموران او را دستگیر کرده و به زندان اوین منتقل نمودند.^{۲۱۸}

حتی افرادی که عضو کمپین نبودند هم به خاطر فعالیتهای خود در خطر دستگیری قرار داشتند. طبق گفته یکی از زنانی که به جمع‌آوری امضاء برای کمپین کمک می‌کرد:

من به دلیل فعالیتهای فرهنگی خودم بازجویی شدم. طی بازجویی از من درباره هریک از فعالیتهایم پرسیدند. بازجوها مرتب از من درباره ارتباط با کمپین یک میلیون امضاء و رابطه من با دوستانی که فعال اجتماعی، سیاسی یا روزنامه‌نگار بودند می‌پرسیدند. این در صورتی بود که فعالیت من در کمپین بسیار اندک و بیشتر در حد جمع‌آوری امضاء بود.^{۲۱۹}

۳،۴. دستگیری اعضای مادران عزادار

به تدریج که کشتارها و ناپدید شدن معترضین جوان علنی گردید، فعالان حقوق زنان بیش از پیش درباره فقدان اطلاعاتی که باید در اختیار مادرانی که فرزندانشان کشته و یا ناپدید شده‌اند، قرار گیرد، نگران شدند. در پاسخ به این نگرانی، آنها با

حقوق بشر در ایران [INTERNATIONAL CAMPAIGN FOR HUMAN RIGHTS IN IRAN]، ۱۲ ژوئیه ۲۰۱۰، قابل دسترسی در <http://www.iran-humanrights.org/2010/07/mahboubeh-karami-denied-bail-despite-poor-health/>

۲۱۵. رک. زیرنویس ۱۱۹.

۲۱۶. «قصه پر غصه پرونده هنگامه شهیدی، نوشته محمد مصطفایی»، خبرگزاری حقوق بشر ایران، ۲۰ فروردین ۱۳۸۹، قابل دسترسی در <http://www.rhairan.in/archives/9040>

۲۱۷. همان.

۲۱۸. «اجرای حکم هنگامه شهیدی با تأیید دادگاه تجدیدنظر»، خبرگزاری حقوق بشر ایران، ۸ اسفند ۱۳۸۸، قابل دسترسی در <http://www.rhairan.in/archives/5331>

۲۱۹. نگاه کنید به «شهادتنامه فریده به مرکز اسناد حقوق بشر ایران» (۳۰ فروردین ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران).

۳. هدف قرار دادن فعالان و مدافعان حقوق زن در دوران پس از انتخابات

برخی از این مادران ملاقات نموده و گروهی تشکیل دادند که به «مادران عزادار» موسوم شد.^{۲۲۰}

بیانیه رسمی مادران عزادار، که «مادران لاله» نیز نامیده می‌شوند، در روز سه شنبه، ۲ تیر ۱۳۸۸ صادر شد. بیانیه مزبور حاوی این تعهد بود: «تا زمان آزادی تمام بازداشت‌شدگان تظاهرات که به دلیل اعتراض به تخلف انتخاباتی دستگیر شدند، توقف خشونت‌ها، و تا زمانی که قاتلان فرزندانمان مجازات بشوند، ما در نزدیکی محل شهادت ندای عزیزمان، خیابان امیرآباد، پارک لاله، نزدیک استخر پارک، هر هفته ساعت ۷ عصر جمع شده و در سکوت نشسته و عزاداری می‌کنیم».^{۲۲۱}

همان روز مادران عزادار در پارک لاله تهران گرد هم آمدند. بر طبق مشاهدات شاهدان عینی، نیروهای امنیتی به طریزی وحشیانه تجمع بیش از ۵۰۰ تن زنان و مادران را در هم شکسته و فرمان دادند که آنها باید متفرق شوند. علیرغم این عقب نشینی، این بانوان به پیمان خود وفادار ماندند و در طول ماه‌های تابستان، هر شب در پارک‌های سراسر تهران گرد هم جمع شدند.^{۲۲۲}

در حالی که جنبش مادران عزادار در تهران منشاء گرفت، به زودی به دیگر شهرهای ایران و سراسر جهان نیز سرایت کرد. همانطور که جنبش گسترش می‌یافت، نیروهای امنیتی نیز شروع به دستگیری مادران در تجمعات و در منازل آنها می‌کردند. در ۱۴ آذر ۱۳۸۸، آنها بیش از بیست تن از مادرانی را که در یکی از این تجمعات هفتگی در پارک تهران حضور یافته بودند، دستگیر کردند. بنا به گزارش‌ها برخی از این مادران چند ساعت بعد آزاد شدند، در حالیکه برخی دیگر را در بازداشت ماندند.^{۲۲۳}

در روز ۱۹ دی ۱۳۸۸، مأموران ۳۳ عضو مادران عزادار را طی یکی از تجمعات هفتگی آرام آنها در پارک لاله دستگیر نمودند.^{۲۲۴} آنها این مادران را به بازداشتگاه وزرا بردند اما نه تن از آنان را به بیمارستان انتقال دادند.^{۲۲۵} روز بعد، خانواده و دوستان زنان بازداشتی در بیرون بازداشتگاه وزرا تجمع کردند و خواستار کسب اطلاع از علت بازداشت آنها شده و نسبت به دستگیری ظاهراً غیرقانونی این افراد اعتراض نمودند.^{۲۲۶} در اواخر بهمن ۱۳۸۸، مقامات به دستگیری طرفداران مادران عزادار در خانه‌های آنها در تهران پرداخته و بعضی را به بند ۲۰۹ زندان اوین برده و در سلول انفرادی محبوس ساختند.^{۲۲۷}

۲۲۰. «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با آیدا سعادت» (۲۶ فروردین ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران).

۲۲۱. «بیانیه مادران عزادار ایران» مادران عزادار، ۲ تیر ۱۳۸۸، قابل دسترسی در <http://mournfulmothers.blogfa.com/8804.aspx>

۲۲۲. «اعلامیه دوم مادران عزادار: عزاداری ادامه خواهد داشت» [The Second Announcement of Mourning Mothers: The Mourn-ing Continues]، تغییر برای برابری، ۱ ژوئیه ۲۰۰۹، قابل دسترسی در <http://www.we-change.org/english/spip.php?article542> . همچنین نگاه کنید به «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با آیدا سعادت» (۲۶ فروردین ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران)؛ «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با آسیه امینی» (۲۱ خرداد ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران).

۲۲۳. «مادران پیش از تظاهرات مخالفت‌آمیز در ایران، دستگیر شدند» [Mothers Arrested Before Opposition Rally in Iran]، نیویورک تایمز، ۶ دسامبر ۲۰۰۹، قابل دسترسی در http://www.nytimes.com/2009/12/07/world/middleeast/07iran.html?_r=2

۲۲۴. «بنا به گفته گروه، بازداشت ۳۳ مادر ایرانی اعتراض برپا کرد» [Detention of 33 Iranian Mothers Sparks Protest, Group Says]، سی.ان.ان. جهان [CNN WORLD]، ۱۰ ژانویه ۲۰۱۰، قابل دسترسی در <http://www.cnn.com/2010/WORLD/meast/01/10/iran.mourning.mothers/index.html>

۲۲۵. بنا به گزارشی، ۲۸ تن از ۳۳ خانمی که در بازداشتگاه وزرا بازداشت شدند عبارت بودند از: طاهره اخشایی، زهرا افروز، فاطمه فرهادی، کبری نجف‌پور، زهرا عتاب، صدیقه شکری، زیبا شکور صدیقی، منصوره بهکیش، فریده صحرائی، ملیحه صحرائی، طوبی دارالشفایی، زری نوجوان، فرشته تعادلی، معصومه عطار، فاطمه رستگار، فاطمه صالحی، نصرت خاکی، ثریا جعفری، مریم حسینقلی‌زاده، حکیمه شکری، منیژه طاهری، عشرت خیرحسن، محترم کارآمد، ژیلا مهدویان، لیلا سیف‌اللهی، انیسه بخشای، ایزدی، تبریزی. نگاه کنید به «سامی مادران عزادار بازداشت شده در تهران»، ایران پرس نیوز، ۲۰ دی ۱۳۸۸، قابل دسترسی در <http://www.iranpressnews.net/source/071126.htm>

۲۲۶. «مادران بازداشتی در حال انتقال بین بازداشتگاه و اورژانس» [Update: Detained Mothers Shuffled Between Emergency Rooms and Detention Center]، کمپین بین‌المللی حقوق بشر در ایران [INTERNATIONAL CAMPAIGN FOR HUMAN RIGHTS IN IRAN]، ۱۰ ژانویه ۲۰۱۰، قابل دسترسی در <http://www.iranhumanrights.org/2010/01/mourning-mothers-update/>

۲۲۷. «هواداران مادران عزادار در حبس انفرادی»، فعالان دمکراسی و حقوق بشر در ایران، ۲۸ بهمن ۱۳۸۸، قابل دسترسی در http://hrdai.blogspot.com/2010/02/209_17.html



پروین اردلان، از مؤسسين كانون فرهنگي زنان و كمپين يك ميليون امضاء و نيز سردبير وبسايتهاي تغيير براي برابري مي باشد. وي به دليل تلاش براي برگزار كردن راهپيمايي براي حقوق زنان در سال ۱۳۸۵ دستگير شد. در سال ۱۳۸۷ هنگامي كه اردلان براي دريافت جايزه اولاف پالمه عازم سوئد بود، رژيم گذرنامه وي را مصادره نمود. به دنبال انتخابات جنجال برانگيز خرداد ۱۳۸۸ دادستان كل تهران در اولين كيفرخواست خود از اردلان به عنوان رهبر حقوق زنان در آنچه كه وي «انقلاب مخملي» براي سرنگوني رژيم ايران ذكر مي كرد، نام برد. اردلان ايران را در شهريور ۱۳۸۸ ترك كرد.

۳،۵. بازجويها

مقامات ايراني فعالان بازداشت شده را تحت بازجويهاي طولاني و اغلب وحشيانه قرار مي دادند. در طول جلسات بازجويي كه اغلب ساعتها به طول مي انجاميد، بازجوها سعی مي كردند فعالان را خوار و خفيف سازند، شرمسار نمايند و تهديد كنند. آنها آسيبهاي جسمي وارد مي كردند و حداقل در يك مورد احتمالاً در حاليكه به يكي از خانمها به زور قرصهاي بيهوش كننده داده بودند به وي تجاوز کرده اند. بازجوها اغلب فعالان زن را از تماس با خانواده هاي خود، و كلا و يا هر شخص ديگري در دنياي بيرون از زندان ممنوع ساختند. هنگامي كه بازجوها اجازه تماس مي دادند، اغلب از نزديك اين مكالمه را كنترل مي كردند.

در طول سالهاي ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، و ۱۳۸۷، زنان فعال ايران در ارتباط با فعاليتهاي خود از جمله كار در كمپين يك ميليون امضاء و كمپين قانون بي سنگسار، مورد بازجويهاي مكرر قرار گرفتند. فعالان زن گزارش مي دهند كه طی دوران رياست جمهوري خاتمي و نيز دوره اول احمدي نژاد، يك گروه بازجو از وزارت اطلاعات تعيين شدند تا در مورد فعالان حقوق زن تحقيق كنند.^{۲۲۸} اين تيم تحت سرپرستي مردی با نامهاي جعلی «مهدوی»،^{۲۲۹} يا «فروتن»،^{۲۳۰} و گاهي اوقات «خاکزاد» يا «خاکپور»^{۲۳۱} قرار داشت. اين تيم نام و روابط حرفه اي هر فعال را مي دانست و ايميلها و مكاتبات آنها را سالها زير نظر داشت. اين تيم از خصوصي ترين جزئيات زندگي اين زنان آگاه بود. آن گونه كه شادي صدر تعريف مي كند:

اين افراد براي ۵ تا ۶ سال بر روي پرونده هاي زنان كار کرده بودند و در حدود صد تن از زنان فعال و حاميان آنها را بازجويي کرده بودند. آنها جزئيات بسياري مي دانستند. يك بار بازجوي من، فروتن به من گفت «من اينقدر راجع به شما خانمها مي دانم كه اگر قرار بود مسابقه اطلاعات عمومي بدهم و از من پيرسيد پروين اردلان كي اولين دندان خود را كشيد، مي توانستم به تو بگويم».^{۲۳۲}

بنابراين براي فعالان زني كه پس از انتخابات ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ دستگير شدند ديدن بازجوهاي ناآشنا (و براي آنهايي كه چشمبند داشتند، صداهاي ناآشنا) تعجب آور بود. بازجوها بر نقش زنان در اعتراضات پس از انتخابات تكيه داشتند و قصد آنها جمع آوري اطلاعات درباره محل ديگر فعالان زن بود. آنها همچنين بعضي از بازداشت شدگان را مورد آزار و اذيت قرار داده و سعی داشتند آنها را قانع نمايند كه با ايشان همكاري كنند. بازجوها با استفاده از تهديد، و آزار

۲۲۸. «مصاحبه مركز اسناد حقوق بشر ايران با آيدا سعادت» (۲۶ فروردين ۱۳۸۹) (موجود در آرشيو مركز اسناد حقوق بشر ايران)؛ «مصاحبه مركز اسناد حقوق بشر ايران با پريسا كايي» (۲۵ فروردين ۱۳۸۹) (موجود در آرشيو مركز اسناد حقوق بشر ايران)؛ «مصاحبه مركز اسناد حقوق بشر ايران با تانيا احمدي كليجي» (۳۰ فروردين ۱۳۸۹) (موجود در آرشيو مركز اسناد حقوق بشر ايران)؛ «مصاحبه مركز اسناد حقوق بشر ايران با آسيه اميني» (۲۱ خرداد ۱۳۸۹) (موجود در آرشيو مركز اسناد حقوق بشر ايران)؛ «مصاحبه مركز اسناد حقوق بشر ايران با شادي صدر» (۲۳ خرداد ۱۳۸۹) (موجود در آرشيو مركز اسناد حقوق بشر ايران)؛ «مصاحبه مركز اسناد حقوق بشر ايران با محبوبه عباسقلي زاده» (۱۵ تير ۱۳۸۹) (موجود در آرشيو مركز اسناد حقوق بشر ايران).

۲۲۹. «مصاحبه مركز اسناد حقوق بشر ايران با آيدا سعادت» (۲۶ فروردين ۱۳۸۹) (موجود در آرشيو مركز اسناد حقوق بشر ايران)؛ «مصاحبه مركز اسناد حقوق بشر ايران با پروين اردلان» (۱۵ تير ۱۳۸۹) (موجود در آرشيو مركز اسناد حقوق بشر ايران)؛ «مصاحبه مركز اسناد حقوق بشر ايران با شادي صدر» (۲۳ خرداد ۱۳۸۹) (موجود در آرشيو مركز اسناد حقوق بشر ايران).

۲۳۰. «مصاحبه مركز اسناد حقوق بشر ايران با محبوبه عباسقلي زاده» (۱۵ تير ۱۳۸۹) (موجود در آرشيو مركز اسناد حقوق بشر ايران)؛ «مصاحبه مركز اسناد حقوق بشر ايران با شادي صدر» (۲۳ خرداد ۱۳۸۹) (موجود در آرشيو مركز اسناد حقوق بشر ايران).

۲۳۱. «مصاحبه مركز اسناد حقوق بشر ايران با شادي صدر» (۲۳ خرداد ۱۳۸۹) (موجود در آرشيو مركز اسناد حقوق بشر ايران).

۲۳۲. همان.

۳. هدف قرار دادن فعالان و مدافعان حقوق زن در دوران پس از انتخابات

و اذیت لفظی و جسمی سعی داشتند زنان را ترسانده و مجبور به اعتراف و تهیه اطلاعات درباره دیگر فعالان زن نمایند.

هنگامی که شادی صدر، وکیل، برای اولین بار در تیر ماه ۱۳۸۸ به دفتر پیگیری احضار شد، یکی از بازجوهای قبلی خود را شناخت. از او پرسید فروتن (بازجوی قبلی او) کجاست، و او با خشونت پاسخ داد: «به تو چه؟ او اینجا نیست.»^{۲۳۳} در تمام بازجوییهای بعدی، بازجوها به صدر اجازه ندادند چهره آنها را ببینند، اما او از صدای و نحوه سؤالات آنها می‌توانست تشخیص دهد که همان مردانی نیستند که در گذشته او را بازجویی کرده‌اند. صدر در طول دوازده روزی که در بازجویی گذراند تحت بازجوییهای متعدد قرار گرفت. او به وسیله چهار تیم بازجو که هر یک متشکل از دو مرد بود، بازجویی شد.^{۲۳۴}

تیمی مستقر در اداره پیگیری از او سؤالات شخصی می‌پرسید، از جمله سؤالاتی درباره روابط او با شوهر خود و اینکه آیا او سیگار می‌کشد یا مشروب می‌خورد. آنها از او می‌خواستند که نام کاربر و پسوندهای ایمیل‌های خود را در اختیار آنها بگذارد. آنها از او سؤالات بسیاری درباره جنبش زنان می‌پرسیدند از جمله هویت فعالان اصلی حقوق زنان و فعالیتهای آنها. همچنین از او درباره انتخابات سؤال برانگیز نیز سؤال کردند—آنها می‌خواستند بدانند آیا او رأی داده است، به چه کسی رأی داده است، و چه نظری راجع به نتایج انتخابات دارد.^{۲۳۵}

صدر مجدداً طی دو روز بعد (شنبه و یکشنبه) در اوین مورد بازجویی قرار گرفت. پس از آنکه بازجویان وی به وی قول دادند او را دوشنبه آزاد کنند و نکردند، به بازجویی از وی ادامه دادند. آنها قانع شده بودند که او پسورد کاذبی به ایشان داده است، به وی اخطار کردند که از این به بعد هر گونه انحرافی سریعاً مجازات خواهد شد. هنگامی که صدر پرسید چه کارهایی انحراف تلقی خواهد شد، بازجویانش پاسخ دادند هر چیزی که مربوط به فعالیتهای سیاسی و اجتماعی وی شود، انحراف محسوب می‌شود. صدر سپس پرسید آیا می‌تواند در اعتماد ملی (روزنامه‌ای که اکنون تعطیل شده است) درباره موضوعاتی که در تناقض با دولت ایران نیست، مطلب بنویسد؟ به وی گفته شد که چنین چیزی امکان پذیر نیست.^{۲۳۶} بازجوها به وی گفتند که هر کاری که انجام دهد صرفاً به دلیل هویت وی، غیرقانونی محسوب خواهد شد. آنها تا این حد پیش رفتند که به وی گفتند او حتی اگر در کیهان مقاله بنویسد (یک روزنامه محافظه کار و تندرو) آن نیز اشکال خواهد داشت زیرا او «نظرات غرب را بازگو خواهد کرد»—خلاصه اینکه آنها به وی به عنوان فردی که توسط غرب آلوده شده می‌نگریستند. آنها به وی گفتند که باید از مقامات بپرسد و اجازه خروج از ایران دریافت کند و اینکه بدون داشتن این اجازه، وی قادر به ترک کشور نخواهد بود.^{۲۳۷}



محبوبه عباسقلیزاده،
فیلمساز با سابقه، روزنامه‌نگار و فعال حقوق زنان، در آذر ماه ۱۳۸۹ در حالیکه عازم مراسم تشییع جنازه آیت‌الله منتظری بود، دستگیر و مدت کوتاهی در بازداشت به سر برد. پس از آزادی وی مخفی گردیده و پس از آنکه عوامل حکومت کامپیوتر وی را مصادره نمودند، در دی ماه ۱۳۸۸ از ایران فرار کرد. در اردیبهشت ۱۳۸۹ عباسقلی‌زاده غیباً محاکمه و به جرم اتهاماتی که مربوط به دستگیری اسفند ۱۳۸۵ وی برای تظاهرات در بیرون دادگاه انقلاب تهران می‌شد، به دو سال و نیم حبس و تحمل سی ضربه شلاق محکوم شد. وی در حال حاضر در آمستردام مشغول برپایی کانال تلویزیونی آنلاینی می‌باشد که به مشکلات زنان اختصاص دارد.

بازجوها بیش از پیش فحاشی می‌کردند. آنها وی را متهم ساختند که به منظور تلاش برای براندازی حکومت ایران وی در کنفرانس‌های بین‌المللی شرکت کرده است. آنها از او در باره سفرهایی که به پاکستان و مالزی داشته تا با زنان در باره اسلام و حقوق آنها صحبت کند، می‌پرسیدند که این باعث حیرت صدر شد، زیرا این کشورها مسلمان بودند نه کشورهای

۲۳۳. همان. صدر معتقد است که این تیم حدود شش ماه پیش از انتخابات خرداد ماه عوض شد.

۲۳۴. همان.

۲۳۵. همان.

۲۳۶. روزنامه اعتماد ملی در غروب روز ۲۵ مرداد ۱۳۸۵ و توسط دفتر دادستانی به دلیل انتشار مطالب توهین‌آمیز تعطیل شد. نگاه کنید به «روزنامه اعتماد ملی توقیف شد»، خبرگزاری فارس، ۲۶ مرداد ۱۳۸۵، قابل دسترسی در <http://www.farsnews.net/newstext.php?nn=8805260178>

۲۳۷. «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با شادی صدر» (۲۳ خرداد ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران).

خاموش کردن جنبش زنان در ایران



منصوره شجاعی، محقق، فعال حقوق زنان، و از مؤسسين كانون فرهنگي زنان، كمپين يك ميليون امضاء و مدرسه فمينيستي مي‌باشد. وي در سال ۱۳۸۶ به دليل فعاليتهاي خود دوبار دستگير و سپس ممنوع الخروج شد. مأموران حكومتي، شجاعی را مجدداً در آذر ماه ۱۳۸۸ دستگير نموده و بدون اعلام هيچگونه اتهام در بند ۲۰۹ زندان اوين نگاه داشتند. وي در ۷ بهمن ۱۳۸۸ با توديع وثيقه سنگين آزاد شد و سپس کشور را ترک کرد.

سكولار غربي، كه معمولاً مورد سوءظن واقع شوند.^{۲۳۸} هنگامي كه صدر پرسيد چرا سفر وي ايراد دارد، آنها توضيح دادند اين باعث مي‌شود ديگر كشورها گمان كنند ايران با سيستم حقوقی خود مشكل دارد و ايجاد بي ثباتی کرده و مردم را به مبارزه دعوت می‌کند. بازجوها وی را متهم ساختند كه اين [سفرها] بخشي از يك توطئه بزرگتر توسط ايالات متحده در خاورميانه است. به عقیده بازجوها، فعالان زن، علت اصلی این آشوبگری بودند.^{۲۳۹}

این جلسات طولانی و خسته کننده بود. هنگامي كه بازجوها استراحت کرده و نوبت بازجویی را به گروه ديگر می‌دادند، به صدر فرصت استراحت داده نمی‌شد. بازجوها دائماً صدر را مسخره می‌کردند. آنها بر این مطلب پافشاری می‌کردند كه صدر به این دليل هدف قدرتهای خارجی قرار گرفته كه او از نظر هوش و ذكاوت فقط يك زن معمولی است و فرمانهای آنها را بدون چون و چرا اجرا می‌كند. آنها به صدر گفتند كه دليل اهدای جوایز بين‌المللی به وی، شایستگی یا موفقیت وی نبوده بلکه می‌خواستند او را تطميع کنند تا بیشتر برای قدرتهای خارجی كه به وی این جوایز را داده‌اند، خود شیرینی نماید.^{۲۴۰}

بازجوها وی را متهم می‌ساختند كه با سازمان‌های بين‌المللی و دولتهای خارجی برای براندازی رژیم ایران تباخی نموده است. اگرچه دولت سازمان غيردولتی صدر به نام «راهی» را چند سال قبل تعطیل کرده بود، اما بازجوها سؤالات زیادی درباره این سازمان و منابع مالی آن می‌پرسیدند.^{۲۴۱} پرونده صدر از هنگام بازداشت او در اسفند ۱۳۸۵ حاوی این اتهام بود كه «راهی» از يك گروه هلندی به نام هیوس (HIVOS) كمك مالی دریافت کرده و قصد داشته از این وجه برای كمك به براندازی رژیم ایران استفاده نماید. صدر نگران بود كه آنها قصد داشته باشند با مجبور ساختن وی به اظهار ندامت و محكوم نمودن فعاليتهاي جنبش زنان از او درس عبرتی بسازند.^{۲۴۲} بازجوهاي وی به او پیشنهاد کردند كه با آنها همکاری نماید و به او می‌گفتند او به این وسیله «می‌تواند به رژیم كمك کند».^{۲۴۳}

سه یا چهار روز پیش از آنكه صدر را آزاد کنند، به وی چشمبند زده و او را به اطاقی بردند كه در آنجا صدای جیغ و ناله و فریاد افرادی را می‌شنید كه در حال مضروب شدن بودند. از صداهای او تخمین می‌زد كه حدود ۱۵ تا ۲۰ نفر هستند و از پاسخهایشان به نظر می‌رسید كه همگی با او در همان روز نماز جمعه دستگير شده باشند. اطاق از شدت صداهای سلاحها، باتومها و شلاقها كه بر گوشت بدن فرود می‌آمد، می‌لرزید. او چادر خود را بر صورت خود كشید تا کسی نتواند لرزیدن او را ببیند. پس از آنكه صدر را مجبور ساختند برای تقریباً يك ساعت به صدای این ضرب و شتمها گوش کند، بازجوها او را برای بازجویی به اطاقی جداگانه بردند.^{۲۴۴}

۲۳۸. همان.

۲۳۹. همان.

۲۴۰. همان.

۲۴۱. «راهی» مرکزی برای ارائه مشاوره حقوقی به زنان بود. پس از دستگیری صدر در اسفند ۱۳۸۵، دادگاه انقلاب و وزارت اطلاعات این مرکز را تعطیل نمودند. يك پرونده جداگانه باز شد كه مركز را به اقدام علیه امنیت ملی متهم می‌ساخت. اگرچه این پرونده از مرحله اتهام بیش نرفت اما مقامات حساب بانکی «راهی» را بسته و دستور توقف تمام فعاليتهاي آن را دادند. «راهی» برای تغییر زندگی زنان، رادیو زمانه، ۱۹ فروردین ۱۳۸۶، قابل دسترسی در http://radiozamaaneh.com/morenews/2007/04/post_651.html

۲۴۲. «مصاحبه مركز اسناد حقوق بشر ایران با شادی صدر» (۲۳ خرداد ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مركز اسناد حقوق بشر ایران).

۲۴۳. نگاه كنید به «فایل ویدیویی: مصاحبه تلویزیونی آلمان با شادی صدر». ۲۰ اکتبر ۲۰۰۹، قابل دسترسی در <http://www.youtube.com/watch?v=-6dupa7ljVE>. شهناز غلامی، از فعالان قدیمی حقوق زن و آذریها كه پیش از انتخابات ایران را ترک کرد، گزارش می‌دهد كه در هنگام اقامت وی در زندان، فشار بر زندانیها برای همکاری با مقامات بسیار شدید بود. «مصاحبه مركز اسناد حقوق بشر ایران با شهناز غلامی» (۷ اردیبهشت ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مركز اسناد حقوق بشر ایران).

۲۴۴. همان.

۳. هدف قرار دادن فعالان و مدافعان حقوق زن در دوران پس از انتخابات

چند روز بعد، وسائل صدر را به او بازگرداندند تا برای آزاد شدن آماده شود، اما به دلیل شگردهای روانی که بار اول درباره او به کار بسته بودند، او باور نمی‌کرد که قرار است آزاد بشود تا اینکه این امر واقعاً اتفاق افتاد. در اوین هر بار که دربی باز می‌شد او نگران بود که آمده‌اند تا او را برای بازجویی ببرند.^{۲۴۵}



محمد مصطفایی، وکیل
و مبارز مجرب علیه سنگسار، به دلیل حمایت از سکینه محمدی آشتیانی - مادر دو فرزند که به جرم زنا محصنه به سنگسار محکوم شده، شدیداً مورد حمله مقامات ایرانی قرار گرفته است. در روز ۲ مرداد ۱۳۸۹، نیروهای امنیتی به دلیل اظهارنظرهای وی درباره پرونده محمدی آشتیانی به رسانه‌های خارجی، به دفتر حقوقی مصطفایی در تهران یورش بردند. هنگامی که مقامات نتوانستند مصطفایی را دستگیر کنند، همسر و برادر همسر وی را دستگیر کرده و به زندان اوین بردند. طبق گفته رژیم اعضای خانواده مصطفایی تا هنگامی که وی خود را تسلیم مقامات مصطفایی به ترکیه و سپس به نروژ گریخت و همسر او نهایتاً آزاد شده و به همراه فرزند وی، در نروژ به او پیوست.

پس از آنکه تانیا احمدی کلیجی، فعال ۲۸ ساله حقوق زنان و طرفدار جنبش سبز، در مرداد ۱۳۸۸ بازداشت گردید، مقامات او را به مدت سه روز در یک اطاق کوچک حبس انفرادی کردند و او را تحت بازجویی‌های پی در پی قرار دادند که هر یک هفت تا هشت ساعت طول کشید. احمدی کلیجی گزارش داد که وی توسط همان کسانی بازجویی می‌شد که در یکی از اولین دستگیری‌های وی در زنجان در سال ۱۳۸۷ از او بازجویی کرده بودند.^{۲۴۶}

بازجوها خواستار به دست آوردن نام رابط‌های وی در خارج از ایران و نیز هویت افرادی که اعتراضاتی را سازماندهی می‌کردند «که امنیت ملی را تهدید می‌کرد»، بودند. آنها به ویژه به دنبال اسامی دیگر فعالان زن بودند که در تظاهرات شرکت کرده بودند. آنها همچنین می‌خواستند محل اقامت چند تن از فعالان حقوق زنان از جمله شیرین عبادی، پروین اردلان و ژینوس سبجانی (یکی از اعضای کانون مدافعان حقوق بشر)^{۲۴۷} را بدانند.

احمدی کلیجی از سؤال کردن آنها و اطلاعاتی که داشتند حدس زد بازجوها ایمیل و تماس‌های تلفنی وی را زیر نظر داشته‌اند. آنها به او گفتند اگر همکاری نکنند نه او و نه خانواده او در امان نخواهند بود. مقامات پس از سه روز احمدی کلیجی را آزاد کردند زیرا به عقیده او «فقط می‌خواستند من را بازجویی کنند» و «هیچ مدرکی دال بر اینکه من جرمی مرتکب شده بودم نداشتند» پس از آزاد شدن، او را از طریق تلفن و یا ارسال پیام کتبی تلفنی مورد تهدید قرار می‌دادند که باعث شد احساس کند دیگر امنیت جانی ندارد.^{۲۴۸}

علیرغم تمام این تهدیدها احمدی کلیجی تهران را ترک نکرد. پنج ماه پس از آزادی، دو مأمور لباس شخصی در بیمارستانی که او در آن کار می‌کرد ظاهر شدند. آنها احمدی کلیجی را به محل نامعلومی برده و مورد بازجویی قرار دادند. چند مرد او را گرفته و در حالیکه او را با زنجیر می‌زدند و باتوم برقی را به گوشت تنش فشار می‌دادند از او سؤال می‌کردند. آنها او را متهم می‌نمودند که با گروه‌های چپ‌گرای خارج از کشور ارتباط دارد و اینکه به توطئه برای براندازی رژیم ایران کمک می‌کند. آنها تکه‌هایی از گوشت تن او را پاره کرده و کندند—ماه‌ها بعد بدن او هنوز آثار این شکنجه را بر خود دارد. گوش چپ او به شدت خونریزی می‌کرد که به شنوایی او آسیب رسانده است. یکی از بازجوها با سینه‌های او بازی می‌کرد و آنها او را به تجاوز جنسی تهدید می‌کردند. سپس در طول بازجویی آنها ضربه‌ای به پشت سر او زدند که از هوش رفت. بازجوها او را مجبور می‌کردند که قرصهای مرموز بیهوش کننده‌ای را ببلعد که او حدس می‌زند مخدر بودند. دو یا سه بار او را مجبور کردند که این قرصها را ببلعد و هر بار او از هوش می‌رفت. وقتی بیدار می‌شد تمام بدن او شدیداً درد می‌کرد و از بین پاهای او خون می‌چکید. او هنوز نمی‌داند آیا به او تجاوز کرده‌اند یا نه.^{۲۴۹}

۲۴۵. «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با شادی صدر» (۲۳ خرداد ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران).

۲۴۶. «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با تانیا احمدی کلیجی» (۳۰ فروردین ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران).

۲۴۷. همان.

۲۴۸. همان.

۲۴۹. همان.

خاموش کردن جنبش زنان در ایران

بازجوها همچنین به پدر احمدی کلیجی تلفن کردند و او را وادار ساختند به صدای آنها که فرزند او را شکنجه می‌کردند گوش فرا دهد. ضربه شنیدن صدای دختر خود که درد می‌کشید آنقدر شدید بود که این پدر دچار حمله قلبی شد. او مجبور به انجام عمل جراحی شد و هنوز در حال گذراندن دوره نقاهت است.^{۲۵۰}

هنگامی که در آبان ۱۳۸۸ پریسا کاکایی به دفتر پیگیری در تهران احضار شد، از او درباره فعالیت‌های او در کمیته گزارشگران حقوق بشر و جنبش زنان پرس و جو کردند. بازجوی او در زندان اوین، موسوم به علوی، درباره دیگر فعالان، مطالب جنسی بسیار مستهجنی به کار می‌برد. او تهدید می‌کرد که به عزیزان وی حمله خواهد کرد، از جمله به خانواده او. بازجو به وی می‌گفت که سالهاست او را زیر نظر داشته‌اند.^{۲۵۱}

در بازجویی‌های روزمره، بازجوها سعی داشتند کاکایی را مجبور نمایند اعتراف کند عضو سازمان مجاهدین خلق است. هنگامی که او دریافت آنها وی را به عضویت سازمان مجاهدین خلق متهم می‌کنند، خیلی حیرت‌زده شد، زیرا چنین اتهاماتی در ایران بی‌شک مجازات مرگ به همراه دارد. کاکایی شخصاً و یا از طریق هیچیک از بستگان (تا آنجا که اطلاع داشت) هیچگونه ارتباطی با سازمان مجاهدین خلق نداشت.^{۲۵۲} او می‌دانست که این اتهامات بخشی از یک سلسله عملیات عمدی برای بی‌ارزش ساختن کمیته گزارشگران حقوق بشر و کارهای این سازمان در زمینه حقوق بشر بود. بازجوها، او و دیگر اعضاء کمیته گزارشگران حقوق بشر را تحت فشار قرار داده بودند و می‌خواستند آنها مصاحبه‌های تلویزیونی انجام داده و اعترافات دروغین نمایند. او استقامت نموده و از انجام این کار امتناع ورزید. کاکایی بخصوص یکی از مکالمات آبداری که بین او و بازجو رد و بدل شد را اینگونه تعریف می‌کند:

یکبار که دعوی‌امان شد گفت «باشد! برو به سلول خود! من سراغ تو نخواهم آمد تا موهایت هم‌رنگ دندانهایت بشوند. کسی نیز وکالت تو را قبول نخواهد کرد. تو منافق و محارب هستی. ما تو را دار می‌زنیم و می‌کشیم».^{۲۵۳}

بازجوهایی وی همچنین این اتهام را مطرح می‌ساختند که کمپین یک میلیون امضاء توسط اعضاء سازمان مجاهدین خلق برپا شده است. آنها علاوه بر کاکایی، ادعا می‌نمودند که پروین اردلان (یکی از زنانی که صراحتاً در کیفرخواست پس از انتخابات نام برده شده) نیز از اعضاء سازمان مجاهدین خلق می‌باشد. از کاکایی همچنین راجع به یکی دیگر از مؤسسين کمپین به نام احمدی خراسانی سؤال شد.^{۲۵۴}

هنگامی که محبوبه عباسقلی‌زاده در اوایل دی ماه ۱۳۸۸، به زندان اوین وارد شد، او را بلافاصله از شیوا نظرآهاری (که همراه با او دستگیر شده بود) جدا کرده و برای حدود هفت ساعت مورد بازجویی قرار دادند. در طی بازجویی، محبوبه عباسقلی‌زاده اعتراف نمود که وی عضو جنبش زنان می‌باشد. پرونده وی که حاوی یادداشتهای مشروحي از بازجویی‌های سابق وی توسط تیم بازجویی زنان بود، در آنجا موجود نبود و مشخص بود که بازجویان وی اطلاعاتی چندانی درباره فعالیت‌های سابق وی در زمینه حقوق زنان ندارند. در عوض، آنها اتهامات بی پایه و اساسی به وی وارد می‌ساختند که او ارتباطاتی با سازمان مجاهدین خلق دارد.^{۲۵۵}

بازجوها اصرار می‌ورزیدند که در صورتی عباسقلی‌زاده را آزاد خواهند کرد که با مادر نظرآهاری صحبت کرده و به او

۲۵۰. همان.

۲۵۱. «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با پریسا کاکایی» (۲۵ فروردین ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران).

۲۵۲. اقوام و خویشان کسانی که عضو سازمان مجاهدین خلق بودند، اگرچه خود با سازمان ارتباطی نداشتند، صرفاً به دلیل ارتباط خانواده خود با این سازمان دستگیر شده‌اند. نگاه کنید به گزارش مرکز اسناد حقوق بشر ایران، «فتوای مرگبار: قتل عام زندانیان ۱۳۶۷ ایران»، سپتامبر ۲۰۰۹.

۲۵۳. «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با پریسا کاکایی» (۲۵ فروردین ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران).

۲۵۴. همان.

۲۵۵. «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با محبوبه عباسقلی‌زاده» (۱۵ تیر ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران).

۳. هدف قرار دادن فعالان و مدافعان حقوق زن در دوران پس از انتخابات

بگویند که دخترش عضو سازمان مجاهدین خلق است و نیز وبسایت کمیته گزارشگران حقوق بشر را هم تعطیل نماید. اما عباسقلی زاده گفت که او مادر نظر آهاری را شخصاً نمی‌شناسد. عاقبت بازجوها موافقت نمودند که اگر وی نامه‌ای بنویسد و در آن سازمان مجاهدین خلق را رد کند آزاد می‌شود. عباسقلی زاده فوراً این شرط را قبول کرد زیرا که او عضو این سازمان نبود و با فعالیتهای آنها نیز موافق نبود. عباسقلی زاده همچنین با این درخواست بازجوها نیز موافقت کرد که فیلمهای خود را از روی وبسایت خود بردارد.^{۲۵۶}

آن شب عباسقلی زاده ضمانت نامه‌ای را امضاء کرد و دو ساعت بعد برای تفهیم اتهامات در برابر قاضی حاضر شد. قاضی پرسید چرا خانمی به سن او آنجاست—عباسقلی زاده تصور می‌کند که چون در آن زمان افراد مسن زیادی دستگیر نشده بودند، قاضی احتمالاً انتظار داشت فقط فعالان جوان را ببیند. قاضی وی را آزاد نمود.^{۲۵۷}

هنگامه شهیدی پس از دستگیری در خرداد ۱۳۸۸ به مدت ۵۰ روز در بند ۲۰۹ زندان اوین در حبس انفرادی نگاه داشته شد و تحت بازجوییهای دراز مدت قرار گرفت. در طول بازداشت بیش از سی بار از او بازجویی به عمل آوردند. هنگام اقامت در زندان، شهیدی تحت شکنجه‌های جسمی و روحی قرار گرفت:

در زندان شب اول مرا کتک زدند و دائماً فحاشی می‌کردند به حدی که مرا به التماس می‌انداختند ... از شب اول بازداشت تا خروج از انفرادی دائماً مرا به اعدام تهدید می‌کردند و فحاشیهای مکرر آنها مرا به قدری به هم ریخته بود که ۵۰ شب کابوس اعدام می‌دیدم. بنده تحت فشار برای اقرارهای اضافی بودم.^{۲۵۸}

این جلسات مدتها به طول می‌انجامیدند. طی یکی از این جلسات شهیدی ۴۶ صفحه پاسخ برای بازجوی خود نوشت. بازجویی شهیدی وی را به تحریک دیگران به شرکت در تجمعات غیرقانونی متهم نمودند و اظهار داشتند که وی در فعالیتهای تبلیغی علیه رژیم دست دارد. آنها درباره فعالیتهای او در زمینه حقوق زنان و حقوق بشر و نیز در مورد ماهیت روابط او با دوستان مذکرش و سؤالاتی می‌پرسیدند. آنها همچنین درباره وفاداری خانواده وی به رژیم ایران پرسیدند—شهیدی از این سؤال شدیداً برآشفته زیرا دو تن از برادران او هنگام خدمت به وطن در جنگ ایران و عراق کشته شده بودند.^{۲۵۹}

۳.۶. محدودیت آزادی سفر

در تلاش برای ممانعت از سخن گفتن فعالان حقوق زنان با حضار بین‌المللی درباره نیاز به انجام اصلاحات در قوانین ایران، این فعالان از دیرباز از سفر به خارج از ایران برای شرکت در کنفرانس‌های بین‌المللی و دریافت جوایز و تقدیرنامه برای کارهای خود ممنوع بوده‌اند.^{۲۶۰} اما به نظر می‌رسد که به دنبال انتخابات خرداد ۱۳۸۸، فعالان بیش از پیش از اینگونه سفرها منع شده‌اند.

آیدا سعادت، فعال حقوق زنان و روزنامه‌نگار، گزارش می‌دهد که امضاء کنندگان دو نامه سرگشاده که نتایج انتخابات و

۲۵۶. همان.

۲۵۷. «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با محبوبه عباسقلی‌زاده» (۶ ژوئیه ۲۰۱۰) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران).

۲۵۸. «قصه پر غصه پرونده هنگامه شهیدی، نوشته محمد مصطفائی»، خبرگزاری حقوق بشر ایران، ۲۰ فروردین ۱۳۸۹، قابل دسترسی در <http://www.rhairan.in/archives/9040>

۲۵۹. همان.

۲۶۰. مثالهایی از این قبیل عبارتند از: (۱) طلعت تقی‌نیا، منصوره شجاعی، و فرناز سیفی، فعالان حقوق زنان، روزنامه‌نگاران و اعضای کانون فرهنگی زنان در حالی که برای شرکت در یک دوره آموزش روزنامه‌نگاری قصد سفر به دهلی نو را داشتند، در فرودگاه امام خمینی تهران دستگیر شدند؛ (۲) نسرين ستوده، وکیل برجسته و فعال حقوق زنان در ۲۰ آذر ۱۳۸۷، از سفر به ایتالیا برای دریافت جایزه‌ای از سازمان بین‌المللی حقوق بشر ایتالیا منع شد. هنگامی که شخصی که خود را مأمور دفتر ریاست جمهوری معرفی می‌کرد، بدون نشان دادن هیچگونه مدرک شناسایی، گذرنامه او را توقیف کرد و از سوار شدن او به هواپیما ممانعت به عمل آورد، او از مرحله کنترل گذرنامه نیز عبور کرده بود. «نسرين ستوده: ممنوعیت از خروج من غیر قانونی بود»، بی‌بی‌سی فارسی، ۲۰ آذر ۱۳۸۷، قابل دسترسی در http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2008/12/081209_ba-sotoudeh-barred.shtml

خاموش کردن جنبش زنان در ایران

عکس‌العمل دولت در برابر وقایع پس از انتخابات را مورد انتقاد قرار داده بودند، در فهرست افراد ممنوع‌الخروج از کشور قرار داده شدند.^{۲۶۱} سعادت امضاء خود در پای این نامه‌ها را علت ممنوعیت خروج قانونی خود از کشور می‌داند. وی مجبور شد با کمک افراد قاچاقچی و از طریق عبور از مرز کوهستانی ایران و ترکیه، از کشور فرار کند.^{۲۶۲}

برخی از فعالان از اینکه از خروج از کشور ممنوع شده‌اند اطلاعی ندارند تا اینکه مقامات در فرودگاه گذرنامه‌های آنها را توقیف می‌کنند.^{۲۶۳}

سیمین بهبهانی، شاعر ملی ایران و فعال با سابقه حقوق زنان را در فرودگاه امام خمینی، در راه پاریس برای شرکت در مراسم روز بین‌المللی زن در روز ۱۷ اسفند ۱۳۸۸ از ترک کشور بازداشتند. در حالیکه وی قصد سوار شدن به هواپیما را داشت، پلیس امنیتی او را بازداشت کرد. وی نهایتاً آزاد شد اما مقامات گذرنامه او را توقیف کرده و به او نامه‌ای دادند که اظهار می‌داشت وی باید برای دریافت پاسپورت خود به دادگاه انقلاب مراجعه نماید.^{۲۶۴} بسیاری از ایرانیان از نحوه رفتار دولت ایران با بهبهانی به خاطر سن او (وی متولد ۱۳۰۶ می‌باشد) و شرایط جسمانی او (وی تقریباً نابیناست) متحیر شدند. مفسرین معتقدند که علت ممنوع‌الخروج شدن بهبهانی در رابطه با نظراتی است که او مدت کوتاهی پس از مرگ ندا آقا سلطان در ۳۰ خرداد ۱۳۸۸، در رسانه‌های بین‌المللی اظهار داشت.^{۲۶۵}

ژینا مدرس گرگی، از فعالان حقوق زنان در سنندج، در روز ۲۲ آبان ۱۳۸۸، به سوی دویی در حرکت بود، که قبل از سوار شدن به هواپیما در فرودگاه متوقف شد. وی از قسمت کنترل گذرنامه عبور کرد و بدون مواجهه با هیچ مشکلی مهر خروج دریافت کرده بود، اما پس از آن از بلندگوی فرودگاه او را فرا خواندند. یک مأمور لباس شخصی گذرنامه او را توقیف کرد و به او دستور داد خود را به دادگاه انقلاب سنندج معرفی نماید.^{۲۶۶}

منصوره بهکیش، از اعضای مادران صلح و نیز مادران عزادار، در روز ۲۶ اسفند ۱۳۸۸ از سفر به ایتالیا برای دیدار فرزندان خود ممنوع شد. مأموران گذرنامه وی را توقیف نموده و پس از بیرون آوردن چمدانهای وی، به هواپیما اجازه پرواز دادند. وی تقاضا کرد علت ممنوعیت سفر وی را توضیح دهند و شکایتی کتبی به شعبه امنیتی دادگاه انقلاب تحویل داد. وی در طول ماه‌های پیش از سفر خود، به علت شرکت در تجمع مادران عزادار در پارک لاله تهران، دو بار دستگیر شده بود.^{۲۶۷}

۲۶۱. نامه سرگشاده ۱ شهریور ۱۳۸۸ خطاب به مراجع تقلید نوشته شده بود، از جمله رهبر ایران، آیت‌الله خامنه‌ای، به علاوه هاشمی رفسنجانی، میرحسین موسوی، محمد خاتمی، و مهدی کروبی، و به امضاء ۲۹۳ فعال و روزنامه‌نگاری رسیده بود که نتایج انتخابات و پاسخ دولت به ناآرامیهای پس از انتخابات را مورد انتقاد قرار داده بودند. نگاه کنید به «نامه ۲۹۳ روزنامه نگار و فعال کشور به مراجع تقلید و هاشمی و خاتمی و موسوی و کروبی»، نوروز نیوز، ۱ شهریور ۱۳۸۹، قابل دسترسی در <http://norooznews.ir/news/13597.php>. نامه دوم به تاریخ ۱۵ شهریور ۱۳۸۸ خطاب به دادستان جدید تهران بوده و از رفتار با بازداشت‌شدگان پس از انتخابات انتقاد می‌کرد. این نامه به امضاء ۳۳۰ فعال و روزنامه نگار رسیده بود. نگاه کنید به «نامه سرگشاده ۳۳۰ روزنامه نگار به دادستان جدید تهران»، کمیته گزارشگران حقوق بشر، ۱۵ شهریور ۱۳۸۸، قابل دسترسی در <http://chrr.us/spip.php?article5423>.

۲۶۲. «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با آیدا سعادت» (۲۶ فروردین ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران).

۲۶۳. برای مثال نگاه کنید به زیرنویس ۱۱۵ و متن همراه آن (نرگس محمدی و ثریا عزیزپناه).

۲۶۴. «جلوگیری از خروج سیمین بهبهانی از ایران»، بی.بی.سی. فارسی، ۱۷ اسفند ۱۳۸۸، قابل دسترسی در http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2010/03/100308_l38_simin_behbahani_ban.shtml.

۲۶۵. «شاعر سیمین بهبهانی «ندا صدای مردم ایران است» [Poet Simin Behbahani: Neda Is <Voice Of The People Of Iran>]، مصاحبه رادیو ملی آمریکا [NPR] با سیمین بهبهانی، ۲۶ ژوئن ۲۰۰۹، قابل دسترسی در http://www.npr.org/blogs/thetwo-way/2009/06/poet_simin_behbahani_says_neda.html.

۲۶۶. «ژینا مدرس گرگی، فعال کمپین یک میلیون امضاء ممنوع‌الخروج شد»، تغییر برای برابری، ۲۴ آبان ۱۳۸۸، قابل دسترسی در <http://www.cam-paign4equality.info/spip.php?article4989>.

۲۶۷. نگاه کنید به «تارا سپهری فر آزاد شد / ممنوع‌الملاقات شدن مهدیه گلرو / منصوره بهکیش ممنوع‌الخروج شد»، مدرسه فمینیستی، ۲۶ اسفند ۱۳۸۸، قابل دسترسی در <http://feministschool.net/spip.php?article4491>. همچنین نگاه کنید به «ممنوع‌الخروج شدن منصوره بهکیش»، خبرگزاری حقوق بشر ایران، ۲۷ اسفند ۱۳۸۸، قابل دسترسی در <http://www.rhairan.in/archives/7610>.

۴. نقض قوانین ایران و حقوق بین‌الملل

۴. نقض قوانین ایران و حقوق بین‌الملل

اینکه مقامات ایرانی فعالان حقوق زنان را به خاطر عقاید آنها، عضویت در سازمانها، شرکت در تظاهرات، و جانبداری از دیگر گروه‌ها، هدف قرار دادند و حقوق اساسی ایشان را برای داشتن آزادی بیان، تجمع و انجمن که قانون ایران و حقوق بین‌الملل از آن حمایت کرده است، نقض می‌نماید. محروم ساختن دستگیرشدگان و بازداشت‌شدگان از حقوق اساسی آنها برای برخورداری از تشریفات حقوقی لازم، و بدرفتاری و شکنجه بازداشت‌شدگان همچنین قوانین ایران و حقوق بین‌الملل را زیر پا می‌گذارد. و بالاخره اینکه مقامات ایرانی به منظور خاموش ساختن صدای این فعالان، بر خلاف قانون، از طریق دخالت در زندگی خصوصی آنها، تهدید، و محدود نمودن آزادی سفر و کار، به آزار و اذیت ایشان پرداختند.

۴،۱. نقض آزادیهای بنیادی بیان، تجمع و انجمن

قانون اساسی ایران در اصل ۲۴^{۲۶۸} آزادی بیان، در اصل ۲۷^{۲۶۹} آزادی تجمع و در اصل ۲۶^{۲۷۰} آزادی انجمن را مورد حمایت قرار می‌دهد. اصل ۹ مقرر می‌دارد:

هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادیهای مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.^{۲۷۱}

آیت‌الله خمینی، پایه‌گذار جمهوری اسلامی، پیش از تشکیل این حکومت، قول داد که «در یک دولت اسلامی، همه مردم آزادند عقاید خود را بیان کنند».^{۲۷۲}

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، که در سال ۱۳۵۴ توسط ایران تصویب گردید نیز مشابهاً در مواد ۱۹،^{۲۷۳} ۲۱،^{۲۷۴} و

۲۶۸. ماده ۲۴ اظهار می‌دارد: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آن که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند»، «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، ۱۳۵۸، ماده ۲۴، [از این به بعد: «قانون اساسی»]. قابل دسترسی در <http://iranhrdc.org/> <httpdocs/English/iraniancodes.htm> همچنین نگاه کنید به مرکز اسناد حقوق بشر ایران، «Ctrl+Alt+Delete»: پاسخ ایران به اینترنت»، قابل دسترسی در <http://iranhrdc.org/httpdocs/English/reports.htm>.

۲۶۹. ماده ۲۷ تصریح می‌کند که «تشکیل اجتماعات و راه‌پیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است»، «قانون اساسی»، رک. زیرنویس ۲۶۸، ماده ۲۷.

۲۷۰. ماده ۲۶ تصریح می‌کند: «حزب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته‌شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت»، «قانون اساسی»، رک. زیرنویس ۲۶۸، ماده ۲۷.

۲۷۱. ماده ۹ قانون اساسی ایران شهروندان ایرانی را تشویق می‌نماید که به طور گسترده و فعال در امور جامعه مشارکت نمایند و از آن طریق، رد «استبداد» و «انحصار اقتصادی» را تضمین نمایند. «قانون اساسی»، رک. زیرنویس ۲۶۸، ماده ۹.

۲۷۲. روح‌الله خمینی، «صحیفه نور»، جلد ۳، (۱۳۶۲). نگاه کنید به «مصاحبه امام خمینی با نماینده سازمان عفو بین‌الملل»، ۱۳۷۵/۸/۲۰.

۲۷۳. ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در قسمتهای مربوطه اظهار می‌دارد: ۱- هر فردی حق آزادی عقیده بدون مزاحمت دیگران دارد. ۲- هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص و دریافت و اشاعه اطلاعات و عقاید از هر قبیل بدون توجه به محدودیتهای مرزی، خواه شفاهی یا کتبی یا چاپ یا به صورت هنری و یا به هر طریق دیگری که خود انتخاب نماید، می‌باشد. «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»، ماده ۱۹، ۲۳ مارس ۱۹۷۶، معاهدات سازمان ملل متحد، شماره ۹۹۹، بخش ۱۷۱ [999 U.N.T.S. 171] [از این به بعد: «میثاق حقوق مدنی»]. قابل دسترسی در <http://iranhrdc.org/httpdocs/English/aadel.htm>

۲۷۴. ماده ۲۱ میثاق حقوق مدنی حق برگزاری تجمعات مسالمت‌آمیز را تضمین نموده و مقرر می‌دارد که: «حق تشکیل مجامع مسالمت‌آمیز به رسمیت شناخته می‌شود. اعمال این حق تابع هیچگونه محدودیتی نمی‌تواند باشد جز آنچه بر طبق قانون مقرر شده و در یک جامعه دموکراتیک به مصلحت امنیت ملی یا ایمنی عمومی، نظم عمومی، حمایت از سلامت یا اخلاقیات عموم یا حفظ حقوق یا آزادیهای دیگران ضرورت داشته باشد». «میثاق حقوق مدنی»، رک. زیرنویس ۲۷۳، ماده ۲۱.

خاموش کردن جنبش زنان در ایران

۲۲^{۲۷۵} خود از آزادی بیان، تجمع، و انجمن حمایت می‌نماید. دستگیریهایی که به دلیل بهره بردن از این حقوق اساسی انسانی باشد، خودسرانه به شمار می‌روند، حتی اگر با در نظر گرفتن نگرانیهای معقول امنیتی باشند.^{۲۷۶} چنین حمایتی هنگامی که در مورد مدافعان حقوق بشر^{۲۷۷} و به خصوص حامیان حقوق زنان باشد، حتی از اهمیت بیشتری برخوردار می‌گردد:

این مسلم است که مدافعان زن بیشتر در خطر رویارویی با اشکال خاصی از خشونت قرار دارند و نیز بیشتر ممکن است توسط بخشهای مختلف تشکیلات اجتماعی و سیاسی هدف انواع تعصبات، محرومیتها و مטרودیتها قرار گیرند، علی‌الخصوص هنگامی که در زمینه حقوق زنان فعالیت می‌کنند. این وضعیت به ویژه هنگامی که احساس می‌شود مدافعان زن با معیارهای متداول فرهنگی و ساختارهای جنسیتی، زنانگی و جنسی اجتماعی به چالش برخاسته‌اند، تشدید می‌گردد.^{۲۷۸}

هنگامی که حکومت ایران به طور برنامه‌ریزی شده به آزار، دستگیری خودسرانه، بازجویی، حبس، بدرفتاری، و شکنجه فعالان حقوق زن پرداخت با بیان این هدف که جنبش حقوق زنان را از هم فرو پاشد، این حقوق اساسی انسانی را نقض نمود. بازجوها این نکته را تصریح نمودند که هر گونه انتقاد از رژیم ایران و قوانین آن سبب ایجاد عدم ثبات شده و در نتیجه آنان را محق می‌سازد که به آزار، دستگیری، و بازداشت این افراد بپردازند. از زمانی که کمپین یک میلیون امضاء آغاز گردید، اعضاء آن اجازه نیافتند آزادانه تجمع نمایند.^{۲۷۹} شاهدان گزارش می‌دهند که هر گونه ارتباطی با این کمپین، توسط مقامات ایرانی مشکوک محسوب شده و دستگیری و بازجویی شخص را حتمی می‌ساخت.^{۲۸۰} اعضاء گروه مادران عذار که فعالیت آن نمونه‌ای ساده از داشتن حق تجمع بود، به دلیل استفاده از این حق، با زد و خورد و دستگیری مواجه شد.^{۲۸۱}

فعالان تحت فشار و سانسور گذاشته شده و انتشارات آنها تعطیل شدند. شیوا نظرآهاری، پریسا کاکایی و همکاران آنها در کمیته گزارشگران حقوق بشر به دلیل امتناع از بستن وبسایت کمیته گزارشگران حقوق بشر، توسط بازجویان تحت آزار و اذیت فراوان قرار گرفتند و نظرآهاری هنوز در زندان به سر می‌برد.^{۲۸۲} به شادی صدر گفته شد که حتی اگر او برای روزنامه‌های تندروی تحت حمایت دولت نیز مطلب بنویسد، صرفاً به دلیل شخصیتی که دارد، دچار آزار و اذیت‌های بیشتری

۲۷۵. ماده ۲۲ میثاق حقوق مدنی حق آزادی اجتماعات را تضمین نموده و در قسمتهای مربوطه اظهار می‌دارد که: «(۱) هر کس حق اجتماع آزادانه با دیگران دارد از جمله حق تشکیل اتحادیه صنفی و پیوستن به آن برای دفاع از منافع خود. (۲) اعمال این حق تابع هیچگونه محدودیتی نمی‌تواند باشد جز آنچه بر طبق قانون مقرر شده و در یک جامعه دموکراتیک به مصلحت امنیت ملی یا ایمنی عمومی، نظم عمومی، حمایت از سلامت یا اخلاقیات عموم یا حفظ حقوق یا آزادی‌های دیگران ضرورت داشته باشد.» «میثاق حقوق مدنی»، ر.ک. زیرنویس ۲۷۳، ماده ۲۲.

۲۷۶. برای مثال در سال ۱۹۹۱، مورات دمیر و بدی یاراجی به علت تعلق به دوریمچی-سول (یک گروه سیاسی مارکسیست لنینیستی مخالف که به ترور چندین افسر ارتش ترکیه مربوط می‌باشد) توسط مقامات ترکیه دستگیر شدند. دولت ترکیه ادعا نمود که دمیر و یاراجی قانون ترکیه درباره فعالیت‌های تروریستی را نقض کرده‌اند، که «شامل تخلفات جنایی از جمله اظهار عقاید آنها می‌شود». علیرغم این واقعیت که دوریمچی-سول یک سازمان تروریستی خارجی است، گروه کاری سازمان ملل متحد در مورد بازداشت‌های خودسرانه اظهار داشت که دمیر و یاراجی خودسرانه و به دلیل استفاده از «حق خود برای بیان آزادانه عقاید خویش و حق اجتماع برای مقاصد سیاسی» دستگیر شده‌اند. شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل متحد، کمیته حقوق بشر، گروه کاری دستگیریهای خودسرانه، تصمیم شماره ۴۳/۱۹۹۲ (ترکیه)، U.N.E/CN.4/1994/27 (۱۷ دسامبر ۱۹۹۳)، ص. ۲۵. قابل دسترسی در <http://www.un.org/Docs/journal/asp/ws.asp?m=E/CN.4/1994/27>

۲۷۷. «در اجرای حقوق بشر و آزادیهای بنیادین، از جمله ارتقاء و حفظ حقوق بشر به شکلی که در اعلامیه حاضر به آن اشاره گردیده، هر کس فرداً و یا به همراه دیگران، حق برخورداری از گرامت مؤثر و نیز محافظت در برابر نقض آن حقوق را دارد». اعلامیه حقوق و مسئولیت افراد، گروه‌ها و نهادهای جامعه برای ارتقاء و حفظ حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین به رسمیت شناخته شده در جهان، قطعنامه مجمع عمومی ۵۳/۱۴۴، سند سازمان ملل متحد A/RES/53/144 (۱۹۹۹). قابل دسترسی در <http://www.un.org/Docs/journal/asp/ws.asp?m=A/RES/53/144>

۲۷۸. «گزارش نماینده ویژه درباره وضعیت مدافعان حقوق بشر»، پاراگراف ۳۶، سند سازمان ملل A/63/288 (۲۰۰۸). قابل دسترسی در <http://www.un.org/Docs/journal/asp/ws.asp?m=A/63/288>

۲۷۹. نگاه کنید به زیرنویس ۷۰ و متن همراه آن.

۲۸۰. نگاه کنید به زیرنویس ۲۱۹ و متن همراه آن.

۲۸۱. نگاه کنید به زیرنویسهای ۲۲۲-۲۲۷ و متون همراه آنها. در حالیکه قانون اساسی ایران و حقوق بین‌الملل به مقامات اجازه می‌دهند تا از طریق یک سیستم صدور مجوز، برگزاری اجتماعات را منظم و قانونی کنند، عدم صدور مجوز به طور خودسرانه توسط وزارت کشور، طبیعتاً تظاهرات و اجتماعاتی را که تحت حمایت دولت نباشند غیرقانونی می‌سازد. نگاه کنید به مرکز اسناد حقوق بشر ایران، «پیامد خشونت‌بار: انتخابات ۱۳۸۸ و سرکوب دگراندیشان در ایران». قابل دسترسی در <http://iranhrdc.org/httpdocs/English/reports.htm>

۲۸۲. نگاه کنید به زیرنویسهای ۱۵۸، ۱۶۰ و ۱۸۸ و متون همراه آنها.

۴. نقض قوانین ایران و حقوق بین الملل

می‌شود. تنها انتخاب برای وی سکوت مطلق و یا دستگیر شدن بود.^{۲۸۳}

۴،۲. محرومیت از حمایت‌های موجود در تشریفات حقوقی

قانون اساسی و نیز دیگر قوانین ایران یک سلسله تشریفات حقوقی و نیز حمایت‌های دیگری را در مورد افراد دستگیر و بازداشت شده فراهم می‌سازند، که از جمله آنها موارد زیر می‌باشند:

- منع دستگیریهایی خودسرانه^{۲۸۴}
- الزام به اینکه اتهامات فوراً به متهم توضیح داده و تفهیم شود و نیاز به نظارت مراجع قضایی ذیصلاح^{۲۸۵}
- اصل براءت^{۲۸۶}
- حق برخورداری از مشاوره حقوقی^{۲۸۷}
- الزام به مطلع نمودن خانواده‌های بازداشت‌شدگان از محل و شرایط نگهداری ایشان و فراهم نمودن امکان ملاقات و تماس برای آنها^{۲۸۸}

آیین دادرسی کیفری ایران ملزم می‌دارد که حتی تحقیقات مقدماتی که منجر به دستگیری و بازداشت افرادی می‌شود که مظنون به ارتکاب جرایمی علیه امنیت ملی هستند، باید به دنبال صدور احکام بازداشتی باشد که توسط قضات تحقیق صادر شده و به رؤیت مقامات ذیصلاح دادگستری رسیده باشد.^{۲۸۹} چنین احکامی باید با معیارهای تشریفات حقوقی تطابق داشته باشد.^{۲۹۰} هنگامی که تحقیقات مقدماتی دلالت بر ارتکاب احتمالی جنایت دارد، ماده ۱۱۹ آیین دادرسی کیفری صدور احضاریه یا برگه جلب را تصریح کرده و ملزم می‌دارد که مضمون آن باید به متهم ابلاغ شود.^{۲۹۱} برگه جلب فقط هنگامی صادر می‌گردد که دلایل مشخصی موجود باشد،^{۲۹۲} و قرار بازداشت موقت قابل تجدیدنظر خواهی بوده و فقط برای یک ماه

۲۸۳. نگاه کنید به زیرنویس ۲۳۷ و متن همراه آن.

۲۸۴. اصل ۳۲ قانون اساسی تصریح می‌دارد: «هیچ‌کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند»، «قانون اساسی»، رک. زیرنویس ۲۶۸، اصل ۳۲.

۲۸۵. اصل ۳۲ قانون اساسی همچنین تصریح می‌دارد: «در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. مختلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود»، «قانون اساسی»، رک. زیرنویس ۲۶۸، اصل ۳۲.

۲۸۶. اصل ۳۷ قانون اساسی تصریح می‌دارد: «اصل، براءت است و هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد»، «قانون اساسی»، رک. زیرنویس ۲۶۸، اصل ۳۷.

۲۸۷. اصل ۳۵ قانون اساسی تصریح می‌دارد: «در همه دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد»، «قانون اساسی»، رک. زیرنویس ۲۶۸، اصل ۳۵.

۲۸۸. ماده ۵ قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی (قانون شهروندی) اظهار می‌دارد «... پرونده به مراجع صالح قضایی ارسال شود و خانواده دستگیرشدگان در جریان قرار گیرند»، «قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی» (۱۳۸۳)، قابل دسترسی در <http://dadkhahi.blogsky.com/?PostId=218> (تاریخ دسترسی ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۰) [از این به بعد: «قانون شهروندی»].

۲۸۹. «قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری» (۱۳۷۹)، مواد ۳۸ و ۴۲، قابل دسترسی در http://hoghoogh.online.fr/article.php3?id_article=67 [از این به بعد: «آیین دادرسی کیفری»].

۲۹۰. نیاز به بیان نمودن ماهیت و علت اتهام، ماورای اظهار صرف اتهام می‌باشد. نگاه کنید به همان، مواد ۳۷-۳۹ (که از مقامات قضایی می‌خواهد تا بر اساس مستندات قانونی عمل کنند و در مرحله تحقیقات بی‌طرفی کامل را رعایت نمایند)، همچنین نگاه کنید به همان، ماده ۳۲ (که دستگیری و بازداشت موقت مظنونین را فقط هنگامی مجاز می‌داند که قرائن و امارات دلالت بر وقوع جرم نموده و شرایط خاصی برقرار باشد).

۲۹۱. «آیین دادرسی کیفری»، ماده ۱۱۹، رک. زیرنویس ۲۸۹ («جلب متهم به موجب برگ جلب به عمل می‌آید. برگ جلب که مضمونش، مضمون احضاریه است باید به متهم ابلاغ شود»). ماده ۵ قانون شهروندی تأکید می‌کند باید عموماً از دستگیری و بازداشت اجتناب نمود مگر در موارد ضروری، و اینکه این عمل باید به طریق قانونی انجام شود. ماده ۶ شدیداً چشمبند زدن و محدود نمودن مظنون در هنگام دستگیری را منع می‌نماید و تصریح می‌نماید که مظنون باید از توهین و آزار در امان بماند. «قانون شهروندی»، رک. زیرنویس ۲۸۸، مواد ۵، ۶.

۲۹۲. ماده ۱۱۸ آیین دادرسی کیفری فقط در شرایط دستگیری بدون داشتن حکم جلب را مجاز می‌داند که مجازات جرم مورد بحث، اعدام، قصاص، یا قطع عضو باشد. «آیین دادرسی کیفری»، رک. زیرنویس ۲۸۹، ماده ۱۱۸.

خاموش کردن جنبش زنان در ایران

معتبر خواهد بود مگر آنکه توسط قاضی صادر کننده تمدید شود.^{۲۹۳} مقامات قضایی و دیگر مأمورین ذیصلاح دولت که بر خلاف قانون، مردم را توقیف نموده و یا دستور تعقیب جزایی افراد را صادر کنند، باید مجازات شوند.^{۲۹۴}

بر طبق اصل ۳۵ قانون اساسی ایران متهمین «در همه دادگاهها» حق انتخاب و کیل برای خود دارند. این حق اساسی در مواد ۱۲۸، ۱۸۵، و ۱۸۶ آیین دادرسی کیفری و نیز در ماده ۳ قانون شهروندی نیز تکرار گردیده است.^{۲۹۵} اگرچه ماده ۱۲۸ آیین دادرسی کیفری به قاضی اجازه می‌دهد دسترسی به وکیل را محدود یا ممنوع سازد، این محدودیت یا ممنوعیت باید فقط به دلایل مربوط به امنیت ملی بوده و تنها می‌تواند تا پایان مرحله بازجویی ادامه یابد.^{۲۹۶}

حقوق بین‌الملل نیز مشابهاً از حقوق متهم برای برخورداری از تشریفات قانونی محافظت می‌نماید. ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی وظیفه ایران را در فراهم آوردن تشریفات حقوقی پیش از محدود ساختن، دخالت نمودن در آزادی و یا از بین بردن کامل آزادی افراد، مشخص می‌نماید.^{۲۹۷} ماده ۹(۲) مقامات ذیصلاح دولتی را ملزم می‌دارد در هنگام دستگیری، متهم را از دلایل این کار مطلع نمایند، و ماده ۹(۳) نیز آنها را متعهد می‌سازد که متهم را فوراً در برابر قاضی حاضر نموده و در طی «مدت زمانی معقول» دادرسی را برگزار نمایند.^{۲۹۸} ماده ۹(۳) همچنین مصرح می‌دارد که «بازداشت افرادی که در انتظار دادرسی هستند نباید قاعده کلی باشد».^{۲۹۹} ماده ۱۴(۲) تصریح می‌کند که متهم از حق برائت برخوردار است.^{۳۰۰}

ماده (ب) (۳) ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز تعیین می‌کند که متهمین باید «از وقت و تسهیلات کافی برای تهیه دفاعیه خود ... و ارتباط با وکیل منتخب خود» برخوردار باشند. افراد حق دارند هم در طول محاکمه و هم در طی مراحل پیش از محاکمه از مشاوره حقوقی برخوردار شوند.^{۳۰۱} کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد، ارگانی که مسئول تفسیر میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی می‌باشد، صراحتاً اظهار داشته است که «تمام افرادی که دستگیر می‌شوند باید فوراً و بدون هیچگونه تأخیر ... به مشاوره حقوقی دسترسی یابند».^{۳۰۲}

۲۹۳. «آیین دادرسی کیفری»، ر.ک. زیرنویس ۲۸۹، ماده ۳۳.

۲۹۴. ماده ۵۷۵ قانون مجازات اسلامی تصریح می‌نماید: «هرگاه مقامات قضایی یا دیگر مأمورین ذیصلاح بر خلاف قانون توقیف یا دستور بازداشت یا تعقیب جزایی یا قرار مجرمیت کسی را صادر نمایند به انفسال دائم از سمت قضایی و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت پنج سال محکوم خواهند شد.» «قانون مجازات اسلامی»، ر.ک. زیرنویس ۸۳، ماده ۵۷۵.

۲۹۵. «آیین دادرسی کیفری»، ر.ک. زیرنویس ۲۸۹، مواد ۱۲۸، ۱۸۶-۱۸۵؛ «قانون شهروندی»، ر.ک. زیرنویس ۲۸۸، ماده ۳ مکلف می‌دارد: «محاکم و دادرها مکلفند حق دفاع متهمان و مشتکی عنهم را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنان فراهم آورند». همان.

۲۹۶. «آیین دادرسی کیفری»، ر.ک. زیرنویس ۲۸۹، ماده ۱۲۸.

۲۹۷. ماده ۹ بیان می‌کند: (۱) هرکس حق آزادی و امنیت شخصی دارد. هیچکس را نمی‌توان خودسرانه دستگیر یا بازداشت کرد. از هیچ کس نمی‌توان سلب آزادی کرد مگر به جهات و طبق آیین دادرسی مقرر به حکم قانون. (۲) هرکس دستگیر می‌شود باید در موقع دستگیر شدن از علل آن مطلع شود و در اسرع وقت اطلاع‌رسانی به هرگونه اتهامی که به او نسبت داده می‌شود دریافت دارد. (۳) هرکس به اتهام جرمی دستگیر یا بازداشت می‌شود باید او را در اسرع وقت در محضر دادرسی یا هر مقام دیگری که به موجب قانون مجاز به اعمال اختیارات قضایی باشد حاضر نمود و باید در مدت معقولی دادرسی یا آزاد شود. بازداشت اشخاصی که در انتظار دادرسی هستند نباید قاعده کلی باشد لیکن آزادی موقت ممکن است موقوف به اخذ تصمیمی باشد که حضور متهم را در جلسه دادرسی و سایر مراحل رسیدگی قضایی و حسب مورد برای اجرای حکم تأمین نماید. (۴) هرکس که بر اثر دستگیر یا بازداشت شدن از آزادی محروم می‌شود حق دارد که به دادگاه تظلم نماید. به این منظور که دادگاه بدون تأخیر راجع به قانونی بودن بازداشت اظهار رأی بکند و در صورت غیرقانونی بودن بازداشت حکم آزادی او را صادر کند. (۵) هرکس که به طور غیرقانونی دستگیر یا بازداشت شده باشد حق جبران خسارت خواهد داشت. «میثاق حقوق مدنی»، ر.ک. زیرنویس ۲۷۳، ماده ۹.

۲۹۸. «میثاق حقوق مدنی»، ر.ک. زیرنویس ۲۷۳، ماده ۹.

۲۹۹. «میثاق حقوق مدنی»، ر.ک. زیرنویس ۲۷۳، ماده ۹(۳).

۳۰۰. ماده ۱۴(۲) اظهار می‌دارد: «هرکس به ارتکاب جرمی متهم شده باشد حق دارد بی‌گناه فرض شود تا اینکه مقصر بودن او بر طبق قانون محرز شود.» «میثاق حقوق مدنی»، ر.ک. زیرنویس ۲۷۳، ماده ۱۴(۲).

۳۰۱. ماده (ب) (۳) ۱۴ میثاق حقوق مدنی اظهار می‌کند: «دولت باید وقت و تسهیلات کافی برای دفاع از خود و ارتباط با وکیل منتخب فرد را در اختیار وی قرار دهد.» «میثاق حقوق مدنی»، ر.ک. زیرنویس ۲۷۳، ماده (ب) (۳) ۱۴.

۳۰۲. «مشاهدات نهایی کمیته حقوق بشر: گرجستان»، سند سازمان ملل متحد CCPR/C/79/Add.75 پاراگراف ۲۷ (۱۹۹۷)، قابل دسترسی در <http://www.un.org/Docs/journal/asp/ws.asp?m=CCPR/C/79/Add.75>. همچنین نگاه کنید به «بری علیه جامائیکا» که در آن شاکی ادعا نمود وی را به مدت دو ماه و نیم بدون دسترسی به مشاوره حقوقی در بازداشت نگاه داشته‌اند. دولت جامائیکا نتوانست این اتهامات را رد نماید و فقط

۴. نقض قوانین ایران و حقوق بین الملل

مقامات ایرانی با نقض قوانین ایران و حقوق بین الملل، اغلب بدون داشتن برگه جلب به دستگیری خودسرانه فعالان و مدافعان حقوق زنان پرداختند و آنها را برای مدت‌های مدید و نامعین بدون اعلام رسمی جرم، در بازداشت نگاه داشتند. بسیاری از آنها اجازه نداشتند با وکلا و یا اعضاء خانواده آنها تماس بگیرند. به شادی صدر چه قبل و چه بعد از دستگیری وی که از مدتها پیش برنامه‌ریزی شده بود، هیچگونه حکم جلبی نشان ندادند.^{۳۰۳} بعداً به او گفته شد که به علت به خطر انداختن امنیت ملی از طریق ایجاد اغتشاش دستگیر شده است اما هیچگونه اعلام جرم رسمی صورت نگرفت. پریسا کاکایی که حکم جلب را اطاعت نموده و دستگیر گردید، پیش از آنکه اتهامات او به وی ابلاغ شود، مورد بازجویی قرار گرفت، و هنگامی که چش‌های او را بسته بودند با حقه و فریب او را ترغیب نمودند تا از حق خود برای تجدیدنظرخواهی در مورد بازداشت خود، چشم پوشی نماید.^{۳۰۴} محبوبه عباسقلی‌زاده، شیوا نظرآهاری و ژیلای بنی‌یعقوب در دی ماه ۱۳۸۸ و طی یک سری دستگیریهایی که به دقت طراحی شده بودند، توقیف گردیدند. با وجود این به هیچیک از آنها حکم جلب نشان داده نشد.^{۳۰۵} به منصوره شجاعی که در خانه خود دستگیر گردید، هرگز برگه جلبی نشان ندادند و تا چند هفته هیچ دلیلی برای بازداشت وی ارائه ندادند.^{۳۰۶} هنگامه شهیدی نیز به نظر می‌رسد که بر اساس نامه‌ای که دادستان کل وقت، سعید مرتضوی نوشته بود، دستگیر شده است.^{۳۰۷} در همین اواخر، مقامات بدون داشتن هیچگونه حکم جلب، نرگس محمدی را تفتیش و دستگیر نمودند و او را به مدت چهار روز بدون ابلاغ اتهامات به وی، در بازداشت نگاه داشتند.^{۳۰۸}

مقامات ایرانی بسیاری از بازداشت‌شدگان را از دسترسی به وکیل محروم، و یا آن را شدیداً محدود کردند. فعالان اغلب پیش از آنکه حتی بتوانند وکیل برای خود انتخاب نمایند، و یا حتی امکان ملاقات با آنها را داشته باشند، برای هفته‌ها مورد بازجویی قرار می‌گرفتند.^{۳۰۹} برای مثال شادی صدر تأیید کرد که زمانی که وکیل مدافع شیوا نظرآهاری بود، اجازه نداشت پرونده او را ببیند و یا با موکل خود تماسی داشته باشد. نظرآهاری کماکان در بند ۲۰۹ زندان اوین در حبس انفرادی به سر می‌برد بدون اینکه تماسی با جهان خارج داشته باشد.^{۳۱۰} سمیه رشیدی که در طول بازجویی مورد ضرب و شتم قرار گرفت بیش از یک ماه در زندان اوین ماند بدون اینکه به وکیل دسترسی داشته باشد. فاطمه مسجدی و مریم بیدگلی به مدت ۱۲ روز در زندان اداره اطلاعات قم بودند بدون اینکه به وکیل دسترسی داشته باشند.^{۳۱۱}



شادی صدر، وکیل و روزنامه‌نگار، مؤسس زنان ایران و کمپین قانون بی‌سنگسار، و رئیس مرکز «راهی» است. وی همچنین وکالت زنانی که حکم اعدام داشته‌اند را با موفقیت انجام داده است. وی در روز ۲۶ تیر ۱۳۸۸، در راه شرکت در نماز جمعه به امامت رفسنجان، دستگیر شد. صدر ۱۲ روز بعد آزاد شده و به آلمان فرار کرد و در آنجا نیز به فعالیتهای خود برای حقوق قانونی زنان ادامه می‌دهد. وی در اردیبهشت ۱۳۸۹ غیاباً محاکمه شده و به دلیل اتهامات مربوط به دستگیری اسفند ۱۳۸۵ به ۶ سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق محکوم گردید.

گفت که شاکمی می‌توانست از دادگاه‌های جامائیکا درخواست قرار بازداشت نماید. کمیته حقوق بشر نتیجه گرفت که دولت با محروم نمودن شاکس از دسترسی داشتن به مشاوره حقوقی، مواد (۳) و (۴) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را نقض نموده است. «بری علیه جامائیکا» نامه شماره ۳۳۰/۱۹۸۸ (۷ آوریل ۱۹۹۴)، سند سازمان ملل متحد CCPR/C/50/D/330/1988. قابل دسترسی در <http://www.un.org/Docs/journal/asp/ws.asp?m=CCPR/C/50/D/330/1988>

۳۰۳. نگاه کنید به زیرنویس ۱۴۲ و متن همراه آن.
۳۰۴. «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با پریسا کاکایی» (۲۵ فروردین ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران).
۳۰۵. نگاه کنید به زیرنویسهای ۱۵۹ و ۱۶۳ و متون همراه آنها.
۳۰۶. نگاه کنید به زیرنویسهای ۲۱۱-۲۱۲ و متون همراه آنها.
۳۰۷. نگاه کنید به زیرنویسهای ۲۱۵-۲۱۸ و متون همراه آنها.
۳۰۸. نگاه کنید به زیرنویسهای ۲۰۰-۲۰۵ و متون همراه آنها.
۳۰۹. «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با پریسا کاکایی» (۲۵ فروردین ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران). نگاه کنید به زیرنویسهای ۱۱۲، ۱۶۰-۱۶۲، ۱۹۶-۱۹۷ و ۲۰۹ و متون همراه آنها.
۳۱۰. نگاه کنید به زیرنویسهای ۱۶۰-۱۶۲ و متون همراه آنها.
۳۱۱. نگاه کنید به زیرنویس ۱۱۲ و متن همراه آن.

خاموش کردن جنبش زنان در ایران

علاوه بر آن رژیم عمداً در تلاش برای ناامید ساختن بازداشت‌شدگان و به تعویق انداختن دسترسی آنها به مشاوره حقوقی کافی، وکلای مدافع آنها را نیز دستگیر و بازداشت نمود. صدر یکی از وکلای برجسته مدافع حقوق بشر، در تیر ماه ۱۳۸۸ دستگیر شد و فروغ میرزایی و مریم قنبری نیز دستگیر شدند که در نتیجه امکان دفاع از موکلین را برای آنها غیر ممکن ساخت.^{۳۱۲} شیرین عبادی تهدید شد که در صورت بازگشت به کشور، محبوس خواهد گردید.^{۳۱۳} اخیراً هنگامی که مقامات نتوانستند از محل اختفای وکیل، محمد مصطفایی، اطلاع حاصل نمایند، اعضاء خانواده وی را دستگیر کردند.^{۳۱۴}

۴،۳. بد رفتاری و شکنجه در زمان بازداشت

مطابق قانون اساسی ایران، مقامات از هر گونه هتک حرمت و حیثیت فرد بازداشت شده در مراحل دستگیری، بازداشت، زندان یا تبعید ممنوع شده‌اند.^{۳۱۵} قانون حقوق شهروندی تصریح می‌کند که «در جریان دستگیری و بازجویی یا استطلاع و تحقیق، از ایدای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضاء، تحقیر و استخفاف به آنان، اجتناب گردد».^{۳۱۶} قوانین ایران همچنین حق برخوردار بودن از مراقبتهای پزشکی کافی که باید توسط دولت فراهم گردد را به رسمیت می‌شناسد،^{۳۱۷} و تصریح می‌کند که بازداشت‌شدگان نباید برای مدتهای طولانی در حبس انفرادی بمانند. حبس انفرادی به حداکثر بیست روز محدود شده است.^{۳۱۸}

شکنجه، به خصوص به منظور گرفتن اعترافات اجباری، مطابق قوانین ایران ممنوع است. ماده ۳۸ قانون اساسی ایران اظهار می‌دارد «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است». و همچنین «اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند» ممنوع است.^{۳۱۹}

بر طبق ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی، هر یک از مأمورین دولتی که متهمی را که در بازداشت به سر می‌برد، اذیت و آزار بدنی نماید، باید قصاص شود یا دیه پرداخت نماید و نیز بر حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌گردد. علاوه بر آن، این ماده مسئولیت این آسیب‌رسانی را متوجه مقامات عالیرتبه‌ای می‌داند که در این خصوص دستور داده‌اند.^{۳۲۰}

شکنجه و رفتار غیرانسانی در حقوق بین‌الملل نیز منع گردیده است.^{۳۲۱} ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

۳۱۲. نگاه کنید به زیرنویسهای ۱۹۶-۱۹۷ و متون همراه آنها.

۳۱۳. «مدال صلح نوبل شیرین عبادی به وسیله رژیم ایران گرفته شد» [Shirin Ebadi Nobel Peace Prize medal <seized by Iran>]، اخبار بی.بی.سی، ۲۷ نوامبر ۲۰۰۹، قابل دسترسی در http://news.bbc.co.uk/2/hi/middle_east/8382008.stm

۳۱۴. نگاه کنید به زیرنویسهای ۱۹۸-۱۹۹ و متون همراه آنها.

۳۱۵. «قانون اساسی»، رک. زیرنویس ۲۶۸، ماده ۳۹.

۳۱۶. «قانون حقوق شهروندی»، رک. زیرنویس ۲۸۸، ماده ۶.

۳۱۷. «آیین نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور» ۱۳۸۴ [مصوب ۱۳۶۴، اصلاح شده در ۱۳۸۴]، مواد ۱۹-۱۱۰ (ایران)، قابل دسترسی در <http://www.prisons.ir/index.php?Module=SMMPageMaster&SMMOp=View&PageId=27> [از این به بعد: «قانون سازمان زندانها»].

۳۱۸. «قانون سازمان زندانها»، رک. زیرنویس ۳۱۷، ماده (۴) ۱۷۵.

۳۱۹. «قانون اساسی»، رک. زیرنویس ۲۶۸، ماده ۳۸.

۳۲۰. «قانون مجازات اسلامی»، رک. زیرنویس ۸۳، ماده ۵۷۸.

۳۲۱. «کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازاتهای ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز»، سند سازمان ملل متحد A/39/51 (۱۹۸۴)؛ معاهدات سازمان ملل شماره ۱۴۶۵، بخش ۸۵ [1465 UNTS 85]، قابل دسترسی در <http://iranhrdc.org/httpdocs/English/aadel.htm> [از این به بعد: «کنوانسیون منع شکنجه»]. برای مثال نگاه کنید به اعلامیه جهانی حقوق بشر؛ مجموعه اصول برای حفظ تمام افراد از هر گونه بازداشت و حبس، قطعه‌نامه مجمع عمومی ۴۳/۱۷۳، اصول ۶ و ۳، A/RES/43/173 (۱۹۸۸)، قابل دسترسی در <http://www.unhcr.org/refworld/docid/3b00f219c.html>؛ سازمان ملل متحد، قوانین حداقل استاندارد رفتار با زندانیان، ماده (۳) ۴۴، ۳۰ اوت ۱۹۹۵، قابل دسترسی در <http://www.unhcr.org/refworld/docid/3ae6b36e8.html> [تاریخ دسترسی ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۰]. قوانین حداقل استاندارد رفتار با زندانیان، ماده (۳) ۴۴، ۳۰

۴. نقض قوانین ایران و حقوق بین الملل

تصریح می‌دارد که «هیچکس را نمی‌توان مورد آزار و شکنجه یا مجازاتها یا رفتارهای ظالمانه یا غیرانسانی یا تحقیرآمیز قرار داد». ۳۲۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی همچنین حاوی ممنوعیتهایی علیه نگاه داشتن «متهمین» و «محکومین» در یک محل می‌باشد. ۳۲۳ در سال ۱۳۸۲ گروه کاری بازداشت‌های خودسرانه از ایران دیدار به عمل آورد و درباره استفاده ایران از حبس انفرادی ابراز نگرانی نمود. ۳۲۴ نماینده ویژه سازمان ملل متحد درباره حق آزادی عقیده و بیان، آمبی لیگابو، توضیح داد که علاوه بر تسهیل شکنجه، «نگاه داشتن شخص در حبس انفرادی به مدت طولانی ... خود به نفسه می‌تواند نوعی رفتار ظالمانه، غیر انسانی، یا تحقیرآمیز و یا حتی شکنجه محسوب گردد». ۳۲۵

مقامات ایرانی بر خلاف قوانین ایران و تعهدات بین‌المللی خود، به بدرفتاری و شکنجه فعالان حقوق زنان پرداختند. بسیاری از فعالان مورد هتاکی قرار گرفتند از شرایط غیربهداشتی و ازدحام جمعیت در زندانها رنج بردند. ۳۲۶ دیگران از جمله شیوا نظرآهاری و هنگامه شهیدی، ماه‌ها در حبس انفرادی ماندند. ۳۲۷ حداقل در یک مورد، تانیا احمدی کلیجی به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفت و احتمالاً به وی تجاوز شد. ۳۲۸

مأموران همچنین زندانیان سیاسی را در کنار زنان زندانی عادی مانند قاتلین، معتادین و سارقین جای داده بودند. ۳۲۹ پریسا کاکایی، زندانی سابق بند ۲۰۹ زندان اوین تعریف می‌کند:

یک هفته بعد از آزادی من، زندانیان سیاسی را قاطی با بند عمومی کرده بودند و بند متادون را خالی کرده بودند. شنیدم اوضاع بد بوده و بند عمومی بسیار کثیف بوده است. در بندهای بالا، تجاوز و اعمال اینچنین بسیار زیاد است. ۳۳۰

اوت ۱۹۹۵، مصوب شورای اقتصادی و اجتماعی، قطعنامه‌های ۶۶۳ C (XXIV) 663 و ۳۰ ژوئیه ۱۹۵۷ و ۲۰۷۶ (LXII) 2076، ۱۳ مه ۱۹۷۷ [از این به بعد: «قوانین حداقل استاندارد»].

۳۲۲. کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه شکنجه این ممنوعیت را به صورت قانون درمی‌آورد. این کنوانسیون شکنجه را به عنوان هر گونه عملی که به هر دلیلی، عمداً سبب بروز درد یا رنج شدید چه جسمی و چه روحی در شخص گردد تعریف می‌نماید. ماده (۱)(۱) کنوانسیون منع شکنجه اظهار می‌دارد که: «برای مقاصد این کنوانسیون، شکنجه یعنی هرگونه عملی که برای مقاصد از قبیل به دست آوردن اطلاعات از شخص یا فرد ثالثی، اعتراف گرفتن، تنبیه وی برای عملی که وی یا فردی ثالث مرتکب شده یا مظنون به ارتکاب آن است یا برای ارباب یا مجبور ساختن فرد یا شخص ثالث به هر دلیلی که بر پایه هر گونه تبعیض باشد، که در نتیجه آن درد یا رنج شدید چه فیزیکی و چه روحی عمداً بر شخص وارد آید و هنگامی که منشاء بروز یا برانگیختن این درد یا رنج، یک مقام دولتی یا فرد زیر دست او باشد و یا با رضایت یا اطلاع وی صورت گرفته باشد. این تعریف شامل درد یا رنج که صرفاً ذاتی یا تصادفی بوده و یا ناشی از تحریمهای قانونی باشد، نمی‌گردد». کنوانسیون منع شکنجه، رک. زیرنویس ۳۲۱، ماده ۱.

۳۲۳. «میثاق حقوق مدنی»، رک. زیرنویس ۲۷۳، ماده (۲) ۱۰.

۳۲۴. «حبس انفرادی شامل استفاده عمومی از محبوس ساختن بدون داشتن ارتباط با دیگران می‌شود. هنگام بازدید این گروه از بخش ۲۰۹ زندان اوین، گروه کاری برای اولین بار از زمان تأسیس خود با یک چنین روش استفاده گسترده از حبس انفرادی صرفاً به دلیل نفس عمل و نه برای مقاصد تربیتی معمول که در تمام زندانها موجود است، روبرو شد. موضوع داشتن فقط چند سلول تنبیهی آن طور که در تمام زندانها موجود دارد، نیست، بلکه زندانی درون زندان است که برای استفاده وسیع و سیستماتیک از حبس انفرادی مطلق غالباً برای مدت‌های طولانی طرح شده است». شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد، کمیته فرعی حقوق بشر، گروه کاری بازداشت‌های خودسرانه، ضمیمه: بازرسی از جمهوری اسلامی ایران، پاراگراف ۵۴، U.N. E/2004/3/Add.2 (۲۷ ژوئن ۲۰۰۳)، قابل دسترسی در <http://iranhrdc.org/httpdocs/English/aadel.htm>

۳۲۵. کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، گزارش ارایه شده توسط نماینده ویژه درباره حق آزادی عقیده و بیان، «آمبی لیگابو: مأموریت ضمنی به جمهوری اسلامی ایران»، ص. ۳، سند سازمان ملل E/CN.4/2004/62/Add.2 (۱۲ ژانویه ۲۰۰۴)، قابل دسترسی در <http://www.unhcr.org/refworld/country,,MISSION,IRN,,4090ffed0,0.html> (تاریخ دسترسی ۲۱ آوریل ۲۰۰۹) [از این به بعد: «گزارش لیگابو»].

۳۲۶. نگاه کنید به زیرنویسهای ۱۴۷، ۱۶۰، ۱۶۹، ۱۹۰، ۲۰۵، ۲۳۹، ۲۴۴، ۲۴۶، ۲۴۹، ۲۵۱-۲۵۳ و ۲۵۸-۲۵۹ و متون همراه آنها (پریسا کاکایی، شیوا نظر آهاری، هنگامه شهیدی، شادی صدر، تانیا احمدی کلیجی، نرگس محمدی).

۳۲۷. نگاه کنید به زیرنویسهای ۱۶۰، ۲۴۶ و ۲۵۵ و متون همراه آنها (شیوا نظر آهاری، تانیا احمدی کلیجی، هنگامه شهیدی).

۳۲۸. نگاه کنید به زیرنویس ۲۴۹ و متن همراه آن.

۳۲۹. «به هنگامه شهیدی در زندان حمله شد»، کلمه، ۹ خرداد ۱۳۸۹، قابل دسترسی در <http://persian2english.com/?p=11279>

۳۳۰. «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با پریسا کاکایی» (۲۵ فروردین ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران). همچنین هنگامه شهیدی، روزنامه‌نگار و عضو کمپین یک میلیون امضاء، بر اساس گزارشها در صبح روز ۸ خرداد ۱۳۸۹ توسط شخص معتادی در بند زنان زندان اوین مورد حمله قرار گرفت. «به هنگامه شهیدی در زندان حمله شد»، کلمه، ۳۰ مه ۲۰۱۰، قابل دسترسی در <http://persian2english.com/?p=11279>.

خاموش کردن جنبش زنان در ایران



عباس جعفری دولت‌آبادی در مرداد ۱۳۸۸ به عنوان دادستان کل تهران، جانشین سعید مرتضوی شد. فعالان زن که توسط دفتر دادستانی جعفری دولت‌آبادی احضار شدند، به زندان اوین برده شده و در دوران حبس وضعیت اسف‌باری را گذراندند. در اسفند ۱۳۸۸ وی تأسیس دفتر دادستانی ویژه‌ای در زندان اوین را اعلام نمود که مسئول رسیدگی به جرایم ضد انقلابی است.

۴،۴. استفاده از وثیقه به عنوان نوعی مجازات

ماده ۱۳۲ آیین دادرسی کیفری تصریح می‌کند که «به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی، در موارد لزوم و جلوگیری از فرار یا پنهان شدن یا تبانی با دیگری»، قاضی مکلف است مبلغ یا شرایطی را برای متهم تعیین نماید که عموماً وثیقه نامیده می‌شود.^{۳۳۱} ماده ۱۳۴ آیین دادرسی کیفری ملزم می‌دارد که این مبلغ «باید با اهمیت جرم و شدت مجازات و دلایل و اسباب اتهام و احتمال فرار متهم و از بین رفتن آثار جرم و سابقه متهم و وضعیت مزاج و سن و حیثیت او متناسب باشد».^{۳۳۲}

قانون مزبور هیچگونه دستورالعملی ارائه نمی‌دهد که چه جنایاتی مهم محسوب می‌شوند و چه مبالغی با میزان اهمیت این جنایات تطابق دارند. اما وکلای حقوق بشر ایرانی دریافته‌اند که «قضات سیاسی کار ... به سود رؤسای خود در کانونهای قدرت سیاسی و جناحی» تصویری بس خطرناک از متهم ارائه می‌دهند به طوری که وثیقه صادر شده «با اهمیت جرم احتمالی و شخصیت و وضعیت مزاج و سن متهم تناسبی پیدا نمی‌کند».^{۳۳۳}

ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی صراحتاً اظهار می‌دارد: «بازداشت اشخاصی که در انتظار دادرسی هستند نباید قاعده کلی باشد، لیکن آزادی موقت ممکن است موقوف به سپردن تضمین‌هایی [از جانب متهم] برای تأمین حضور [وی] در جلسه دادرسی شود». مجمع عمومی سازمان ملل متحد اظهار داشته است که:

دستگیری یا بازداشت چنین شخصی که در انتظار انجام تحقیقات و دادرسی می‌باشد، صرفاً باید برای مقاصد اداری قضایی بوده و به دلیل و بر حسب شرایط و مراحل باشد که توسط قانون تعیین شده است. تحمیل هر گونه محدودیتی بر اینگونه افراد که صرفاً به منظور بازداشت یا پیشگیری از به تعویق افتادن مراحل تحقیقات یا دادرسی قضایی، یا برای حفظ امنیت و نظم در بازداشتگاه نباشد، ممنوع است.^{۳۳۴}

نماینده ویژه سازمان ملل متحد در امور خشونت علیه زنان، در گزارش سال ۱۳۸۵ خود به شورای اقتصادی و اجتماعی درباره شرایط زنان در ایران، آزار و اذیت فعالان حقوق زنان و نیز استفاده از وثیقه‌های سنگین به منظور مجازات آنان را قید می‌کند.^{۳۳۵}

بسیاری از فعالان حقوق زنان که به دنبال انتخابات سال ۱۳۸۸ بازداشت شدند معتقدند در تلاش برای مجازات آنها و دلسرد نمودن ایشان از ادامه فعالیت، رژیم این وثیقه‌های سنگین را تعیین می‌نمود. هنگامی که بازداشت‌شدگان قادر به پرداخت تمامی این وثیقه‌ها نبودند، مقامات غالباً با اعضاء خانواده آنها درباره سپردن تضمین مالی از جانب شخص ثالثی به مذاکره

۳۳۱. «آیین دادرسی کیفری»، رک. زیرنویس ۲۸۹، ماده ۱۳۲.

۳۳۲. «آیین دادرسی کیفری»، رک. زیرنویس ۲۸۹، ماده ۱۳۴.

۳۳۳. مهرانگیز کار، «وثیقه است یا مجازات؟»، روز آنلاین، ۳ آذر ۱۳۸۸، قابل دسترسی در <http://www.mehrangizkar.net/archives/000491.php>.

۳۳۴. مجموعه اصول برای حفظ تمام افراد از هر گونه بازداشت و حبس، قطعنامه مجمع عمومی ۴۳/۱۷۳، اصول ۶ و ۳۳، A/RES/43/173 (۱۹۸۸)، قابل دسترسی در <http://www.un.org/Docs/journal/asp/ws.asp?m=A/RES/43/173>.

۳۳۵. نماینده ویژه در موضوع خشونت علیه زنان، «تلفیق حقوق بشر زنان و دیدگاه جنسی: خشونت علیه زنان: ضمیمه: مأموریت به جمهوری اسلامی ایران»، پاراگراف‌های ۴۰-۳۹ و ۵۸، قابل دسترسی در [U.N. Doc. E/CN.4/2006/61/Add.3](http://www.un.org/Docs/journal/asp/ws.asp?m=A/RES/43/173) (۲۰۰۶).

۴. نقض قوانین ایران و حقوق بین‌الملل

می‌پرداختند. این تضمینها فشار اقتصادی سنگینی بر دوش بازداشت‌شدگان و خانواده‌های آنها می‌گذاشت تا آنها خاموش بمانند. این روش به ویژه در شرایط اقتصادی ضعیف ایران در حال حاضر، کماکان مؤثر می‌باشد.

پریسا کاکایی تنها پس از آنکه تضمین مالی به اندازه یک سوم درآمد ماهیانه پدر و مادر خود گذاشت، از زندان آزاد گردید. وی توضیح داد که این مبلغ باید در صورتیکه وی پس از احضار، در دادگاه حاضر نشود، پرداخت گردد و نیز متذکر شد که متأسفانه، والدین وی مستأجر هستند.^{۳۳۶} نمونه‌های دیگری از این وثیقه‌های سرسام‌آور برای آزاد ساختن فعالان حقوق زنان، وثیقه مهدیه گلرو می‌باشد که در ابتدا در فروردین ۱۳۸۹ در حدود ۷۰ میلیون تومان بود و سپس به ۵۰ میلیون تومان کاهش یافت.^{۳۳۷} متأسفانه خانواده وی قادر به پرداخت هیچیک از این مبالغ نبودند.^{۳۳۸} وثیقه خدیجه مقدم در روز ۲۵ فروردین ۱۳۸۹ در حدود ۱۰ میلیون تومان تعیین گردید، اما باز خانواده وی استطاعت پرداخت آن را نداشتند.^{۳۳۹}

۴،۵. آزار و مزاحمت‌های رسمی

قانون اساسی ایران می‌گوید «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن، و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند».^{۳۴۰} حقوق بین‌الملل نیز حق محترم شمردن زندگی خصوصی، حق محرّمیت نشدن غیرعادلانه از شغل، و حق آزادی عبور و مرور را به رسمیت می‌شناسد.^{۳۴۱} اما به هر حال مقامات ایرانی دائماً فعالان حقوق زنان را تحت نظر داشتند، حق استخدام و حق مسافرت را از آنها سلب کردند.

۴،۵،۱. حق احترام به زندگی خصوصی افراد

قانون اساسی ایران تحت نظر گرفتن خودسرانه و تمام اشکال تحقیقات مخفیانه مگر در شرایط خاصی که توسط قانون تعیین شده باشد را ممنوع می‌شمارد.^{۳۴۲} مشابهاً ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی اظهار می‌دارد که:

- ۱- هیچکس نباید در زندگی خصوصی و خانواده و اقامتگاه یا مکاتبات، مورد مداخلات خودسرانه یا غیرقانونی قرار گیرد و نیز شرافت و حیثیت او هم نباید مورد تعرض غیرقانونی واقع شود.
- ۲- هرکس حق دارد در برابر اینگونه مداخلات یا تعرضات، از حمایت قانون برخوردار شود.

فعالان حقوق زنان گزارش می‌کنند که دائماً و به طور خفقان‌آوری تحت نظر بودند.^{۳۴۳} مأموران رژیم آنها را تعقیب

۳۳۶. «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با پریسا کاکایی» (۲۵ فروردین ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران).

۳۳۷. «مهدیه گلرو همچنان در زندان به دلیل وثیقه ۷۰۰ میلیون تومانی»، دانشجو نیوز، ۵ اردیبهشت ۱۳۸۹، قابل دسترسی در <http://www.danesh-joonews.com/news/humanrights/605-1389-02-05-00-19-16.html>

۳۳۸. «مهدیه گلرو همچنان در زندان به دلیل وثیقه ۷۰۰ میلیون تومانی»، دانشجو نیوز، ۵ اردیبهشت ۱۳۸۹، قابل دسترسی در <http://www.danesh-joonews.com/news/humanrights/605-1389-02-05-00-19-16.html>

۳۳۹. «آخرین وضعیت خدیجه مقدم از اعضای کمپین یک میلیون امضاء»، مدرسه فمینیستی، ۲۵ فروردین ۱۳۸۷، قابل دسترسی در <http://www.iran-femschool.org/spip.php?article436>

۳۴۰. «قانون اساسی»، ر.ک. زیرنویس ۲۶۸، اصل ۲۲.

۳۴۱. «میثاق حقوق مدنی»، ر.ک. زیرنویس ۲۷۳، مواد ۱۷ و ۱۲. «میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی»، ماده ۶، ۳ ژانویه ۱۹۷۶، معاهدات سازمان ملل متحد، شماره ۹۹۳، بخش ۳ [از این به بعد: «میثاق حقوق اجتماعی»] قابل دسترسی در <http://iranhrdc.org/httpdocs/English/aadel.htm>

۳۴۲. اصل ۲۵ تصریح می‌نماید: «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون»، «قانون اساسی»، ر.ک. زیرنویس ۲۶۸، اصل ۲۵.

۳۴۳. «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با آیدا سعادت» (۲۶ فروردین ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران)؛ «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با محبوبه عباسقلی‌زاده» (۱۵ تیر ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران)؛ «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با پریسا کاکایی» (۲۵ فروردین ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران)؛ «مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با تانیا احمدی کلیچی» (۳۰ فروردین ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران).

خاموش کردن جنبش زنان در ایران

می‌کردند، مکالمات تلفنی آنها را شنود می‌کردند، و ایمیل‌های آنها را تحت کنترل داشتند.^{۳۴۴}

بازجوها مرتباً به فعالان و خانواده‌های آنها تلفن کرده و تهدید می‌کردند که اگر آنها از فعالیتهای خود دست برندارند و خود را به نیروهای انتظامی معرفی نمایند، عواقب نامطلوب آن را خواهند دید.^{۳۴۵} برخی از فعالان به دلیل تحت نظر بودن و مزاحمتها، به کلی استفاده از تلفنهای همراه خود را متوقف نموده و ارتباط خود با دوستان و همکاران خود را قطع کردند.^{۳۴۶} این تهدیدها و مزاحمتها سبب شد بسیاری از فعالان احساس کنند دورافتاده و ناتوان شده‌اند.^{۳۴۷}

۴،۵،۲. حق اشتغال

بر طبق ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی که در سال ۱۳۵۴ توسط ایران تصویب گردیده است، ایران مکلف است علیه هرگونه تبعیض در برخورداری شخص از حق انتخاب کار، از جمله تبعیض در استخدام افراد به علت اعتقادات سیاسی آنها، محافظت نماید.^{۳۴۸} کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در تفسیر خود درباره ماده ۶ میثاق مزبور، اظهار داشت که حق انتخاب شغل، کشورها را متعهد می‌سازد «اطمینان حاصل کنند که افراد از حق خود ... برای عدم محرومیت غیرعادلانه از فرصتهای شغلی» چه توسط شخصی ثالث و چه توسط عوامل حکومتی «برخوردار هستند».^{۳۴۹} این کمیته همچنین توضیح داد که کشورها باید «چه مستقیماً و چه به طور غیرمستقیم از دخالت در بهره‌مندشدن افراد از این حق، خودداری نمایند» و نیز از تجاوز به حقوق افراد برای انتخاب شغل، از طریق اخراجهای غیرقانونی توسط اشخاص ثالث، پیشگیری نمایند.^{۳۵۰} کنوانسیون سازمان بین‌المللی کار نیز که به تأیید ایران رسیده، کشورهای عضو این پیمان را موظف می‌دارد «به عنوان یک هدف اصلی، سیاست فعالی را ترغیب نمایند که هدف آن تعالی و بهبود ... انتخاب آزادانه شغل باشد» به طوریکه این انتخاب وابسته به اعتقادات سیاسی افراد نباشد.^{۳۵۱}

با این حال فعالان حقوق زنان شکایت می‌کنند که مقامات ایرانی به دلیل فعالیتهای این افراد، وضعیت استخدام و حق اشتغال ایشان را هدف قرار داده‌اند. نرگس محمدی به دلیل وابستگی به کانون مدافعان حقوق بشر، از سمت خود در یک شرکت مهندسی، اخراج گردید. علیرغم سابقه کار وی در این سمت برای هشت سال، وی را از تمام مزایای کاری محروم نمودند.^{۳۵۲} آیدا سعادت دو بار توسط کارفرماهای خود اخراج شد که آنها هر بار به وی توضیح دادند توسط دولت تحت فشار گذاشته شده‌اند.^{۳۵۳}

در یک موج جدید پاکسازی در مدارس و دانشگاه‌ها که به دنبال انتخابات خرداد ۱۳۸۸ صورت گرفت، فعالان حقوق زنان از سمتهای آموزشی خود اخراج گردیدند. سمیرا صدری، فعال حقوق زنان و دانشجویان، از سمت خود به عنوان آموزگار

۳۴۴. نگاه کنید به زیرنویسهای ۱۶۴، ۱۸۳، ۲۴۸ و ۲۵۱ و متون همراه آنها (محبوبه عباسقلی‌زاده، آیدا سعادت، تانیا احمدی کلیجی، پریسا کاکایی).

۳۴۵. نگاه کنید به زیرنویسهای ۱۷۱، ۱۸۲-۱۸۴، ۱۸۸ و ۲۴۸ و متون همراه آنها (تانیا احمدی کلیجی، پریسا کاکایی، آیدا سعادت).

۳۴۶. نگاه کنید به زیرنویسهای ۱۶۴، ۱۶۹ و ۱۹۴ و متون همراه آنها (پریسا کاکایی، محبوبه عباسقلی‌زاده، تانیا احمدی کلیجی، پروین اردلان).

۳۴۷. نگاه کنید به زیرنویسهای ۱۶۴، ۱۶۸، ۱۸۴ و ۱۹۴ و متون همراه آنها (پریسا کاکایی، محبوبه عباسقلی‌زاده، آیدا سعادت، ژیلای بنی‌یعقوب).

۳۴۸. «میثاق حقوق اجتماعی»، ر.ک. زیرنویس ۳۴۱، ماده (۲)۶.

۳۴۹. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی سازمان ملل متحد، تفسیر عمومی شماره ۱۸، ۷، ص. ۴، سند سازمان ملل متحد E/C.12/GC/18 (۶ فوریه ۲۰۰۶) [از این به بعد: «تفسیر عمومی شماره ۱۸»] قابل دسترسی در <http://www.un.org/Docs/journal/asp/ws.asp?m=E/C.12/GC/18>

۳۵۰. «تفسیر عمومی شماره ۱۸»، ر.ک. زیرنویس ۲۴۹، ماده ۶: حق کار، پاراگراف ۴.

۳۵۱. سازمان بین‌المللی کار، «کنوانسیون درباره سیاست استخدام»، ص. ۱، سازمان بین‌المللی کار، سند شماره C122 (۱۵ ژوئیه ۱۹۶۶)، قابل دسترسی در <http://www.ilo.org/ilolex/english/convdisp1.htm>

۳۵۲. «نرگس محمدی: اخراج از کار به خاطر فعالیتهای حقوق بشری»، رادیو فردا، ۲۴ آذر ۱۳۸۸، قابل دسترسی در http://www.radiofarda.com/content/f35_Narges_Mohammadi_Officially_Imposed_Job_Loss/1904487.html

۳۵۳. نگاه کنید به زیرنویسهای ۱۷۸ و ۱۸۲ و متون همراه آنها.

۴. نقض قوانین ایران و حقوق بین الملل

مدرسه معلق گردید و سپس در آذر ماه ۱۳۸۸ پس از هفت سال کار، به طور دائم از سمت خود منصرف شد. صدری مطلع گردید که علت انفصال وی، فعالیتهای سیاسی و حقوق بشر وی و شوهر او بوده است. در دیماه ۱۳۸۸ صبا واصفی، فعال حقوق زنان و کودکان نیز به علت فعالیتهای خود در زمینه حقوق زنان، از سمت خود به عنوان استاد دانشگاه شهید بهشتی در تهران اخراج شد.^{۳۵۴}

۴،۵،۳. آزادی رفت و آمد

ماده ۱۳۳ آیین دادرسی کیفری ایران تصریح می کند که فقط در صورتی که پرونده قضایی شخص در جریان دادرسی باشد (و خود شخص هم با گذاشتن وثیقه و یا ضمانت مالی شخص ثالث، در بیرون از زندان به سر می برد) می توان وی را از سفر به خارج ممنوع نمود.^{۳۵۵} بر طبق قانون گذرنامه ایران «برای افرادی که مطابق اعلامیه کتبی مراجع رسمی قضایی از خروج از کشور ممنوع گردیده اند، گذرنامه صادر نخواهد شد».^{۳۵۶} اگر مطابق این قانون برای اینگونه افراد قبلاً گذرنامه صادر شده باشد، هنگام خروج از کشور، «گذرنامه ایشان توقیف خواهد شد» تا زمانی که محدودیت سفر درباره ایشان برداشته شود.^{۳۵۷}

حق آزادی رفت و آمد در اسناد حقوق بشر گنجانده شده است^{۳۵۸} و کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز اظهار داشته است که این «یک شرط اجتناب ناپذیر برای شکوفایی یک فرد» می باشد.^{۳۵۹} آزادی رفت و آمد شامل حق مسافرت و انتخاب محل اقامت در یک کشور، حق ترک یک کشور، و حق ورود به کشور خود آن شخص می باشد.^{۳۶۰} کشورهایی که آزادی رفت و آمد افراد را نقض کرده اند، باید غرامت بپردازند.^{۳۶۱}

اما به هر حال محمد صالح نیکبخت، یکی از وکلای ایرانی که دفاع از افرادی را به عهده داشته است که ممنوع الخروج شده بوده اند، گزارش می دهد که در موارد اخیر آشکار شده است که هیچگونه حکمی از طرف قاضی برای ممنوعیت خروج صادر نگردیده است. «فعالان سیاسی و حقوق بشر، هنرمندان، نویسندگان، و دیگر فعالان مدنی ... ممنوع الخروج شده اند. اما تاکنون، هیچ دلیل یا دلایلی برای ممنوعیت خروج آنها صادر نگردیده است».^{۳۶۲} نیکبخت اضافه می کند که این افراد سپس برای دنبال کردن پرونده خود به ارگانهای مختلف رجوع داده می شوند، اما فایده و نتیجه ای ندارد.^{۳۶۳} طبق گفته نیکبخت،

۳۵۴. مصاحبه مرکز اسناد حقوق بشر ایران با صبا واصفی (۴ مرداد ۱۳۸۹) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران).

۳۵۵. «آیین دادرسی کیفری»، رک. زیرنویس ۲۸۹، ماده ۱۳۳.

۳۵۶. «قانون گذرنامه جمهوری اسلامی ایران»، ماده ۱۶ (مصوب ۱۳۵۱، اصلاحیه ۱۳۷۷).

۳۵۷. همان.

۳۵۸. برای مثال نگاه کنید به «اعلامیه جهانی حقوق بشر»، مواد ۹ و ۱۳، قطعنامه مجمع عمومی (III) 217 A، ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸، قابل دسترسی در www.un.org/Overview/rights.html (تاریخ دسترسی ۱۵ ژوئن ۲۰۱۰)، «میثاق حقوق مدنی»، رک. زیرنویس ۲۷۳، ماده ۱۲؛ پروتکل شماره ۴ به کنوانسیون حفظ حقوق بشر و آزادیهای بنیادین، E.T.S. No. 46، از ۲ مه ۱۹۶۸ به موقع اجرا گذاشته شد، قابل دسترسی در <http://conventions.coe.int/Treaty/EN/Treaties/html/046.htm>.

۳۵۹. کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد، تفسیر عمومی شماره ۲۷، ماده ۱۲: آزادی عبور و مرور، پاراگراف ۱، سند سازمان ملل متحد/CCPR/C/21/Rev.1/Add.9 (۲ نوامبر ۱۹۹۹)، قابل دسترسی در <http://www.un.org/Docs/journal/asp/ws.asp?m=CCPR/C/21/Rev.1/Add.9>.

۳۶۰. نیهال جیاویکراما [NIHAL JAYAWICKRAMA]، «به کارگیری قانون حقوق بشر در امور قضایی: رویه قضایی ملی، منطقه ای و بین المللی» [THE JU-DICIAL APPLICATION OF HUMAN RIGHTS LAW: NATIONAL, REGIONAL AND INTERNATIONAL JURISPRUDENCE]، ص. ۴۴۰ (۲۰۰۲).

۳۶۱. برای مثال نگاه کنید به «میثاق حقوق مدنی»، رک. زیرنویس ۲۷۳، ماده (۳) ۲. شرایط خاصی وجود دارد که در آن دولت مجاز است اختیار عبور و مرور افراد را محدود نماید. دولت در موارد زیر می تواند به طور قانونی آمد و شد افراد را محدود نماید: (۱) اگر محدودیت فوق بر طبق قوانین داخلی باشد؛ (۲) این محدودیت اهداف قانونی داشته باشد مانند «حفظ امنیت ملی، نظم عمومی ...، بهداشت یا اخلاقیات عمومی یا حقوق و آزادیهای دیگران» و (۳) این محدودیت «در یک جامعه دموکراتیک ضروری باشد» یعنی این محدودیت با هدف مربوطه متناسب باشد. همان. ماده (۳) ۱۲.

۳۶۲. «وقتی حکم ممنوع الخروجی بر استدلال قانونی می چربد»، دویچه وله، ۲۵ دسامبر ۲۰۰۹، قابل دسترسی در <http://www.dw-world.de/dw/article/0,,5056417,00.html>.

۳۶۳. همان.

خاموش کردن جنبش زنان در ایران

مقام صادرکننده این منع، هرگز اعلام نمی‌شود.^{۳۶۴}

گذرنامه فعالانی که تحت دادرسی قضایی نمی‌باشند نیز در فرودگاه توقیف شده است. برای مثال در اردیبهشت ۱۳۸۹، سیمین بهبهانی، شاعر ایرانی ۸۳ ساله، از سفر به پاریس منع شد.^{۳۶۵} در مورد وی هم تقریباً هیچگونه نشانی وجود ندارد که شخص ممنوع‌الخروج، به دلیل فعالیتها و یا وابستگیهای خود، تهدیدی معقول برای امنیت کشور ایجاد خواهند کرد. در نتیجه، ممنوع کردن سفر ایشان نقض قوانین حقوق بشر ایران و جهان بوده و صرفاً به منظور ترساندن و کنترل فعالان می‌باشد.

نتیجه گیری

حکومت ایران بر خلاف قوانین ایران و حقوق بین‌الملل، در تلاش برای از هم پاشی جنبش حقوق زنان، فعالان این جنبش را هدف قرار داده است. عوامل رژیم کماکان به دستگیری، بازجویی، بدرفتاری، تهدید و حبس فعالان به دلیل عقاید آنها، عضویت آنها در سازمانهای مختلف، شرکت در تظاهرات، و دیگر گرایشهای آنها، ادامه می‌دهند. فعالان هم مجبور به مخفی شدن یا ترک وطن می‌شوند.

روش شناسی

مرکز اسناد حقوق بشر ایران اطلاعات گرد آمده در این گزارش را از بررسی منابع زیر تهیه و تجزیه و تحلیل نموده است:

- شهادت قربانیان و شهود، که شامل شهادتنامه‌هایی است که توسط حقوقدانان این مرکز از فعالان ایرانی حقوق زنان، روزنامه نگاران، و وکلا گرفته شده.
- مدارک دولتی، که شامل بیانیه‌های عمومی مقامات دولتی، بیانیه‌های انتشار یافته توسط نهادهای دولتی ایران، و اسناد حقوقی منتشر شده می‌باشد.
- مدارک منتشر شده توسط سازمانهای غیردولتی، که شامل مصاحبه‌ها، گزارش‌ها و اطلاعیه‌های عمومی است که توسط سازمانهای عفو بین‌الملل، زندگی زنان تحت قوانین اسلام، و سازمان تغییر برای برابری نوشته شده.
- مقالات و کتب دانشگاهی، که شامل مطالبی است که مورخان و دانشمندان علوم سیاسی درباره ایران نگاشته‌اند، و نیز مطالبی که توسط ایرانیان در باره تجارب آنها از این وقایع نوشته شده است.
- گزارشهای رسانه‌ها، که شامل مقالات و گزارشهایی است که توسط رسانه‌های ایرانی و دیگر رسانه‌ها و نیز وبلاگ نویسان ایرانی انتشار یافته.

در مواردی که این گزارش به اطلاعات تهیه شده توسط عوامل دولتی و یا احزاب دیگر دست اندر کار ارجاع و یا به آنها استناد می‌کند، منابع این اطلاعات با ذکر ارزیابی و صحت و سقم هر منبع به طور اختصاصی بیان شده است. مرکز اسناد حقوق بشر ایران در نهایت دقت تمامی منابع اطلاعات به کار رفته در تهیه این گزارش را مورد بازبینی قرار داده تا از اعتبار و دقت آنها یقین کامل حاصل نماید.

۳۶۴. همان.

۳۶۵. نگاه کنید به زیرنویسهای ۲۶۴-۲۶۵ و متون همراه آنها. همچنین نگاه کنید به زیرنویس ۱۵۴ (پروین اردلان). همچنین نگاه کنید به نگاه کنید به زیرنویسهای ۱۱۵، ۲۶۶-۲۶۷ و متون همراه آنها (نرگس محمدی، ثریا عزیزپناه، ژینا مدرس گرجی، منصوره بهکیش).



شیوا نظرآهاری، فعال پرسابقه حقوق زنان و مؤسس کمیته گزارشگران حقوق بشر، از ۲۹ آذر ۱۳۸۸ به اتهامهایی که مرتبط با فعالیتهای وی هستند در زندان اوین محبوس می‌باشد. نیروهای امنیتی نظرآهاری را مدت کوتاهی بعد از اعلام نتایج انتخابات ۱۳۸۸ دستگیر کردند و سپس اول مهرماه ۱۳۸۸ با وثیقه هنگفتی آزاد نمودند. وی دوباره روز ۲۹ آذرماه هنگامی که عازم مراسم تشییع جنازه آیت الله میان‌رو حسینعلی منتظری بود دستگیر شد. از هنگام دستگیری، نظرآهاری برای دوران طولانی در زندان انفرادی بود و از دسترسی به وکیل ممنوع شد. اتهامات وی «اقدام علیه امنیت ملی از طریق شرکت در تظاهرات ۱۳ آبان و ۱۶ آذر» و «فعالیت تبلیغی علیه نظام» می‌باشند و بازجوهای وی ادعا دارند که وی از اعضای مجاهدین خلق است. وی در ۲۱ شهریور ۱۳۸۹ (بعد از چاپ انگلیسی این گزارش) با تودیع وثیقه ۵۰۰ میلیون تومانی آزاد شد.